

سوره سینما

پرونده‌ای از فعالیت بانک جامع سینمای ایران از آغاز تا امروز:

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران شناسنامه‌ای برای سینمای ایران

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری، شماره ۳۲ | مهر ۱۳۹۸

سینما از حماسه اربعین جا مانده است | لوپتو بالاترین توان انیمیشن ایران | سینما و ادبیات؛ وامداری متعادل، تعامل متقابل



در نشست هم‌اندیشی «بررسی آیین‌های مذهبی در سینمای ایران» مطرح شد:

به الگو سازی از امام حسین ^{علیه السلام} نیاز داریم

غلامرضا فرجی؛ مدیر پخش سینماهای حوزه هنری:

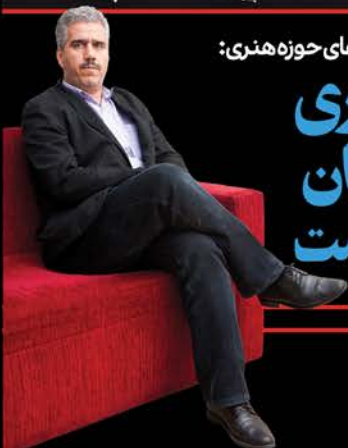
حوزه هنری
رکورددار اکران
سینمای کودک است

نگاهی به عملکرد واحد بین الملل و بازرگانی سازمان سینمایی حوزه هنری

حضور در بیش از صد جشنواره بین‌المللی

فریدون حسن‌پور؛ کارگردان سینما در گفتگو با سوره سینما مطرح کرد:

مهم‌جوریت فیلم‌های مذهبی در جشنواره فجر



■ دوراه پیش روی سینما و سینماگران

شما [سینماگران] می‌توانید این نسل را یک نسل پیشرونده، امیدوار، پُرشوق، معتقد به خود و معتقد به ارزش‌های اسلامی و ملی خود بار بیاورید؛ و همین‌طور می‌توانید این نسل را شرمنده، پشیمان، زیر سؤال برنده‌ی افتخارات گذشته و زیر سؤال برنده‌ی افتخار انقلاب و دفاع مقدس بار بیاورید

عموصا

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارگردانان سینما ۱۳۸۵/۳/۲۳



روابط عمومی و امور محافل
سازمان سینمایی حوزه‌های



سوره سینما

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری
شماره سی و دو - مهرماه ۱۳۹۸

صاحب امتیاز: سازمان سینمایی حوزه هنری
مدیر مسئول و سردبیر: یزدان عشیری
مجری طرح: آرش رمضانیان

تحریریه: فاطمه پزشکی. مریم اکبرلو.
مرضیه فرزعلیان. امید عشریه.
غفور پورغفور. محمدرسول ظهیری

صفحه آرایی: مانی گرافیک
عکس: بهادر زارع. محمدرسول ظهیری

با سپاس از: حامد نیکومرام. محمدعلی حیدری.
نرگس ساجد

«سوره سینما» پایگاه خبری تحلیلی سینمای ایران:

www.sourehcinema.ir

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران

www.sourehcinema.com/Default.aspx

صفحه اینستاگرام «سوره سینما»

[instagram.com/sourehcinema](https://www.instagram.com/sourehcinema)

کانال تلگرام روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری

[@sourehcinema_com](https://www.sourehcinema.com)

«کانال تلگرام «سوره سینما»

[@sourehcinema](https://www.sourehcinema)

تلفن: ۸۸۸۰۹۵۰۷-۸۸۹۱۸۱۲۸

آدرس: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ
ساختمان حوزه هنری، طبقه چهارم، سازمان سینمایی حوزه هنری

رویدادها

۴

گزارش

۱۰

در نشست

«بررسی آیین های مذهبی در سینمای ایران»

دیدگاه

۲۰

محرم و سینمای دین

کندوکاو

۲۶

موسسه بهمن سبز

پرونده

۳۵

بانک جامع

اطلاعات سینمای ایران

سخن نخست

سینما از حماسه اربعین جا مانده است

حماسه پیاده روی اربعین حرکت عظیمی است که در سال‌های اخیر، یکی از بزرگ‌ترین و پرشورترین اجتماعات انسانی و اعتقادی را به نمایش می‌گذارد و ابعاد و عظمت این حرکت تا آنجاست که بسیاری از رسانه‌های غربی و معاند هم، برغم نگاه منفی و غرض‌آلود هم نتوانستند از آن چشم‌پوشی کنند. حرکتی که همه ساله جهانیان را مات و میهوت می‌کند؛ از چشم‌سینما و سینماگران ما ولی دور مانده است. البته نمی‌توان تلاش‌های کوچکی که برای اعزام کاروان‌های هنری و سینمایی صورت می‌گیرد را نادیده گرفت. ولی متأسفانه در زمینه خلق آثاری که روایت گر گوشه‌هایی از این جنبش بین‌المللی و نهضت جهانی باشد ضعیف عمل کردیم.

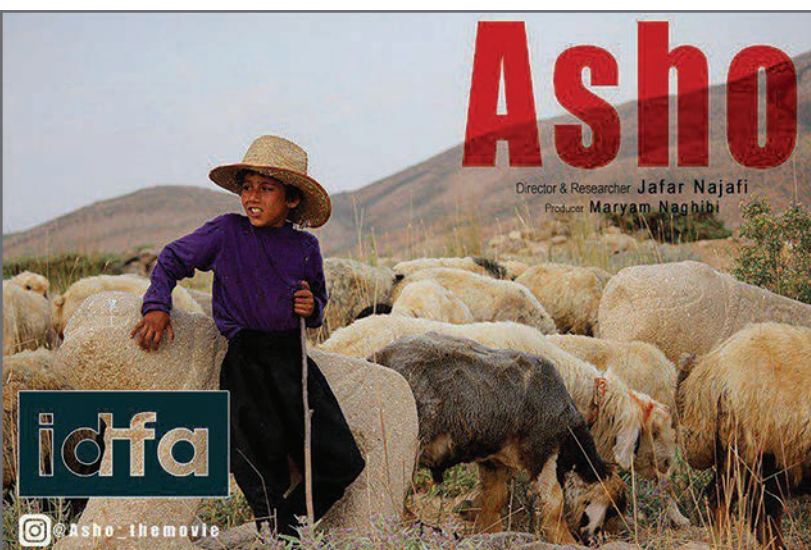
سالانه ده‌ها فیلم سینمایی در زمینه‌های اجتماعی، خانواده، کمدی و فیلم‌های خاص تولید می‌شود و بسیاری از آنها، از طریق دستگاه‌های اجرایی و نهادهای ذیربط حمایت هم می‌شوند و از سبد تسهیلات فارابی و برخی مراکز بهره می‌برند. آیا نمی‌توان در چشم‌انداز تولیدات سینمایی سال، سهم کوچکی را به موضوعات مذهبی و حماسه اربعین اختصاص داد؟

نکته مهم، ویژگی‌های فراگیر و وحدت بخشی است که در جوهره و ذات حرکت اربعین نهفته است. بعد از زیارت خانه خدا و حج، این رویداد بزرگ‌ترین گردهم‌آیی جهان اسلام است، فیلم‌سازان کشورهای اسلامی باید در کنار هم این حماسه عظیم میلیونی را در قالب سینما به تصویر بکشند، تولید مشترک در این فرصت که هر ساله تکرار می‌شود و اکران فیلم‌های ساخته شده در سینماهای کشورهای اسلامی علاوه بر مقابله با بایکوت رسانه‌ای غرب می‌تواند بر اقتصاد سینمای این کشورها تأثیرگذار باشد.

امسال از هفته‌ها و ماه‌ها قبل از حماسه اربعین با دخالت برخی از شبکه‌های امنیتی و جاسوسی و سازمان‌های صهیونیستی و غربی شاهد فضا سازی‌های منفی گسترده و آشوب‌های میدانی در عراق بوده‌ایم. این گونه تحركات نشان می‌دهد که نظام سلطه از این حرکت وحدت بخش میان شیفتگان خاندان عصمت و طهارت نگران است.

حیف است جامعه سینمایی و مراکز ذیربط با اهتمام و جدیت به این بزرگ‌ترین حماسه دینی، مذهبی و سیاسی سال جهان اسلام در کنار حماسه حج نپردازند. فقدان اثری شاخص با این موضوع یکی از خلاءهای دردناک سینماست. امید است با تدبیر و درایت متولیان امر بیش از این شاهد فقر، رکود، رخوت و کم‌کاری در این زمینه نباشیم.

بدون شک، ساخت اثر یا آثاری با مضامین عاشورا و اربعین با توجه به پیوند گسست‌ناپذیر امت اسلام با این وقایع و حماسه‌ها، پتانسل بالایی دارد که نه تنها به انعکاس فرهنگی آن منجر می‌شود بلکه باعث رونق و رشد سینمای کشور و منطقه می‌شود. مضمون عاشورا و اربعین مضمونی فراگیر در سطح کشور، منطقه و جهان است.



مستند کوتاه «آشو» به «ایدفا» می‌رود

«آشو» مستند کوتاهی به کارگردانی جعفر نجفی و تهیه‌کنندگی مریم نقیبی می‌باشد که به بخش رقابتی «کیدز اند داکس» سی و دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های مستند آمستردام (ایدفا) راه یافته است.

این فیلم که اولین تجربه کارگردانی جعفر نجفی است، شروع موفق‌تری را در عرصه بین‌المللی را آغاز نموده است. «ایدفا» مهمترین رویداد سینمایی مستند در دنیا است و سالانه بیش از ۲۰۰ فیلم مستند از سراسر جهان در بخش‌های مختلف این جشنواره حضور دارند. این جشنواره از ۲۹ آبان الی ۱۰ آذر ماه در شهر آمستردام کشور هلند برگزار می‌شود.



«زمانی یک زن» در جشنواره «کارتاز» تونس

فیلم سینمایی «زمانی یک زن» به تهیه‌کنندگی آریتا مگوگی و کارگردانی جلیل اکبری صحت در جشنواره بین‌المللی فیلم «کارتاز» به نمایش درآمد.

فیلم «زمانی یک زن» به نویسندگی محمد رحمانیان که پخش بین‌الملل آن را سازمان سینمایی حوزه هنری برعهده دارد، روایت‌گر چند جستجو، جستجوهای که آدم‌های قصه را به شناخت دیگری از خود و جهان پیرامون می‌رساند.

این فیلم در سه کشور کنیا، کانادا و ایران فیلمبرداری شده و غزل شاکری و پژمان هادوی به همراه چند بازیگر خارجی در آن به ایفای نقش می‌پردازند. کمپانی تولید این فیلم شرکت آریا پرسیس می‌باشد و محصول موسسه رسانه‌های تصویری است.

جشنواره بین‌المللی فیلم «کارتاز» اولین و مهم‌ترین جشنواره سینمای عرب و آفریقا است و از قدیمی‌ترین جشنواره‌های فعال در قاره آفریقا به حساب می‌آید. جشنواره بین‌المللی فیلم «کارتاز» از ۱۲۶ اکتبر تا ۲ نوامبر برابر با چهارم الی یازدهم آبان ماه در شهر کارتاز کشور تونس برگزار شد.



«اسکی باز» در جشنواره شارجه

فیلم سینمایی «اسکی باز» به کارگردانی فریدون نجفی و به تهیه‌کنندگی محمد احمدی در بخش رقابتی هفتمین جشنواره بین‌المللی کودک «شارجه» حضور داشت.

فیلم سینمایی «اسکی باز» که پخش بین‌الملل آن را سازمان سینمایی حوزه هنری برعهده دارد، پیش از این با حضور در چندین جشنواره معتبر بین‌المللی، جوایز متعددی کسب کرد که از این میان می‌توان به جایزه نقره‌ای «دهو» از جشنواره فیلم «زنگبار» و جایزه بهترین فیلم از جشنواره المپیک یونان را نام برد.

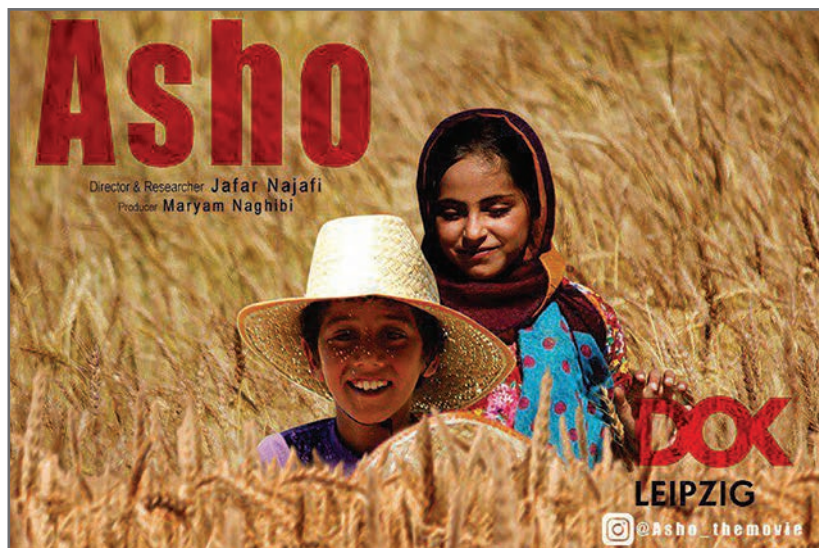
هفتمین جشنواره بین‌المللی کودک «شارجه» از ۲۱ الی ۲۷ مهرماه در شهر شارجه کشور امارات برگزار شد.

«آشو» در جشنواره «لایپزیگ» آلمان

مستند کوتاه «آشو» به کارگردانی جعفر نجفی در شصت و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های مستند و انیمیشن «لایپزیگ» (داک لایپزیگ) حضور یافت.

مستند «آشو» به تهیه‌کنندگی مریم نقیعی در بخش رقابتی فیلم‌های کوتاه جشنواره «لایپزیگ» با دیگر آثار حاضر در این بخش به رقابت پرداخت. برنامه پخش این مستند در جشنواره، روزهای ۸ و ۹ آبان در سالن‌های Passage Kinos Universum و Kinos Astoria بود.

جشنواره بین‌المللی فیلم‌های مستند و انیمیشن «لایپزیگ» یکی از مهم‌ترین و معتبرترین جشنواره‌های مختص فیلم‌های مستند و انیمیشن در اروپا است که از ۱۲ آبان ماه سال جاری در شهر لایپزیگ کشور آلمان برگزار شد. «آشو» کودکی چوپان است که دل‌بسته‌ی سینما و بازیگری است. او از صبح تا شب با گله‌اش مشغول است و در حال دست و پنجه‌نرم کردن با مشکلات زندگی روزمره و کارش، اما هم‌زمان با عشقی که به فیلم‌های مطرح سینمای جهان و بازیگری دارد، زندگی‌اش آمیخته به رویاهایش می‌شود.



سه جایزه از جشنواره «ایثار» برای حوزه هنری

اختتامیه سومین جایزه ملی «فیلم ایثار» در حالی برگزار شد که تولیدات حوزه هنری سهم عمده‌ای از این جوایز را داشتند.

در این جشنواره تولیدات حوزه هنری جوایزی را کسب کردند. بهزاد شاهین‌پور با فیلم کوتاه «مشتی» از تولیدات حوزه هنری زنجان رتبه اول و دیپلم افتخار در بخش کارگردانی را به خود اختصاص داد. فیلم کوتاه «تا فردا» به نویسندگی و کارگردانی علی توکلی زانیانی و تهیه‌کنندگی حوزه هنری چهارمحال و بختیاری مورد تقدیر قرار گرفت. سعید کریمی با فیلم کوتاه «یک دست صدا دارد» از تولیدات حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد تندیس بهترین دستاورد فنی و تکنیکی (تصویر بردار) را گرفت.

مراسم اختتامیه سومین جایزه ملی «فیلم ایثار» عصر روز دوشنبه ۲۲ مهر ماه در تالار ایوان شمس برگزار شد.



راهیابی «پیشکش» به جشنواره بولیوی

فیلم کوتاه «پیشکش» به کارگردانی بختیار خلیلی و تهیه‌کنندگی حوزه هنری استان کردستان، به عنوان تنها نماینده سینمای ایران به جشنواره فیلم کودک و نوجوان «بولیوی» راه یافت.

در خلاصه داستان آمده است: در یک روستای دور افتاده در کردستان پسر بچه‌ای به دنبال راه حلی برای سردرد مادرش است ولی اتفاقاتی غیرمنتظره برای او رخ می‌دهد.

سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان «بولیوی» با هدف تعامل بین دنیای کودکان و دنیای بزرگسالان و ترویج رشد و پرورش کودکان از ۱۵ الی ۲۱ مهر در شهر لاپاز بولیوی کشور بولیوی برگزار شد.

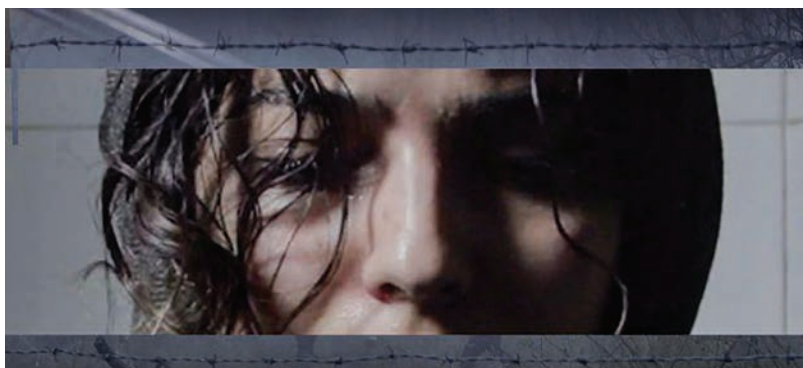




رونمایی از پوستر فیلم مستند «یارمحمد خان»

در راستای تجلیل و تکریم سردار یارمحمد خان کرمانشاهی، از پوستر فیلم مستند «یارمحمد خان» تولید واحد هنرهای تصویری حوزه هنری کرمانشاه، در محل آرامگاه وی در محوطه مرکز بهداشت خیابان نقلیه، رونمایی شد.

در این مراسم که با حضور مدیران، مسئولین نهادهای فرهنگی هنری و اساتید و پیشکسوتان برگزار شد، علاوه بر رونمایی پوستر این فیلم مستند، از تابلوی نام گذاری بلوار سردار یارمحمدخان (حد فاصل چهارراه مادر تا میدان جمهوری اسلامی ایران) رونمایی شد. یارمحمدخان کرمانشاهی، از سرداران جنبش مشروطه ۱۳ مهرماه ۱۲۹۱ در بازار سنتی کرمانشاه به ضرب گلوله ماموران عبدالحسین میرزا فرمانفرما، حاکم کرمانشاه و عامل حکومت مرکزی از پای درآمد و جان باخت.



رونمایی و اکران فیلم داستانی «والو»

از نویسندگان و کارگردان: سجاد قنبرپور، تهیه کننده: حوزه هنری استان اردبیل، مشاور پروژه: امین حیایی، بازیگران: سایه عباسپور و بهروز رحیمی، مدیر فیلمبرداری: عبدالله شگری، تدوین: شاهین جلالی، موسیقی متن: بهرام رجبعلی زاده و یاور قنبرپور، صداگذار: فرشید زبوری، صدا بردار: مجید بشکل، دستیار کارگردان و برنامه ریز: یاور قنبرپور، دستیار کارگردان: وحید صالحی اقدم، دستیار فیلمبرداری: سعید علایی، زیرنویس انگلیسی: حامد رسولی، مدیر تدارکات: رامین پیرزاده و مدیر هماهنگی: رضا جاوید کیا.

فیلم کوتاه داستانی «والو» در حوزه هنری استان اردبیل رونمایی و اکران شد.

فیلم کوتاه داستانی «والو» روز دوشنبه ۲۲ مهرماه در واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان اردبیل با حضور عوامل و بازیگران رونمایی و اکران شد.

داستان فیلم روایت زنی باردار است که دچار بیماری سرطان می شود و در این بین با پستی و بلندی هایی مواجه است.

عوامل ساخت فیلم کوتاه داستانی «والو» عبارتند



آغاز فصل جدید «شوکران»

فصل جدید مجله تلویزیونی «شوکران» با سردبیری و اجرای پیام فضلی نژاد از ۱۳ آبان ماه روی آنتن رفت.

فصل جدید «شوکران» از دوشنبه ۱۳ آبان ساعت ۲۱ با پخش گفتگوی دکتر منصوره اتحادیه، بانوی ۸۶ ساله تاریخ ایران، از شبکه چهار پخش شد. برنامه «شوکران» شامل گفتگوهای چالشی با متفکران ایران امروز است که نوزده قسمت آن از مرداد سال گذشته به مدت پنج ماه روی آنتن شبکه چهار سیما رفت. فصل جدید شوکران از ۱۳ آبان ۱۳۹۸ آغاز شد و طی بیست قسمت تا ۲۶ اسفند ادامه خواهد داشت.

در فصل جدید برنامه «شوکران»، اندیشمندان برجسته داخلی و خارجی از جمله دکتر «سیدحسین نصر» فیلسوف ۸۶ ساله و استاد دانشگاه جرج واشنگتن، دکتر «احمد مهدوی دامغانی» اسلام شناس ۹۵ ساله و استاد دانشگاه هاروارد و دکتر «شیرین هاشمی» متفکر سیاسی ۷۴ ساله، عضو شورای روابط خارجی آمریکا برای اولین بار در یک گفتگوی تفصیلی با رسانه ملی شرکت کرده اند.

همچنین دکتر «منصوره اتحادیه» بانوی ۸۶ ساله تاریخ ایران، آیت الله «سیدمحمد مهدی میرباقری» رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم، دکتر کریم مجتهدی فیلسوف ۹۰ ساله، دکتر «حاتم قادری» سیاست پژوه ۶۳ ساله، دکتر «مهدی محسنیان راد» رسانه شناس ۷۴ ساله، دکتر «باقر ساروخانی» متفکر ۸۰ ساله و پدر جامعه شناسی ارتباطات، استاد «لوریس چکناوریان» موسیقی دان ۸۲ ساله، دکتر «ابوالحسن تنهایی» جامعه شناس ۶۸ ساله به همراه دیگر دانشوران برجسته ایرانی از میهمانان فصل جدید برنامه شوکران هستند.

«شوکران» محصول مشترک حوزه هنری و شبکه چهار سیما است. این برنامه در فصل نخست خود میزبان شخصیت هایی چون عبدالله انوار، ایران درودی، مهدی محقق، منوچهر آشتیانی، ابوالقاسم علی دوست، غلامرضا اعوانی، نوش آفرین انصاری، مهدی گلشنی، حمید پارسا، هوشنگ ماهر و یان، احمد واعظی و... بود که کاندیدای جشن هنر انقلاب و همچنین برای بهترین اجرا نامزد جشنواره جام جم شد. در آخرین نظر سنجی صداوسیما، «شوکران» به عنوان پرمخاطب ترین برنامه شبکه چهار در سال ۱۳۹۷ معرفی شد.



محمدحسین صادقی:

بالاترین توان انیمیشن ایران

«لوپتو» علاوه بر اینکه داستان و روایت جذابی دارد به لحاظ تکنیکی هم به اذعان اهالی فن خیلی یکدست و یک پارچه است و به نسبت بضاعت سینمای انیمیشن ایران در سطح بسیار بالایی قرار دارد.

محمدحسین صادقی تهیه کننده انیمیشن سینمایی «لوپتو» عنوان کرد: بخش تولید و پس تولید پروژه به اتمام رسیده و ۲ قسمت عمده موسیقی و صداگذاری باقی مانده است. وی تشریح کرد: ترانه های آن توسط هومن شاهی و امیرعلی بهادری در حال ضبط است و صداگذاری آن توسط تیم صدا به سرپرستی آرش قاسمی در حال انجام است.

وی توضیح داد: «لوپتو» در نگاه اول برای مخاطب کودک و نوجوان طراحی شده است اما با توجه به فضای خانوادگی و طراحی فانتزی که برای همه کاراکترهای اسن فقه شده است می توان همه اعضای خانواده را مخاطب این فیلم دانست.

وی معتقد است: داستانی جدیدی که «لوپتو» آن را روایت می کند و کانون گرم خانواده که در کنار هم اقدام به تاسیس آسایشگاه نمودند، زاویه روایت بکری است که به جرات می توان گفت نه فقط در ایران بلکه در هیچ جای دنیا انیمیشنی مشابه آن ساخته نشده است.

صادقی تاکید کرد: «لوپتو» علاوه بر اینکه داستان و روایت جذابی دارد به لحاظ تکنیکی هم به اذعان اهالی فن خیلی یکدست و یک پارچه است و به نسبت بضاعت سینمای انیمیشن ایران در سطح بسیار بالایی قرار دارد. وی تکمیل کرد: این انیمیشن بالاترین توان انیمیشن ایران است و برای بیان مضمون مورد نظرمان کوچک ترین احساس کمبود تکنیکی نکردیم و تکنیک یکدست و چشم نواز کاملاً ایرانی در خدمت مضمون است.

صادقی در پایان گفت: ما بسیار به اکران این فیلم امیدواریم زیرا علاوه بر صحنه های اکشن خاص و مهیجی که دارد با روایت جذاب و یکدستش مخاطب با آن همذات پنداری خواهد کرد.



تولیدکنندگان انیمیشن از ۹ استان در «رویزی»

تولیدکنندگان انیمیشن از استان های اصفهان، ایلام، البرز، سیستان و بلوچستان، قزوین، کردستان، کرمان و لرستان در کنار هنرمندان تهرانی، در دومین دوره این رویداد ثبت نام کردند. طبق اعلام دبیرخانه رویداد «رویزی»، صاحبان طرح های ثبت نام شده در «رویزی ۲» بعد از گذراندن کارگاه های آموزشی این رویداد که هفته دوم مهرماه با حضور اساتید داخلی و خارجی با موضوعات تجاری سازی انیمیشن، مالکیت معنوی و بلاک چین، اصول و مبانی مذاکره، تجزیه و تحلیل اقتصادی تولید انیمیشن، کپی رایت و مالکیت معنوی و توزیع بین الملل در حوزه هنری بر گزار شد، در انتظار گام های بعدی رویزی هستند تا برای انجام یک پیچ استاندارد و حرفه ایی مقابل سرمایه گذاران آماده شوند. در «رویزی ۲» چهل طرح سینمایی و سریالی انیمیشن ثبت نام کردند که بعد از بررسی این آثار (از نظر کمی و میزان آمادگی طرح ها برای ارائه) آماده دوره های منتورشیپ خواهند شد. پیچینگ انیمیشن «رویزی ۲» در آذرماه سال جاری با حضور تولیدکنندگان، سرمایه گذاران، خریداران و سفارش دهندگان عرصه انیمیشن در تهران بر گزار خواهد شد.



باشگاه فیلم یزد در ایستگاه صدم

در یکصدمین نشست تخصصی اکران و تحلیل فیلم حوزه هنری یزد، فیلم «پاراسایت» (انگل) ساخته بونگ جون - هو، کارگردان و فیلم نامه نویس سرشناس کره جنوبی به نمایش درآمد.

فیلم «پاراسایت» که برنده نخل طلای بخش اصلی جشنواره کن ۲۰۱۹ شده است، با حضور هنرمندان اهالی سینما مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در این برنامه یک اتفاق ویژه برای باشگاه فیلم حوزه هنری یزد رقم خورد و آن هم صدتایی شدن این نشست ها بود.

پس از اکران فیلم، وحید حسنی، نویسنده و مدرس، به نقد و بررسی فیلم پرداخت.



تولید «وزوز» در حوزه هنری اردبیل

هنرهای تصویری حوزه هنری استان اردبیل، پویانمایی کوتاه «وزوز» را با محوریت تولید داخل و حمایت از کالای ایرانی تولید کرد.

عوامل پویانمایی کوتاه «وزوز» عبارتند از: نویسنده و کارگردان: حسن اسد اوغلی، صدابردار و صداگذار: محمدرضا علی نژاد، استوری بورد: سمیرا بهشتی و طراح و انیماتور: علی بیگ. گفتنی است این پویانمایی کوتاه که با نگاه منتقدانه و طنز، مراحل انیمیت تدوین و صداگذاری را به اتمام رسانده و آماده بهره برداری است.



اختصاص ۱۱۰ سینمای حوزه هنری به جشنواره «رشد»

معاون دفتر انتشارات و فناوری آموزشی و عضو هیئت انتخاب فیلم‌های خارجی جشنواره فیلم رشد از اضافه شدن ۱۱۰ سینمای حوزه هنری در سراسر کشور برای میزبانی از این جشنواره خبر داد.

مجید صادقیان گفت: برای نزدیک کردن دوباره جشنواره فیلم رشد به اهداف و مأموریت‌های اصلی خود، در حال طراحی و برنامه‌ریزی برای استفاده از امکانات سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها هستیم. دست‌اندرکاران حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی با روی باز از این همکاری استقبال کردند و طی تفاهمی که داشتیم، سئانس‌های صبح ۱۱۰ سینمای تحت مدیریت موسسه بهمن سبز حوزه هنری در سراسر کشور را در اختیار جشنواره فیلم رشد گذاشتند.

او ادامه داد: جشنواره فیلم رشد تا پایان سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۹ حدود ۱۴ هزار سئانس نمایش فیلم دارد که حالا سئانس‌های این سینماها هم به ظرفیت نمایشی ما اضافه شده است.



قدیر از مادران شهدا در اکران فیلم مستند «بانو»

فیلم مستند سینمایی «بانو» روایتی از زندگی عصمت احمدیان یکی از زنان تاثیرگذار اهواز است که در قالب جشنواره فیلم مردمی عمار در سالن سوره حوزه هنری استان اصفهان به نمایش درآمد.

ضمن نمایش این فیلم و قدردانی از روح الله جوانی تصویربردار این فیلم سینمایی در این برنامه از جمعی از مادران شهدای اصفهان تجلیل به عمل آمد.

حوزه هنری استان اصفهان با همکاری جشنواره فیلم مردمی عمار و موسسه سراج و مجموعه فیلمسازان انقلاب اسلامی از مادران شهید تورجی زاده، علی قوچانی، احمد فروغی، شهیدان جعفرزاده و حسن حجاریان تقدیر به عمل آوردند.

در این برنامه همچنین از مهدی عبداللهی مستندساز اصفهانی و جمعی از خواهران فعال فرهنگی در حوزه اکران فیلم‌های مردمی عمار تقدیر شد.



سرپرست پردیس سینمایی هویزه مشهد منصوب شد

حیدر مرادی به عنوان سرپرست جدید پردیس سینمایی هویزه مشهد منصوب شد.

حیدر مرادی پیش از این در مقام مدیر امور سینمایی حوزه هنری استان کردستان فعالیت می‌کرد و امسال در هشتمین همایش مدیران سینمایی کشور از وی به عنوان مدیر نمونه تقدیر شده است. وی همچنین در سابقه خود مدیریت پردیس سینمایی بهمن سنج و سینما آزادی بیجار را دارد که جز سینماهای سودده و پر مخاطب کشور است.

سکان هدایت پردیس سینمایی هویزه مشهد با تقدیر از زحمات و تلاشهای حسن کریمی مدیر سابق پردیس سینمایی هویزه مشهد به حیدر مرادی سپرده شد.



انیمیشن «فردا» در سمنان

به همت حوزه هنری سمنان، انیمیشن «فردا» با موضوع تولید ملی و ساخت داروهای هسته‌ای مورد نیاز بیماران تولید شد.

بر اساس این گزارش، انیمیشن «فردا» به مدت ۲ دقیقه و دوباره تولید ملی و ساخت داروهای هسته‌ای مورد نیاز بیماران و توانمندی جمهوری اسلامی ایران در ساخت داروهای هسته‌ای است.

امیر طوسی کارگردان و دفتر هنرهای تصویری و پویانمایی حوزه هنری استان سمنان تهیه کننده انیمیشن «فردا» است.

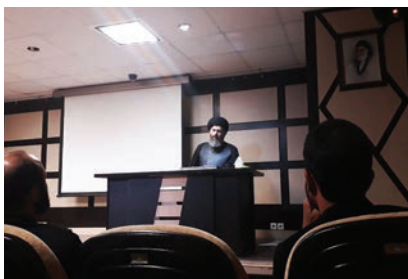


«حیات» در خوزستان تولید شد

فیلم کوتاه ۱۰۰ ثانیه‌ای «حیات» به کارگردانی مسلم آفاکوچک‌زاده و تهیه‌کنندگی واحد هنرهای تصویری حوزه هنری خوزستان تولید شد.

«حیات» فیلمی است در ژانر اجتماعی و موضوع آن تکریم خانواده و جانبازان است و به مسائلی همچون ایثار، فداکاری، خانواده و امید به زیستن اشاره دارد و روایتی کوتاه از زندگی یک جانباز است.

این فیلم با ایفای نقش کمال الدین حبیبی، نفس حاجی شفیعی و با تصویربرداری و تدوین مهدی بزار، صداگذار: حسین شعبانی و عکاس: سلمان جلودار در تهران فیلم‌برداری و آماده‌اگران شد.



اکران مستند «عابدان کهنز» در خراسان شمالی

به همت واحد تصویری حوزه هنری خراسان شمالی، مستند «عابدان کهنز» اکران و بررسی شد.

رضا خدادادی گفت: این مستند به معرفی مسجد امیرالمومنین در منطقه «کهنز» شهریار تهران می‌پردازد و در واقع این مستند داستان ۳ شهید، ۲ جانباز و ۲۰ مدافع حرمی را که در این مسجد تربیت شده‌اند، روایت می‌کند.

مسئول واحد تصویری حوزه هنری خراسان شمالی افزود: مستند «عابدان کهنز» به نویسندگی و کارگردانی مجید رستگار با حضور حجت الاسلام سید محمد افشین‌فر، اکران و نقد و بررسی محتوایی شد.



مستندی از تولیدات داخلی در ایران و ترکیه

فیلم مستند «اویان» در واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان اردبیل تولید شد. واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان اردبیل، فیلم مستند «اویان» (بیدار شو) را با محوریت تولید داخلی و حمایت از کالای ایرانی تولید کرد.

در این فیلم سعی شده است ضمن بررسی ابعاد مصرف کالای ایرانی، ابعاد دیگر یا روی دیگر سکه یعنی ابعاد مصرف کالای خارجی و نتایج آن نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته و به ساز و کارهای مؤثر در این راستا نیز اشاره شود.

کارگردانی این فیلم مستند را «علیرضا پورنادری»، تصویربرداران ترکیه: هاکان بیلماز و لیلا قدیریان، تصویربردار ایران: بهزاد فرزانه و ش، صداپرداز: رحمان ابراهیمی، تدوین: بهزاد فرزانه و ش و محقق: مژگان فرزانه و ش، برعهده داشتند.

گفتنی است این مستند به عوامل موفقیت کشورهای همسایه در عرصه حمایت از کالاهای داخلی و همچنین آسیب‌شناسی از وضعیت کالاهای ایرانی پرداخته و راه کارهای عملی ارائه می‌نماید و فیلم‌برداری آن در دو کشور ایران و ترکیه انجام شده است.



«ذبح» در «ایرنوس رادز» لهستان جایزه گرفت

جایزه بهترین فیلم بین الملل بیست‌وششمین جشنواره مستقل «ایرنوس رادز» لهستان به فیلم کوتاه «ذبح» ساخته مشترک آکو زندکریمی و سامان حسین پور رسید.

در ادامه موفقیت‌های بین المللی فیلم کوتاه «ذبح» ساخته مشترک آکو زندکریمی و سامان حسین پور این فیلم در بیست و ششمین دوره جشنواره بین المللی مستقل «ایرنوس رادز» که در روزهای هجدهم و نوزدهم اکتبر در شهر کازل لهستان برگزار شد جایزه نخست بخش بین الملل فیلم کوتاه را به خود اختصاص داد.

حوزه هنری کردستان و انجمن سینمای جوانان سنندج به صورت مشترک تهیه‌کنندگی این فیلم را بر عهده داشتند.



در نشست هم‌اندیشی «بررسی آیین‌های مذهبی در سینمای ایران»

به الگوسازی از امام حسین^(ع) نیاز داریم

نیاز به خردورزی جمعی سینماگران و علمای دینی

در ابتدای برنامه یزدان عشیری، در خصوص چالش‌های موجود در عرصه سینمای دینی گفت: در این نشست قرار است به بررسی جایگاه آیین‌های مذهبی در سینمای ایران بپردازیم. متأسفانه، آمار تولید فیلم با موضوع آیین‌های مذهبی بسیار کم است. در حالی که سینما می‌تواند به مثابه ابزار و دریچه‌ای برای معرفی این گونه آیین‌ها در جامعه باشد به نظر من این رسانه، از گستره نیاز و مطالبه جامعه عقب مانده است. دست سینما و تلویزیون در این زمینه خالی است و سفره سینما از نظر تولیدات مذهبی و آیینی بسیار فقیر است. وی افزود: احتمالاً مشکلاتی چون: محافظه

نوزدهمین نشست هم‌اندیشی «سینما، گفتمان فرهنگی» با موضوع «بررسی آیین‌های مذهبی در سینمای ایران» با حضور کارگردانانی چون: داریوش یاری، دانش اقباشاوی، کیانوش دالوند و یزدان عشیری و امیررضا مافی از منتقدان و کارشناسان سینما در محل سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد.



اقباشاوی:

مقام معظم رهبری (ره)

در بیانات خود

بارها گلایه داشته‌اند

که چرا تاکنون

فیلمی

در وصف حال و هوای

نماز جمعه

ساخته نشده است.

کاری، وجود قرائت‌های مختلف از مسائل و مفاهیم دینی، عدم اهتمام و کم توجهی برخی دستگاه‌ها و مسئولان ذی ربط، محدودیت امکانات ساخت این گونه فیلم‌ها در کنار تجربه‌های ناموفق صورت گرفته و ... مهم‌ترین دلایل بی‌مهری و فاصله سینما از ورود به این عرصه است.

عشیری خاطر نشان کرد: سالانه فیلم‌های زیادی در زمینه تاریخ مذاهب و پیامبران دینی در سینمای غرب ساخته می‌شود که عموماً همراه با تحریف و مبتنی بر فلسفه اومانیسم امروز است ولی سینمای ما از این قضیه غافل است. تقریباً، ۱۵۰ فیلم اجتماعی سالانه، در ایران تولید می‌شود که در این چشم انداز جای موضوعات دینی کمرنگ است. رفع این مشکل نیاز به بررسی موضوع در بخش‌های مدیریتی، همراهی جامعه سینمایی و فیلمسازان دارد. معتقدم ریشه یابی مشکلات سینمای دینی اقدامی است ضروری که هم اندیشی و خردورزی جمعی سینماگران و علمای دینی را می‌طلبد.

فقدان حکمت و اخلاق

داریوش یاری کارگردان «کربلا جغرافیای یک تاریخ»، اخلاق و حکمت را لازمه جامعه امروز معرفی کرد و اظهار داشت: اساساً همه فیلمسازان و مسئولان نسبت به بیان مشکلات، محافظه کارانه برخورد می‌کنند تا خدای ناکرده مشکلی برای کسی ایجاد نشود؛ در حالی که این محافظه کاری منجر به آزار پیشکسوتان و ماهیت سینما شده است. مسائل تئوری مربوط به آیین‌ها و مذهب حوزه بسیار گسترده‌ای است و به قول استاد بلوک باشی «آیین» لباسی بر تن فرهنگ است. ما سرشار از آیین‌ها هستیم که به علت عدم آگاهی و شناخت ناکافی به راحتی از آن گذشته‌ایم. در حالی که بخشی از آیین‌ها به مراسم‌های عزاداری، شور و شادی و ... مربوط می‌شود که به مراتب در برنامه‌های تلویزیونی و ایام خاص متناسب با رسوم شهرهای مختلف با آن روبرو شده‌ایم. مراسم نخل گردانی، تشیت گذاری، عزاداری، سینه زنی و زنجیر زنی چیزی است که همه ما به نحوی متفاوت آن را دیده‌ایم. اینگونه مراسم‌ها از زیباترین و شگفت انگیزترین جلوه‌های آیینی ایرانی‌ها بوده و به آیین‌های جوانمردی در ایران مربوط می‌شود. جامعه ما نیاز به حکمت و اخلاق دارد.

یاری ادامه داد: ما بازار حکمت و اخلاق را به باد داده‌ایم و تنها به حسینیة داری و موبک داری بسنده کرده‌ایم. رسم سخنوری به منظور آموزش حکمت و اخلاق ایجاد شده و سرشته این آموزش‌ها «حسین ابن علی (ع)» بوده که در وصف آن می‌گوییم ان الحسین مصباح الهدی و السفینه النجاة. جنگ امام حسین (ع) درس حکمت و اخلاق بود تا اندازه معرفت آدم‌ها در داشتن انصاف معلوم شود. اگر ما سینمای آیینی و دینی نداریم به این دلیل است که جامعه به شدت دچار کمبود حکمت و اخلاق است. فقدان حکمت و اخلاق باعث کمرنگ شدن سینمای دینی شده است. مسائل دیگری بر این کمبودها صحنه می‌گذارد که بخشی از آن به

فیلمسازان و بخش دیگر به مسئولان حکومتی و مدیران فرهنگی مربوط می‌شود.

تولید فیلم‌های شیعی

دانش اقبال شای در خصوص وضعیت سینمای دینی گفت: سینمای آیینی می‌تواند نوعی فرم هم محسوب شود. بخش‌های آیینی و زیبایی شناسی آثار دیگر کشورها از جمله: فیلم‌های مارتین اسکورسزی باعث حسرت آلم می‌شود و او به نحو احسن از آیین‌های کاتولیک برای زیبایی شناسی بهره برده است.

اقباشاوی افزود: مقام معظم رهبری (ره) در بیانات خود بارها گلایه داشته‌اند که چرا تاکنون فیلمی در وصف حال و هوای نماز جمعه ساخته نشده است. این نکته بینی دقیقی از ایشان بوده است که سالی ۵۲ بار در این مراسم شرکت می‌کنیم ولی در سینما از آن غافل مانده و بعضاً در ساخت فیلم‌های خود کمتر به نمادهایی از آیین‌های مذهبی و ایرانی می‌پردازیم. سینمای دیگر کشورها با الهام از آیین‌ها مخاطب داخلی و خارجی را با اعتقادات خود آشنا می‌کند. در اکثر فیلم‌های آمریکایی کلیسا و جزئیات اندیشه کاتولیک به وضوح دیده می‌شود. ما هم می‌توانیم استفاده هویت مندی از اعتقادات در سینما داشته‌ایم.

این کارگردان سینما اظهار داشت: ما آیین‌های دراماتیک بسیار جذاب و خوبی داریم که برای مخاطب ملی و بین‌المللی جالب و دیدنی است. بدون نزدیکی به اغزو تیزم می‌توانیم از آیین‌ها و حکمت‌ها به شکل زیبایی در فیلم‌ها استفاده کرده و فیلم‌های شیعی تولید کنیم تا همان قدر که هیات‌ها پرشور بر گزار می‌شود سینما هم حجم بالایی از مخاطب را به خود اختصاص دهد.

رئیس سینمایی

کیانوش دالوند در این نشست گفت: در جامعه با مشکل بزرگی مواجه هستیم که قبل از سینما و ساخت فیلم‌های آیینی و مذهبی باید آن را حل کنیم. جمله معروفی داریم که می‌گوید «سینماگران کاهنان معابد امروز هستند» و هنرمند کسی است که اسطوره را به عصر خود می‌کشد و آن را متناسب با زمانه خود به روز می‌کند. ما در ایران سینمادار را کاهن نمی‌دانیم و سینماگر جرئت ندارد کاهن باشد.

وی افزود: آیین‌ها همیشه دروازه‌ای برای عملی کردن اسطوره‌ها بوده و آن را الگوسازی می‌کنند. ساختار سینما قدرت تاثیر گذاری بر مخاطب را دارد اما متأسفانه سینماگران از این امکان و اجازه محروم هستند. مگر می‌شود برخی از چهره‌ها که قرن‌ها الگوی ماست در فیلم‌ها نشان داده نشود؟ و این الگوها حتی حق داد زدن در فیلم را ندارند و فیلمساز را مجبور به حاشیه کشاندن افراد اصلی و برجسته کردن آدم بد‌ها می‌شود. در فیلم‌های مذهبی ما نقش‌های منفی تاثیر گذاری بیشتری بر مخاطب دارند. در سریال امام علی (ع) عمرو عاص به مراتب پررنگ تر از امام علی (ع) است. در سریال امام رضا (ع) و دیگر فیلم‌های مذهبی هم این

محکم است. همچنین فیلم «روز واقعه» فیلمی دینی تاریخی است اما فیلم «قیصر» نمونه‌ای از یک آیین است و شجاعت و جوانمردی را به تصویر کشیده است.

این کارگردان سینما؛ فیلمسازان را آدم‌های تنبلی در پژوهش معرفی کرد و یادآور شد: فیلمسازان برای بیان آیین‌ها وقت نمی‌گذارند. فیلمنامه‌هایی با مضمون محرمی را به ما می‌دهند که در حد محدود هم اطلاعات درستی در آن وجود ندارد. ما ۱۴۰۰ سال زحمت کشیده‌ایم حادثه‌ای را به حماسه تبدیل کرده و شخصیت‌ها را به اسطوره تبدیل کنیم و ایرانی‌ها به واسطه فرهنگ‌ها و اعتقادهایشان در این اقدام موفق بوده‌اند. در تعزیه‌های ایرانی با اصالت، شهادت امام حسین را نمی‌بینیم و در فرهنگ اصیل نباید کشته شدن قهرمان دیده شود تا تبدیل به اسطوره شود. ما با این بینش امام حسین (ع) را به اسطوره تاریخ اسلام تبدیل کرده و توانسته‌ای در برابر عرب بایستیم.

شهادت پرچم دار فتوت و اخلاق

در ادامه اقباشاوی متذکر شد: سینما هنر جوانی است و در مقابل دیگر هنرها ۱۲۰ ساله است. در این سالها ۵۷ سال آن عملاً در بی محتوایی زمان پهلوی و نبود فیلم‌های آیینی گذشته است و تنها ۴۰ سال در دست جریان‌های مذهبی قرار گرفته و باید خوش بینانه به آن نگاه شود. در میان فیلم‌های دفاع مقدس، تعداد انگشت شماری از آثار به محتوای آیینی و مذهبی می‌پردازند. مرحوم ملاقلی‌پور، حاتمی کیا و درویش از جمله فیلمسازانی هستند که در طی این سالها نسبتاً آثاری آیینی را به سینمای ما رسانده‌اند.

وی افزود: شعر و ادبیات هنر کم‌رینه‌ای است اما صنعت سینما به اندازه مناسب قوام نیافته اما تجربه‌هایی همانند «روز واقعه» و «رستاخیز» را به خود دیده است. باید به سینمای آیینی خوش بینانه نگاه کنیم. نمی‌توان انتظاری که از محتشم کاشانی داشته‌ایم را از فیلمسازان هم داشته باشیم. معتمد اگر ما بر فن و صنعت سینما مسلط شویم سینمای آیینی و مذهبی کشورمان با همین تک مضارب‌ها به پیشرفت می‌رسد و من به آن امیدوار هستم.

یاری در واکنش به اقباشاوی عنوان کرد: ما خودمان نخواسته‌ایم به سینمای آیینی بها بدهیم و زیر و رو کشیده‌ایم و به فکر کاسبی و رونق دکان‌های خودمان بوده‌ایم. سینما مرکز انتقال حکمت و اخلاق بوده و این وظیفه را برعهده دارد. اقباشاوی تاکید کرد: کشور ما از دل یک انقلاب بیرون آمده و همراه جنگ قادر به رشد سینما بوده‌ایم. پرچم‌دار سینمای آیینی فیلمسازان، مردمان مبارز در دهه ۶۰، رزمندگان و شهدا هستند که خود نمادی از فرهنگ فتوت هستند. ناگفته نماند پرده سینما روایتگر قصه‌ها است. فیلم را پول و زمان می‌سازد. سینما یک صنعت



تقویم را به تاریخ تبدیل کنند و آن را نسل به نسل منتقل کنند. آیین‌های ما تا پیش از سده اخیر در این اقدام موفق بوده‌اند اما در سده اخیر بنابر چند اتفاق، از تاریخ فاصله گرفته است. در دوران پهلوی اول آیین‌ها سرکوب شده و از دهه ۴۰، حکومت آیین‌ها را به سبک خوانش خود تبدیل کرده و ما را از پایان دوره قاجار به نحوی دستوری وارد دوره مدرن کرد. در این زمان پروژه مدرن شدن به دستور رضاخان ایجاد می‌شود که بدون اشباع سنت تا پهلوی دوم ادامه پیدا می‌کند که رهبری کلاسیک و انقلاب سنتی را در پی داشت.

وی اضافه کرد: در تلاطم سده اخیر به دنبال دستورالعملی برای آیین‌هایمان بوده‌ایم که در شکل‌گیری آن طیف‌های سیاسی نیز وارد می‌شوند که نتیجتاً جامعه با آیین‌های مصادره شده گروه‌های مرجع مواجه شده و محتوا را مصادره شده می‌داند و به کانال‌های روی می‌آورد. این مخاطب دیگر به دنبال دیدن آیین‌ها در سینما نیست. در جامعه امروز ما نه مخاطب نیازش را احساس می‌کند و نه سازنده خود را مکلف به ساخت فیلمی می‌کند که خط قرمزها، محدودیت‌ها و سختی‌های بسیاری دارد. چرا این نیاز در مخاطب ما وجود ندارد چون ما نظام معرفتی برای امروز جامعه مان نداریم. بنابراین زمانی که این تشنگی احساس شود مسئول فرهنگی هم به دنبال آن به ساخت فیلم‌ها می‌پردازد. فیلمساز در بال متفکران و استفاده از آنها به ترجمه افکار در فیلم می‌پردازد. فیلمساز امروز ما از متفکران محروم است.

فیلم «قیصر» نمونه‌ای از یک آیین است

داریوش یاری در ادامه به بحث تفاوت سینمای دینی و آیینی پرداخت و عنوان کرد: فیلم‌های دینی، آیینی و تاریخی تفاوت بسیاری با هم دارند. چرا همه اصرار دارند که فیلم «رستاخیز» فیلمی آیینی است؟ بلکه «رستاخیز» فیلم تاریخی جان دار و با وجود نقدهای زیاد مذهبی به آن، در نوع خود بسیار

مشکل وجود دارد. بنابراین مادامی که این معضل حل نشود مشکل سینمای دینی و آیینی ما در بحران قرار دارد.

دالوند یادآور شد: هر کس خوانش متفاوتی از مذهب و اعتقادات دارد و بعضاً آن را در سینما اعمال کرده است و حتی مداحی‌ها هم قابل استناد نیست و همه مردم ایران فکر می‌کنند داستان‌های مذهبی را به خوبی می‌دانند اما به علت ناکارآمدی رسانه همه خوانش متفاوتی از مذهب دارند. در حالی که در فیلم‌های آمریکایی افراد به واسطه سینما تبدیل به اسطوره شده‌اند.

وی اظهار داشت: ما برای اسطوره سازی نیاز به دانش و آگاهی از آیین‌ها داریم. ما به رنسانس و الگوسازی از امام حسین (ع) نیاز داریم. نیاز داریم که چهره بازیگران نشان داده شود و این یکی از بزرگترین ایرادات سینمای دینی و آیینی ما است.

فقدان نظام معرفتی

امیررضا مافی گفت: در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که تقاضای مردم برای دیدن فیلم‌های آیینی به تولیدات تلویزیون منحصر شده است. صدها بار «مختارنامه» را مرور می‌کنیم اما در سینما نهایتاً با «رستاخیز» و خط قرمزها مواجه می‌شویم. کار به جایی رسیده است که امروز دیگر به فیلم‌های درام هم احتیاجی نداریم و تنها به دنبال فیلم‌های کم‌دی و خنده دار می‌گردیم.

وی اذعان داشت: خیلی از افراد بر این باورند که محصول دیگری در برابر اینگونه فیلم‌ها وجود ندارد اما من معتقدم که مسئله و پرسش مخاطب امروز علت حادثه کربلا نیست چرا که سالها درباره این موضوع شنیده و می‌داند. در حال حاضر آیین‌ها در تفکرات امروزی به کارناوال‌هایی تبدیل شده است که ذائقه‌ها را ارضا کرده و مردم را به این حد راضی می‌کند. آیین‌ها قرار است از مفاهیم موجود در تاریخ حفاظت و نگهداری کنند.

مافی ادامه داد: قرار است آیین اتفاقات رخ داده در

پیچیده و هزینه بر است که چرخش تنها با تولید فکر و محتوای چرخد. جریان صنعت سازی نیاز به ساختار دارد.

رشد ابتدال در فیلم‌ها

دالوند ادامه داد: ما ملت کم کاری هستیم و در قلمروی فرهنگی کم کاری می‌کنیم. باید فیلم ساخته شود، خرابکاری‌هایی صورت بگیرد که به تجربه برسیم تا به کم و کاستی اشراف پیدا کنیم. تا قبل از انقلاب سیستمی در سینما وجود داشت که بعد از انقلاب دیگر خبری از آن نبود. امروز بدنه سینما از هم جدا شده و همه از جمله فیلمساز، موسیقیدان، سینمادار ساز خود را می‌زنند. ما به دانشگاه هم اعتقادی نداریم و به مباحث فرهنگی جور دیگری نگاه می‌کنیم در حالی که از میان مباحث راهکار خوب پیدا می‌شود.

وی ادامه داد: سطح مطالعه فعالان عرصه فیلمسازی و فرهنگ بسیار پایین است و بعضا افرادی هم که مطالعه زیادی دارند رقیبی برای به چالش کشاندن مباحث ندارند. سواد ما در عرصه سینمای آیینی کم است و این بحران جامعه ما را فرا گرفته و تا جایی پیش می‌رود که از انجام فعالیت‌های فرهنگی واهمه داریم. تقریبا، الان، ۷۰ درصد فیلم‌ها مبتذل و سطحی است.

کارگردان انیمیشن عاشورایی «ناسور» ادامه داد: کم کاری جامعه فرهنگی و عدم تعامل فرهنگی بین افراد بر کمبود تولید فیلم‌های آیینی و مذهبی در سینمای ایران تاثیر گذاشته و جسارت را از فیلمسازان جوان و اولی گرفته است در حالی که این افراد ذهن جوان و جسوری دارند که در مقابله با نقدهای کوبنده و غیراصولی مسیر رشد را برای آنها دشوار می‌کنند. از هر ۱۰ فیلم در سینمای هالیوود، ۷ اثر ضرر کرده، ۲ فیلم هزینه ساخت خود را به دست آورده و یک فیلم در اوج سوددهی قرار می‌گیرد که ضرر بقیه را جبران می‌سازد. تقویت زیرساخت‌ها مهمتر از کمیت و کیفیت آن است. با وجود کمبودها، ایران جزو ۱۰ کشور برتر سینمای دنیا است و در حوزه انیمیشن نیز یکی از سرآمدان محسوب می‌شویم و جز معدود کشورهایی تلقی می‌شویم که از قبل از انقلاب تاکنون توان تولید بالای ۱۰۰ فیلم در سینما را داشته‌ایم. سینمای ایران بسیار نجیب و قوی است اما برای بقا و ماندگاری آن نیاز به زیرساخت، تولید، تجارب، نشست‌های دانشگاهی و استفاده از علوم بینابینی داریم. فیلمسازان ما کمتر به خواندن کتاب، دیدن تئاتر و رفتن به سینما می‌پردازند و در مسیر جریان فرهنگی مسدود قرار گرفته‌ایم.

سینما انعکاسی از احوالات مردم

مافی نیز یادآور شد: ما به لحاظ مطالعات می‌توانیم اسوه‌ها را به اسطوره‌ها تبدیل کنیم این در حالی است که هر کدام از این‌ها ویژگی‌هایی دارند که بخشی از نیازهای معرفتی یک جامعه را حمل کنند. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که معناخواهی وجود دارد. در این میان افرادی که معنا

را به مردم می‌دهند، به سلبریتی‌ها تبدیل شده و در دسترس مردم قرار می‌گیرند. طبقه متوسط جامعه نیز فارغ از بحث ارزشی جذب این سلبریتی‌ها می‌شوند. در این میان مطالبه معنا شکل می‌گیرد. زمانیکه مطالبه معنا شکل گرفته اما متفکری برای پاسخگویی به آن وجود ندارد، بنابراین فیلمساز هم در عرصه سینما قادر به پاسخگویی معنا نخواهد بود. وی تولیدات سینمایی یک کشور و نمایش آن بر پرده سینما را نشانگر احوالات مردم آن مرز و بوم دانست و عنوان کرد: امروز بر روی پرده سینمای ما چه چیزی دیده می‌شود؟ حتی آدم‌هایی که یک دورانی فیلم‌های معنادار ساخته‌اند دیگر نسبت به تولید این آثار اقدام نمی‌کنند. امروز کمال تیریزی چه فیلمی می‌سازد؟ چه می‌ساخته؟ این اتفاق در همه فیلمسازان در حال تکثیر است حتی مهدویانی که فیلم رد خون را ساخته است یا مهدویان ماجرای نیمروز یکی محسوب می‌شود؟ این مطالبات وجود دارد اما سر در سینمای ما معنای آن را مشخص می‌کند. مردم ما به دنبال هزینه برای دیدن آثاری نظیر ستایش هستند و با افتخار هم از بیننده ۸۵ درصدی آن حرف می‌زنند.

این منتقد سینما یادآور شد: واکنش بازیگران نسبت به یک اتفاق منجر به همراهی مردم در جریان سازی می‌شود در این میان داعیه داران متفکر تا توده مردم وارد جریان تازه می‌شوند. حادثه روستای لردگان از جمله این جریان سازی‌ها است. همه روشنفکران ما به ترندها واکنش نشان می‌دهند و تا به حال روشنفکری نداشته‌ایم که به جای واکنش، عکس العمل کنش از خود نشان دهد و به دنبال پاسخ به اتفاقات هستند در حالی که مشخص نیست معنا را باید از چه کسی به دست آوریم.

وی تصریح کرد: چه کسی به ما یاد داده است که چه بخشی از آیین‌ها قابلیت آموزش به کودکان، نوجوانان، بزرگسالان و میانسالان را دارد؟ ما از روز اول درباره عاشورا برای همه گروه‌های سنی یک قصه مشخص رو تعریف کرده‌ایم. علما و روحانیون ما جز گفتن قصه عاشورا و گریاندن مردم چقدر از معرفت و چیزهای دیگر سخن می‌گویند؟ در پاسخ حضرت زینب(س) مبنی بر ما رأیت الا جمیلا چه می‌توانند بگویند؟ مقام این بانو ایستادن در مقابل

یزید و بحث با او نیست. حضرت زینب(س) قطعا چیزی جز جمال ندیده‌اند. کجای عاشورا و زجرهای آدم‌های زیباست؟ هر چه در دنیا در حسن ذاتی فعل وجود دارد، در لشکر امام حسین(ع) هم موجود است و این نمودی از جمله کل یوما عاشورا است. شاید به مزاج خیلی از افراد خوش نباشد امت جامعه عاشورایی صرفا رفتن به پیاده روی اربعین حسینی نیست، در حالی که این شیوه برای ساختن مناسک خوب است اما قبل از این پیاده روی، نیاز به پیاده روی نفوسی داریم که طریقت امام حسین(ع) را نشان داده و یک قدم بر نفس هر انسانی برداشته شود. متولیان این فرهنگ‌ها برای نفس انسان‌ها چه اقدامی کرده‌اند؟

مافی اذعان داشت: سینماگران باید آیین‌ها را نه به صورت مستمر بلکه در لایه لای آثار خود بیان و معرفی کنند اما ما آیین‌ها را یا له و یا علیه آن چیزی که هست، نشان می‌دهیم. ما هیچ وقت از ظرفیت‌های آیین‌ها استفاده نکرده‌ایم و این معضل بزرگی در سینمای آیینی است و متروک و مستهلک شدن آن هم برایمان اهمیتی نداشته است. در این میان هیچ ارگان و مکانی برای حفاظت از این آیین‌ها نداریم تا از آن نگهداری شود. این در حالی است که در دانشکده‌های آمریکا برای گردآوری آثار خوانندگان دوران شاه در ایران، هزینه‌های بسیاری صورت می‌گیرد تا نسبت به آن پژوهش‌ها و مستندات خوبی داشته باشند. اما ما برای حفظ آیین‌های خود هم کاری انجام نداده‌ایم. مخاطب امروز ما به دلیل نداشتن نظام معرفتی در جامعه، فاقد پرسش بوده و همواره به دنبال صرفا پاسخ هستیم.

نگاه توریستی به حماسه عاشورا

یاری نیز اذعان داشت: ما در سینما دست به هر چیزی که زده‌ایم به کاریکاتور تبدیل شده و خراب کرده‌ایم. فیلم کمدی خوب به «اجاره نشین‌ها» و «مهمان مامان» گفته می‌شود نه فیلم‌هایی که فله‌ای در حال تولید است. در حوزه فیلم‌های تاریخی، «مختارنامه» پز جنگجویان کوهستان را هم زده است، چرا که بازیگران از حرکات آکروباتیک برای نمایش جنگ استفاده کرده‌اند. من نمی‌دانم این



شیوه فیلمسازی چیست؟ ما اگر به دنبال ساخت فیلم‌های عربی و تاریخی هستیم باید یکبار فیلم «محمد رسول الله» را ببینیم تا نحوه جنگیدن عرب را یاد بگیریم. کشتی فرنگی چه جایگاهی در فیلم‌های آیینی و تاریخی دارد که بازیگران در صحنه جنگ از آن استفاده می‌کنند؟

کارگردان «کربلا جغرافیای یک تاریخ» عنوان کرد: فیلمسازان ما به واقعه عاشورا و آیین‌ها نگاه توریستی دارند و با فیلم‌های خود هیچ چیزی به مخاطب اضافه نمی‌کنند. نگاه این فیلمسازان فاقد عمق و معناست و قرار نیست بینش جدیدی به مخاطب بدهد.

وی در خصوص عدم نمایش «رستاخیز» تصریح کرد: روزی که قید فیلم «رستاخیز» را زدند، در واقع ریشه سینمای دینی را زدند. من این فیلم را به شخصه دوست نداشتم ولی همین که از اکران آن جلوگیری کردند یعنی ترتیب خیلی‌ها را دادند و خیلی از افراد باید دیگر سمت اینگونه فیلمنامه‌ها نیابند و غلاف کنند. بنابراین چند عامل منجر کم کاری در سینمای آیینی می‌شود، که یا نگاه فیلمسازان به سینما، نگاهی توریستی است یا فیلمساز با حال خوب به ساخت اینگونه آثار می‌پردازد اما مدیران فرهنگی بنابر مصلحت خود از فیلم‌ها استقبال نمی‌کنند.

یاری اظهار داشت: ساخت فیلم‌های تاریخی به جای آیینی نتیجه نگاه توریستی فیلمسازان و تهیه کنندگان به سینما است که منجر به مسیری اشتباه شده است. اما اشکال اصلی کارفرمایان فرهنگی این حوزه است که هر دو سال تغییر کرده و حتی فعالان حوزه خود را نمی‌شناسند و از فعالیت‌های تاثیرگذار در این عرصه غافل هستند. من شرمند سیدالشهدا هستم چرا که چیزهایی را یاد گرفته‌ام اما به خاطر حفظ منافع خود آزادی نداشته‌ام تا مقابل ظالم ایستاده و حق که به عنوان فیلمساز بر گردنم افتاده را محقق کنم.

دالوند نیز سینماگران را دو دسته دانست و تاکید کرد: دو نوع سینماگر وجود دارد. عده‌ای ضعف را در مشکلات اجتماعی دیده و به تصویر می‌کشند و عده‌ای نگاه عمیق‌تری به موضوعات داشته و با دغدغه و مطالعه بیشتری به بیان موضوعات قبل از وقوع می‌پردازند. بنابراین، قادر به تشخیص و بیان درمان در قصه است که متأسفانه از این نوع سینماگر محروم هستیم. سینمای دینی و آیینی

نیاز به این جنس از آدم‌ها دارد که به دلایل مختلفی نبود آن را احساس می‌کنیم. امروز باید واقعیت‌ها در داستان‌های فیلم‌ها تعریف شود. ما به سینمای آیینی نیاز داریم اما به مصادیق غیرمرتبطی با آن توجه می‌کنیم.

وی اذعان داشت: سینمای یک کشور نماینگر خیلی از موضوعات است و زیر ساخت‌های بسیاری را لازم دارد. تاثیر سینما در بیان موضوعات مهم تا حدی است که در جنگ جهانی دوم ژنرال آلمانی با دیدن فیلم برپاد رفته اعتراف می‌کند که ما قادر به شکست این ملت نیستیم چرا که این چنین محصول قدرتمندی را تولید کرده است. بنده معتقدم سینمای آیینی ما توان پیشرفت دارد برای رسیدن به آن نیاز به احیای زیرساخت‌ها دارد تا با تولید فیلم‌های خوب شرایط را برای حمایت و اکران آن فراهم کند و حتی قادر به فروش فیلم‌های خوبی به کشورهای دیگر باشیم.

مافی در ادامه اظهار داشت: آیین‌ها یکی از بزنگاه‌هایی هستند که همانند تابلوی راهنما قادر به راهنمایی مردم به راه درست هستند و اگر نتوانیم اطلاعات و واقعیت‌های آیینی را در غالب فیلم و متن به نسلی منتقل کنیم سینمایی هم نخواهیم داشت. جامعه ما دچار فقدان معنای شدید است.

عشیری خاطر نشان کرد: دلایل مختلفی منجر به فقر سینمای دینی شده است. کم کاری و فقدان مطالعات پشتیبان و پژوهش فیلمسازان از سوی باعث شده ما شاهد خلق فیلم‌های ماندگار و تاثیرگذار نباشیم. همه ما بارها فیلم مصطفی عقاد را دیده‌ایم و هر بار که از تلویزیون پخش می‌شود دوست داریم ببینیم. این هم یک اثر دینی است و با مصادیق و مستندات واقعی تاریخ اسلام ساخته شده است. چرا آثار دینی که در سه چهار دهه اخیر در کشور ساخته شده خیلی طرفدار و خاطر خواه ندارد؟ در این باره، فرافکنی و سوق دادن مشکل به سمت مهندسی اکران و سینما دار شاید نقدی شنیدنی باشد ولی همه علت نیست. البته، نگرانی نسبت به واکنش طیف‌های مختلف اجتماعی هم مزید بر علت است و باعث شده است تا جسارت و جرات در زمینه ساخت فیلم‌های مذهبی کم‌رنگ شود.

وی اضافه کرد: در جایی خواندم روزانه تنها در تلگرام بیش از ۳ میلیون مطلب منتشر می‌شود. جالب است بدانید حتی در ساعت ۴ صبح که میزان

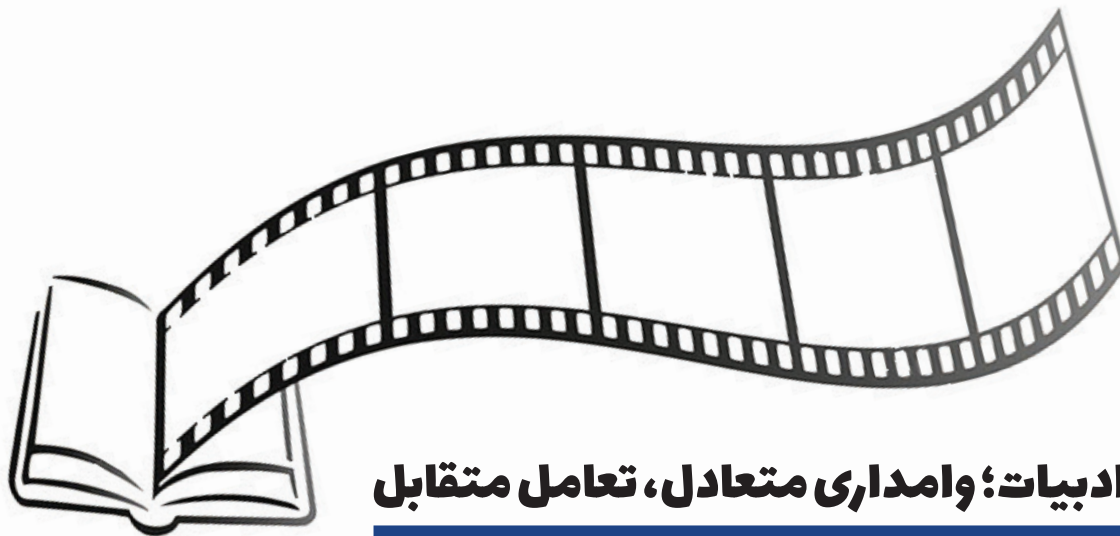
مطالب منتشر شده به کمترین مقدار خود می‌رسد نیز ۲۵۰ هزار مطلب نشر می‌یابد. این میزان تولید محتوا در شبکه‌های مختلف اجتماعی در طول تاریخ بی‌نظیر و فوق العاده است و منجر به پدیده جالبی شده: «همه‌ما» راجع به «همه چیز» می‌دانیم اما با ویژگی‌هایی خاص.

این منتقد سینما خاطر نشان ساخت: کارل تارو ژورنالیست معروف ژاپنی می‌گوید «هر وقت هر کسی از هر چیزی سخن می‌گوید ما وانمود می‌کنیم که درباره آن می‌دانیم». همکارانمان درباره فیلم، کتاب، قیمت ارز، حمله نظامی آمریکا صحبت می‌کنند سرمان را بالا و پایین می‌بریم یعنی من هم درباره آن می‌دانم. این در صورتی است که آن‌ها درباره آن موضوع فقط نظرات کس دیگری را در یک شبکه اجتماعی خوانده‌اند و آن را بازگو می‌کنند همان گونه که ما نیز چنین می‌کنیم. ما به شکلی خطرناک به نوعی کپی برداری از دانایی نزدیک می‌شویم، که در واقع الگوی جدید نادانی است. ما با سواد مصنوعی روبرو هستیم.

وی تصریح کرد: متأسفانه جامعه روشنفکری امروز ما دچار نوعی بیماری و سواد مصنوعی شده است و همه گرفتار شبکه‌های اجتماعی هستند و از دریچه این شبکه‌ها به جامعه و مسائل آن می‌نگرند. وی گفت: فیلمسازان ما دیگر به دنبال مطالعات پشتیبان و پژوهش‌های گسترده پیرامون مسائل مهم فرهنگی و تاریخی نیستند. و از طرفی با وجود مشکلات چرخه اکران فیلم‌ها، اما در ۴ دهه اخیر فیلم‌های آیینی و مذهبی ساخته شده است ولی خاطرخواهی ندارد و هنوز هم به فیلمی مثل روز واقعه دلخوش هستیم. بنابراین نبود مطالعات فرهنگی مشکل بزرگی در عرصه سینمای دینی است. از طرفی دیگر روحیه انقلابی برای بیان مشکلات و ریشه‌یابی آن در ۹۰ درصد فیلمسازان امروز ما وجود ندارد که منجر به ابتذال و افت کیفی و فرهنگی فیلم‌ها شده است.

این کارشناس سینما گفت: نگاهی به جداول پروانه ساخت فیلم‌های سینمایی در چند ماهه اخیر، بیانگر توجه خاص فیلمسازان به ژانر اجتماعی و عدم وجود تنوع ژانر در تولیدات پیش رو است. فقر مطالعه و ابتلای فیلمسازان به سواد مصنوعی و ترس از برخی قرائت‌های شخصیت‌های مرجع و مدیران منجر به خالی ماندن سفره سینمای دینی و آیینی از تولیدات مناسب و مطلوب شده است.





سینما و ادبیات؛ وامداری متعادل، تعامل متقابل



کاظم بلوکات

.....

معتقدند که با حذف این تکیه گاه اطمینان بخش (ادبیات) رشد و بالندگی هنری مثل سینما مختل خواهد شد.

شاید طبیعی ترین و عاقلانه ترین برداشت واقع بینانه در جریان چنین بحث ها و چالش هایی این باشد که از نگاه پژوهشگری بی طرف و بدون حب و بغض به چنین موضوعی نظر داشته باشیم. به ویژه که تکیه ای اصلی ما بیش از هر چیز بر دستاوردهای مثبت و سودمند و تعامل سازنده و ثمر بخش ادبیات و سینما بنا نهاده شده است. از همین روی پروفیسور «جئوفرس و گنر» در تفسیر و تحلیل همین پیوندهای دوجانبه، فشرده ترین و در عین حال ساده ترین عبارت، را می گوید: «سینمای درست و خوش ساخت، ادبیات است». با اندکی تأمل می توانیم باور کنیم که سینمای درست و سنجیده به راستی که باید علاوه بر ویژگی های اختصاصی خود، از کیفیت ها و ماهیت های موجود در ادبیات نیز نشانه ها و مولفه های درست و مشخصی داشته باشد.

«هربرت رید»، مورخ تاریخ هنر و منتقد ادبی، شاخص ترین کیفیت یک نوشته ی خوب را جنبه ی بصری بودن آن می داند. از این رو می توان گفت: «نوشته ای که بتوان از روی آن تصویر سازی کرد به یک نوشته ی خوب نزدیک تر است». این خصوصیت به ویژه در فیلم هایی که فضایی شاعرانه دارند - گذشته از وجه داستانی پردازانه ای اثر - بیشتر اهمیت پیدا می کند، چرا که فیلم ساز باید بر اساس همین وجه تصویری بودن نوشتار، بر مبنای فیلم نامه، فیلمش را بسازد و بر این خصوصیت مهم تکیه کند؛ و شاید به همین دلیل است که همواره از زبان سینما به تعبیر «زبان تصویر» نام برده اند.

این بحث را البته نمی توان و نباید تنها به سینمای شاعرانه محدود کرد. در بررسی نمونه های برجسته ی سینمایی که در گنجینه ی فیلم های ماندگار سینمای جهان همواره به یاد ماندنی است، می توان به فیلم های علمی تخیلی (۲۰۰۱، یک ایدیه ی فضایی) ساخته ی «استانلی کوبریک» و فیلم (هشتمی کین) ساخته ی «اورسن ولز» و یا اقتباس هایی که از مجموعه ی نمایش نامه های به یاد ماندنی «ویلیام شکسپیر» (همچون اتللو، مکبث، شاه لیر، هملت، هنری پنجم و...) ساخته و پرداخته شده اند اشاره کرد. همچنین نمونه های آثار سینمایی و سریال های تلویزیونی ساخته شده بر اساس ادبیات جنایی و پلیسی دهه های اخیر مثل هرکول پوآرو یا شرلوک هولمز که بر اساس رمان هایی از «آگاتا کریستی» و «سر کانن دوئل» ساخته شده اند، همه و همه نمایانگر این واقعیت اند که مناسبت ها و پیوندهای دوجانبه ی میان ادبیات و سینما همواره می تواند بسیار عمیق و مؤثر تلقی شود. به ویژه که وجود اشتراک در عرصه هایی چون داستان گوئی، شخصیت پردازی و شیوه های پرداخت قهرمانان و ضد قهرمان ها و فراتر از همه ی این عوامل، بهره جویی از عنصر تخیل و تفکر خلاق برای آفرینش یا بازآفرینی آثار ادبی و سینمایی به خوبی اثبات می کند که تعامل مثبت و سودمند میان ادبیات و سینما، امری انکارناپذیر است.

سینما همواره از بن مایه های ادبی قصه ها، داستان ها و رمان های معروف (چه در ایران و چه در جهان) برای خلق آثاری برجسته و تأثیر گذار و به یاد ماندنی سود برده است.

در چند دهه ی اخیر برای نشان دادن پیوندهای پیدا و پنهان میان ادبیات و سینما، تلاش های فراوانی صورت گرفته است. بی تردید آرایه ی تصویری دقیق و روشن از پیوندها و مناسبت های میان ادبیات و سینما، نیاز به پژوهش جدی تر و کنکاش های گسترده تری دارد. با این همه، تنها به قصد ورود به این مبحث مهم کوشیده ایم تا در این نوشتار کوتاه با نگاهی گذرا و کلی نگرانه، بی آنکه فرصت تشریح رابطه های ظریف و دقیق میان زبان ادبی و بیان سینمایی - به ویژه از منظر روایتگری - را پیدا کرده باشیم، به یادآوری برخی نام ها و نمونه های برجسته ی ادبی و هنری در عرصه ی ادبیات و سینما بسنده کنیم. واضح است که چنان پژوهش هایی باید بتواند به جزئی ترین پیوندهای میان ادبیات و سینما از دیدگاه زبان شناسی و تفاوت ها و دیگر گونی های انکارناپذیر میان سینما و ادبیات در عرصه های روایتگری و به ویژه در نشان دادن تأثیر های دوجانبه ی این دو هنر بر یکدیگر اشاره داشته باشد. ریشه های تاریخی این پیوندها و مناسبت های دوجانبه را علاوه بر تئاتر و دیگر هنرهای نمایشی در قرون گذشته، دست کم در یک قرن اخیر، می توان در پایداری سینما به برخی از سبک ها و شیوه های شناخته شده ای همچون واقع گرایی (رئالیسم) (نواواقع گرایی) (نئورئالیسم)، فراواقع گرایی (سوررئالیسم) و دیگر سبک های ادبی و هنری کلاسیک و جدید جست و جو کرد که با تکیه بر همین سبک ها، آثار ادبی و سینمایی فراوانی خلق شده است.

به عنوان مقدمه ای کوتاه در چنین بحثی مهم، باید اذعان داشت که سینما همواره از بن مایه های ادبی قصه ها، داستان ها و رمان های معروف (چه در ایران و چه در جهان) برای خلق آثاری برجسته و تأثیر گذار و به یاد ماندنی سود برده است. بی سبب نیست که بگوییم سینما و ادبیات، از رهگذر همین پیوندها و مناسبت ها، بهره های فراوانی از هم برده اند. آثار برجسته ی ادبی زیادی در جهان وجود دارند، که از طریق تولید آثار سینمایی و تلویزیونی، در کمترین زمان ممکن در میان مخاطبان گسترده ی خود (با تنوع چشمگیر سنی، جنسی، قومی، نژادی و فرهنگی) در معرض دید و دآوری گذاشته شدند.

چنان که می دانیم، بسیار کسان برای اثبات موضوع برتری ادبیات یا دست کم برای نشان دادن مسئله ی تقدم و دیرسالگی ادبیات در مقایسه با سینما، گاه راهی مغالغه آمیز و افراط گراییانه در پیش گرفته اند. به نحوی که برخی از آنان اعتقاد دارند که سینما، بدون استفاده از ادبیات قادر به ادامه ی حیات نخواهد بود و معتقدند که سینما بدون تکیه بر ادبیات، درست مثل جوانه های کوچکی که پیچک وار در جست و جوی تکیه گاهی مطمئن است، بر درخت تناور ادبیات تکیه دارد و بدون تکیه بر آن، بر زمین می غلتد و امکان رشد و بالندگی نخواهد داشت. به بیانی ساده تر، اینان



خسرو شهراز:

درجه بندی سنی، خوب است ولی جدید نیست!

سینمای ایران این روزها وضعیت متناقضی را سپری می کند. از یک طرف بدنه سینماگران از کمبودهای معیشتی می نالند و از آن طرف، مدیران سینمایی بر طرح هایی مانند درجه بندی سنی یا تغییر مدیران به جای اصلاح ساختار مدیریتی مشغولند.

خسرو شهراز بازیگر پیشکسوت با بیان اثرات مثبت درجه بندی سنی گفت: درجه بندی سنی فیلم های سینمایی بدون شک تاثیر گذار است به ویژه برای اجتماع ما، فوق العاده تاثیر می گذارد. البته نقش خود خانواده ها هم نباید فراموش شود. این خانواده ها هستند که در واقع باید طوری برنامه ریزی کنند که فیلم های نامناسب توسط فرزندان شان دیده نشود، یعنی فرزندان کوچکتر از سن معمول را به تماشای فیلم های بزرگسال نبرند.

این بازیگر ادامه داد: ساختار درجه بندی سال هاست در سینمای دنیا متداول است و برخی ارگان های سینما دار مانند حوزه هنری نیز پیشتر برای سالن هایشان هم درجه بندی داشته اند و هم عدم نمایش برخی فیلم ها در سالن ها. برای همین نظام درجه بندی، جدید نیست که برخی بخواهند خود را مبدع آن بدانند.

شهراز افزود: کاش برای ایجاد امنیت شغلی سینماگران هم طرح های ضربتی، اجرا می شد و مدیران بر روی طرح های کاربردی مانور می کردند تا به جایی برسیم که هیچ سینماگر نیاز مندی نداشته باشیم.

بازیگر «چ» و «انتهای خیابان هشتم» درباره کیفیت کلی محصولات سینمایی اظهار داشت: برخلاف نظر آنها که همه چیز را سیاه جلوه می دهند من فکر می کنم وضعیت فیلم های سینمایی در کل بهتر از تلویزیون است و آثار ارزشمندی در سینماها عرضه می شود که می تواند مورد اقبال قرار گیرد.

این بازیگر ادامه داد: سینما به خاطر گرانی تولیدش، مانند تلویزیون نیست که به هر جهت تولید کند و بخواهد که زمان بگذرد و آنتن را پر کند. اگر بخواهید به نسبت تلویزیون بسنجید بخش عمده تولیدات حرفه ای سینمایی، استانداردهای بصری لازم را دارند و اینکه بعضا مخالفت هایی را می بینیم بیشتر، محتوایی است که با ایجاد درجه بندی میتوان این مخالفت ها را تعدیل کرد.

بازیگر «هیبهات» و «قصه ها» افزود: هم در میان تولید کنندگان و هم سازنده ها، دوستان بسیار خوب و فرهیخته ای هستند؛ کارگردان ها و بازیگران خوبی داریم و در نتیجه تلاش آنها در سینما آثاری مطرح داشته ایم. حالا بنا نیست هر سال ده ها فیلم مطرح تولید شود. اگر سالی پنج فیلم خوب و قابل ارائه به دنیا داشته باشیم کافیست ولیکن باید برای این آثار به دنبال بازار جهانی باشیم.

خسرو شهراز با اشاره به کمبودهای زیرساختی سینمای ایران گفت: اینکه برخی ارگان ها مانند حوزه هنری و سینما شهر، سینما سازی را به عنوان الویت خود قرار داده اند خیلی خوب است به ویژه حوزه هنری که کوشیده در شهرستانها به بازسازی یا ایجاد سالن های با کیفیت بپردازد. واقعا ما نیاز داریم به ساختن سینماهای جدید با تکنیک های مدرن و امروزی که مردم با شوق و ذوق به سینما بیایند.

این بازیگر ۶۸ ساله خاطر نشان ساخت: اگر گمان کنیم همه سینما، تولید است، راه را سخت اشتباه رفته ایم. نیاز داریم کنار تولید هم توسعه زیر ساخت ها را پیگیری کنیم و هم گسترش سینما تک هایی که به بالا بردن درک مخاطب، منجر می شود. سینما پاتوق ها می توانند یاری رسان دو گانه مخاطبان - سینماگران باشند. مخاطبان به این واسطه بیشتر می آموزند و سینماگران بیشتر می فهمند که مخاطبان چه خواسته هایی دارند.

مدیر امور سینمایی حوزه هنری بوشهر:

افزایش فروش تا مرز میلیاردي شدن

محمد مهدی مباشرت کار گفت: ما در استان بوشهر با یک سینمای سه سالنه افزایش فروش چشم گیری داشتیم و پیش بینی رونق مضاعفی در نیمه دوم سال داریم.

محمد مهدی مباشرت کار مدیر امور سینمایی حوزه هنری استان بوشهر از وضعیت سینماهای استان در نیمه اول سال ابراز امیدواری کرد و گفت: ما از ابتدای امسال با تغییر سیستم پخش و افزایش ساعت های باز بودن سینما تلاش کردیم که فروشمان را افزایش دهیم و الان با رسیدن به مرز ۷۰۰ میلیون تومان در پی رکورد میلیارد هستیم و طبق آمار جز استان های سود ده به شمار آمدیم.

وی افزود: اینجا شهر کوچکی است و تعداد زیادی از بومی های ثابت آن در شش ماه اول سال به دلیل گرمای هوا و رطوبت و شرجی، شهر را ترک می کنند و به همین دلیل ما روی فروش بیشتر در نیمه دوم سال سرمایه گذاری کردیم.

وی توضیح داد: فعلا در بوشهر همین سینما بهمن را با سه سالن داریم که سالن یک با ۵۵۶ صندلی، سالن شماره دو با ۱۱۸ صندلی و سالن شماره ۳ با ۹۴ صندلی به قیمت بلیت ۱۰ هزار تومان فعال است.

مباشرت کار درباره وضعیت سالن های استان بوشهر گفت: این سالن ها آخرین بار در سال ۸۵ باز سازی شده اند و الان به شدت نیاز به باز سازی دارند و جدی ترین آسیب آن آگوستیگ سقف است که نیاز به تغییر یا تعمیر دارد. همچنین کف پوش سالن انتظار نیز نیاز به تغییر دارد.

وی همچنین درباره به سازی سالن ها گفت: قرار بود سالنی از طرف سازمان تبلیغات به ما اختصاص دهند که هنوز بودجه آن تصویب نشده و امیدواریم بتوانیم در حد بضاعت مان به بهترین شکل به هنر صنعت محبوب سینما در این استان رونق دهیم.

غلامرضا فرجی: حوزه هنری رکورددار اکران سینمای کودک

حوزه هنری توان و پتانسیل را برای همراهی و حمایت اکران سینمای کودک دارد و از این سینمای تاثیرگذار با تمام توانش حمایت می‌کند و به همین دلیل رکورددار موفق‌ترین خروجی اکران سینمای کودک در کل کشور است.

غلامرضا فرجی سخنگوی شورای صنفی اکران و مدیر پخش سینماهای حوزه هنری به انگیزه دریافت لوح تقدیر برترین موسسه سینمایی در حوزه پخش و اکران مستمر و موفق از طرف بنیاد سینمایی فارابی، گفت: حوزه هنری در نوروز ۱۳۹۷ پخش و اکران انیمیشن سینمایی «فیلشاه» را داشت که پر فروش‌ترین انیمیشن تاریخ سینمای ایران شد و هشت میلیارد تومان فروخت.

وی افزود: با این فروش عالی هم رونقی در گیشه سینمای کودک و صنعت انیمیشن ایجاد شد و هم سازندگان انیمیشن به خود بالیدند که می‌توانند در این زمینه هم به توفیق‌هایی برسند.

وی ادامه داد: بعد از آن هم پخش و اکران فیلم‌های موفق «پاستاریونی» و «خاله قورباغه» را داشتیم که موفق‌ترین و پر فروش‌ترین فیلم‌های سینمای کودک در سال‌های اخیر بودند و به همین دلیل فارابی که به نوعی متولی سینمای کودک است بر خود واجب دید که موسسه بهمن سبز حوزه هنری را به عنوان برترین پخش و اکران سینمای کودک در سال‌های گذشته معرفی کند.

فرجی عنوان کرد: همچنین در بخش سینماها نیز سینما چهارباغ اصفهان که متعلق به حوزه هنری سینمای برتر شناخته شد، همچنین سینمای آزادی به عنوان پر فروش‌ترین سینماهای حوزه کودک و نوجوان معرفی شدند. این سینماها بیشترین خروجی در سطح استان‌ها به لحاظ اکران سینمای کودک و نوجوان داشتند. وی خاطر نشان کرد: ما اساساً به دلیل داشتن پشتوانه سینمایی و فیلم‌هایی که در این چرخه اکران شده به نوعی برای آینده ایران فرهنگ سازی کردیم.

وی گفت: اکران کودک نیاز به زمان دارد. زمانیکه شاید برای سینماهای دیگر مقدور نباشد ولی حوزه هنری این توان و پتانسیل را برای همراهی و حمایت اکران سینمای کودک دارد و به سینمای تاثیرگذار کودک و نوجوان با تمام توانش حمایت می‌کند.

فرجی همچنین درباره احداث سالن‌های مخصوص کودک نیز تاکید کرد: سالن مخصوص کودکان در سرفصل‌های کاری سینماسازی بهمن سبز حوزه هنری است و مانند شیراز و اصفهان کم‌کم سالن‌هایی با شرایط ایده‌آل کودکان دبستانی و پیش دبستانی و حتی مهدکودک‌ها آماده می‌شود.



آرش قاسمی:

«لوپتو» فانتزی خاص با مخاطب فراگیر است

این کار هم مخاطب نوجوان و جوان را جذب می‌کند و هم برای مخاطب کودک، جاذبه‌ها و فانتزی‌های مخصوص به خود را دارد و بر خلاف سایر انیمیشن‌های مشابه برای گروه محدودی ساخته نشده است.

آرش قاسمی صداگذار انیمیشن «لوپتو» گفت: الان حدود یک هفته است که من وارد پروژه «لوپتو» شدم و به لحاظ محتوایی بسیار کار را پسندیدم.

وی افزود: این کار هم مخاطب نوجوان و جوان را جذب می‌کند و هم برای مخاطب کودک جاذبه‌ها و فانتزی‌های مخصوص به خود را دارد و بر خلاف سایر انیمیشن‌های مشابه برای گروه محدودی ساخته نشده است.

وی توضیح داد: ما در مراحل اولیه کار هستیم و فعلاً باید افکت‌ها را آماده کنیم و از حدود ۱۵ روز دیگر وارد صداسازی بشویم و سپس تمیزکاری‌های دیالوگ‌ها را انجام دهیم.

وی ادامه داد: همه دیالوگ‌ها ضبط شده و در دست ماست و از بهترین گوینده‌ها با مناسب‌ترین جنس صدا استفاده شده و دیالوگ‌های تمیز و ایده‌آلی داریم که بعد از مرتب کردن آنها باید فضاهای صوتی مخصوص انیمیشن را بسازیم.

قاسمی درباره تجربه کلی صداگذاری انیمیشن گفت: تفاوت اصلی انیمیشن با سینمایی این است که مانند بوم سفید نقاشی بکر و خالی است و همه صداها اعم از دیالوگ‌ها و فضاها را بازسازی کنیم. حتی کوچک‌ترین صداها مانند صدای پا، صدای در و ... نیاز به بازسازی از جنس فانتزی دارد.

وی معتقد است: این بازسازی باید از جنسی باشد که هم به عالم واقعی شباهت داشته باشد و هم خیال پردازی کودکان را دارا باشد.

وی همچنین درباره موسیقی «لوپتو» گفت: موسیقی هم بخش مهمی از کار است که باید ببینیم چه طور از آب در می‌آید و چقدر می‌تواند به بهبود اثر کمک کند.

در گویش کرمانی لوپتو به عروسک‌ها و اسباب بازی‌های دست ساز گفته می‌شود. به عبارتی معادل کلمه اسباب بازی در گویش کرمانی است.

شایان ذکر است مرکز تلویزیون و انیمیشن سوره وابسته به سازمان سینمایی حوزه هنری با مشارکت موسسه فرهنگی هنری «فراسوی ابعاد» در کرمان انیمیشن سینمایی «لوپتو» را تولید می‌کنند.

مفاهیم عاشورایی و رونق سینما جعفر دهقان



نیاز به مطالعه و مقتل خوانی انسیه شاه حسینی



مسئولین باید تدابیر زیرساختی عمیقی بچینند که فرهنگ عاشورایی و اربعینی در تمام ارکان و سراسر سینمای ما، حضور داشته باشد تا از این کلیشه‌های تکراری خارج شویم. مرحوم سلحشور در همین حوزه هنری سالها تئاتر ایوب پیامبر را روی صحنه می‌برد، در سینما و تلویزیون هم از فیلم سینمایی مردان آنجلس گرفته تا مریم مقدس و از سریال حضرت علی و ولایت عشق و یوسف پیامبر گرفته تا مختارنامه را داریم که می‌توان بیش از صدها صحنه و دیالوگ خوب از مجموع این فیلم‌ها و سریال‌ها در آورد و گنجینه ارزشمندی ساخت.

به همان نسبت که در آن زمان گرایش سینما و تلویزیون به سمت کارهای آموزشی و ارزشی و مفید بود، کارنامه ما باز یگرها هم‌انقدر به درد بخور و پرمغز می‌شد و اگر هر بازیگری سالی یک بار در مثلاً نقش یکی از یاران معصومین را بازی می‌کرد سلامت رزومه کاری و زندگی شخصی یک سال خودش را تضمین کرده بود و همچنین برای بازی‌های بعدی محتاط‌تر و با درایت‌تر دست به انتخاب می‌زد. اما از زمانی که سیاست‌های محوری سینما و تلویزیون تغییر کرد، نه فیلم‌های مذهبی و دفاع مقدسی خوبی ساخته شد، نه سریال‌های تاریخ اسلام که مانند مختارنامه سالی چند دوره از تلویزیون پخش شود و ما بازیگرهای علاقه‌مند به آن سبک هم تقریباً بی‌طرفدار ماندیم و گزینه مناسبی برای ادامه مسیرمان نداشتیم. اگر سینمای مذهبی و دفاع مقدس را کنار هم نام می‌برم زیرا با تجربه حضور مداوم در هر دو زمینه به جرات می‌توانم بگویم دفاع مقدس ما برگرفته از فرهنگ جهاد در سیره‌ی انبیا و اولیای خداست و ما باید سینمای جهاد را جایگزین سینمای جنگ کنیم که در واقع با این تغییر نام، کربلا، الگوی سینمای دفاع مقدس می‌شود و روح از دست رفته این سینما به آن باز می‌گردد و به جرات می‌توان گفت با ورود مفاهیم عاشورایی به سینما و رونق ژانرهای مذهبی ورود خانواده‌ها به سینما تسهیل می‌شود و سینما از رکود فعلی خارج می‌شود.

سینمای دفاع مقدس وجه نظامی سینمای مذهبی است و ما سالهاست جنبه‌ی مذهبی جبهه‌ها را فراموش کرده‌ایم و فقط فیلم جنگی می‌سازیم که نه بویی از مذهب خالصانه دارد، نه تکنیک‌های لازم فیلم‌های صرافا جنگی دنیا را، و نتیجه‌اش می‌شود همین که شما ملاحظه می‌فرمایید. مسئولین باید تدابیر زیرساختی عمیقی بچینند که عاشورا در تمام ارکان و سراسر وجود سینمای ما، حضور داشته باشد تا از این کلیشه‌های تکراری خارج شویم و با شروع محرم به چند سریال چند قسمتی مناسبی که فقط بازیگران آن مشکی پوشیده‌اند و در دسته‌های عزاداری زنجیر می‌زنند بسنده نکنیم.

عاشورا را نباید فقط در حد یک سنت پیش پا افتاده نگه داشت و متولیان سینمای دینی و حتی تلویزیون باید به سمت واکاوی فرهنگ عاشورا و باز کردن زوایای فلسفی‌اش و انتقال آن به نسل جوان بروند. من و امثال من از برکت انقلاب و رزمندگان اسلام، در سینمای پاک فعلی مشغول فیلم‌سازی هستیم و از آن جایی که انقلاب اسلامی ما نیز، از فرهنگ عاشورا نشأت گرفته، به نوعی همگی وام دار این نهضت هستیم.

حالا اینکه چرا در همه این سال‌ها برای انعکاس فرهنگ عاشورا کم گذاشتیم جای حرف و حدیث زیادی دارد و مبحث بسیار بسیار تأسف بار و نگران کننده است. سیاست‌های غلطی که از سال ۷۶ به بعد، سینمای ما را از مسیر اصلی خود دور کرد، تا امروز اثر نامطلوب خود را حفظ کرده و ذهن مخاطبان را از مسیر کربلا و هدف انقلاب دور ساخته است.

برای سینمایی ما که ژانر قوی و حتی در سال‌های اخیر پولساز دفاع مقدس را دارد، حرف زدن درباره فرهنگ عاشورا نباید اینقدر به حاشیه کشیده شود زیرا سینمای دفاع مقدس بستر بسیار مناسبی برای ارائه تصاویر و مفاهیم عاشورا، در فضایی معاصر و ملموس تر است زیرا ما هرگونه برداشتی از دفاع مقدس داشته باشیم، محال است خارج از چارچوب ایثار و معنویات کربلا باشد.

ما باید در این دوران غرور به علم نداشته خودمان را در برابر عظمت این نهضت بشکنیم و علاوه بر مشکی پوشیدن و گریه کردن، به سمت مطالعه کتاب‌های معرفی کننده این قیام عظیم برویم و مثلاً مقتل‌هایی چون الارشاد شیخ مفید را بخوانیم.

عاشورا را نباید فقط در حد یک سنت پیش پا افتاده نگه داشت و متولیان سینمای دینی و حتی تلویزیون باید به سمت واکاوی فرهنگ عاشورا و باز کردن زوایای فلسفی‌اش و انتقال آن به نسل جوان بروند.





مجبوریت فیلم‌های مذهبی در فجر فریدون حسن پور

اگر چه فیلم‌های مذهبی هیچ وقت برای بازگرائش سیمرغ نمی‌آورد و برای من هم افتخار سینمایی دنبال نداشت اما نوعی ادای دین شخصی‌ام به سینما بود و به لحاظ وجدانی آن را یکی از درخشان‌ترین نقاط کارنامه هنری‌ام می‌دانم. همیشه از ساختن فیلم‌های آپارتمانی و تکراری و کلیشه‌ای فرار کردم و به همین نسبت زمانی که تصمیم گرفتم فیلم مذهبی آن هم درباره یکی از عظیم‌ترین فجایع انسانی و اخلاقی جهان بشریت، نه فقط جهان اسلام، یعنی قیام آزادخواهانه امام حسین (ع) فیلمی بسازم، دوست داشتم از زاویه‌ای متفاوت، عشق و ارادت باطنی یک پیرمرد روستایی را به آن حضرت نشان دهم و اینگونه بود که «من و زیبا» شکل گرفت. اگر چه فیلم‌هایی با این مضامین هیچ وقت برای بازگرائش سیمرغ نمی‌آورد و برای من هم افتخار سینمایی به دنبال نداشت اما نوعی ادای دین شخصی‌ام به سینما بود و به لحاظ وجدانی آن را یکی از درخشان‌ترین نقاط کارنامه هنری‌ام می‌دانم.

این مسئله یکی از ضعف‌های زیربنایی سینمای ماست که حل و فصلش در یکی دو جمله نمی‌گنجد و ساعت‌ها پژوهش و جلسات متعددی برای نقد و بررسی طلب می‌کند. اینکه واقعا مگر در هر جشنواره‌ای چند فیلم با موضوع مذهبی و دینی صرف وجود دارد. یا تاکنون کلا چند فیلم برای بازنمایی توبه ساخته شده است؟ بازگشت انسان‌ها به فطرت پاک خود که در اسلام توبه نامیده می‌شود، در سراسر دنیا حقیقتی محض و روشن دارد و در فیلم «من و زیبا»، تصویر خوبی از توبه و امید به رحمت الهی و حسن ظن به خداوند نشان داده شده است. این توبه هم با عمل صالح همراه بود و هم با توسل و طلب شفاعت از امام حسین (ع). آیا همین به تصویر کشیدن توبه به شکل کامل و صحیح آن که منجر به رستگاری می‌شود کم ارزش دارد؟

فرهنگ عاشورا بی‌نهایت مضمون جهانی و انسانی دارد که می‌شود سالی چندین و چند فیلم خوب و درجه یک درباره آن ساخت و همچنین واقعه کربلا سراسر تصاویر سینمایی و چشم‌نواز است که می‌توان حتی به صورت مستقیم به آن پرداخت و روایت‌هایی مستندگونه تاریخی از هزار و اندی سال گذشته تاروایت‌های معاصر از پیاده روی‌های اربعین هر ساله مردم عاشق ساخت، اما دریغ که سرمایه‌گذاری کلان سینما روی مباحث دیگری متمرکز شده و امثال بنده هم با بودجه‌های محدود و شخصی به سختی می‌توانیم قدم در این مسیر غیر سودده بگذاریم. اگر چه که علقه و گرایش شخصی‌ام همچنان اراده و حس ساختن «من و زیبا»های دیگر را در من زنده نگه می‌دارد و به امید فرداهای بهتر برای سینمای دینی و سینمای کودک، دو شمع رو به خاموشی در گیشه هستیم.



وقتی مستند، جور سینمای داستانی را می کشد

محرم یکی از آن مضامینی است که هر چقدر در سینمای داستانی به آن کم پرداخت شده، در عوض مستند یک تنه مسئولیت روایت این اتفاق مهیب تاریخ را بر عهده گرفته است.

سینمای مستند سینمایی زنده، پویا و موفق است که در همه زمینه‌ها از سینمای داستانی پیشی گرفته و گوی سبقت را در جواز و اعتبارات داخلی و بین‌المللی از سینمای بلند روده است. سینمای مستند ایران به شهادت جواز بی‌سابقه بین‌المللی و همچنین نظر مثبت سینماگران مطرح دنیا، بی‌شک یکی از سینماهای پیشگام دنیاست که شاید به لحاظ تکنیکی به مستندهای مشهور محیط زیست شبکه‌های مشخصا انگلیسی زبان نرسد اما به لحاظ محتوایی همیشه حرف‌های بکری برای زدن دارد و دور بین را در بهترین زاویه نگاه انسانی قرار می‌دهد. محرم یکی از همان مضامین است که هر چقدر در سینمای داستانی و سریال‌های تلویزیونی به آن کم پرداخت شده و اندوخته افتخار آمیزی بعد از سی و چند سال فعالیت هنری بعد از انقلاب در دست ندارد، در عوض مستند یک تنه مسئولیت روایت این اتفاق مهیب تاریخ را بر عهده گرفته و حرف‌های مگوی زیادی را به تصویر کشیده است.

مستندهای مذهبی در موضوع مشخص محرم به چند دسته تقسیم می‌شود. یکی به تصویری کردن تعزیه‌های شهرهای مختلف کشور اختصاص دارد که با چاشنی مستند داستانی ما را در گیر زندگی واقعی بازیگرهای این تعزیه‌ها می‌کند و گاهی حتی همان اسب و شتر تعزیه را دست مایه خود قرار می‌دهد تا حرف‌های قشنگی در لفافه هنر بیان کند.

دسته دیگر این مستندها، به فیلم برداری واقعی از آداب و رسوم و سبک و سیاق خاص عزاداری هر شهر و هر محله می‌پردازد که با نمایش دادن تفاوت‌های اقلیمی و بومی و نحوه خاص ابراز ارادت شیعیان به مولایشان، به خوبی در دل مخاطب جا باز می‌کند و بیننده را در مسیر این عزاداری باشکوه با خود همراه می‌سازد.

همچنین تکیه زدن و نذری پختن و نذری پخش کردن و گرفتن یکی دیگر از آداب و رسومی است که

تقریباً به این ایام گره خورده و به طرز جدایی ناپذیری وارد واجبات عزاداری شده و بعضاً روایت دور بین مستند ساز از ماجرای تهیه یک پرس غذا به شدت ماجراجویی و تماشایی می‌شود.

بخش دیگری از مستندهای عاشورایی به نذر و وقایع خاص این ایام اختصاص دارد. در ختی که ظهر عاشورا خون می‌چکاند. آسمان منطقه‌ای که ظهر عاشورا قرمز می‌شود. نذر افرادی که باید مسیری را پیاده طی کنند. یا در جاده‌های دور افتاده آب به دست مردم بدهند. اتفاقاتی که ظهر عاشورا در حرم امام رضا (ع) می‌افتد. کودکی که رفتار آسمانی خاصی دارد و ... همه اینها از سوژه‌های ناب است که هر تعداد فیلم مستند هم درباره آن ساخته شود باز جای ادامه دادن دارد و می‌توانیم از زوایای مختلف به عظمت یک داستان عمیق پی ببریم.

به علاوه آن گروهی از مستندها به بازتاب اعتقادی این ایام و مناسک خاص آن در بین پیروان سایر ادیان پرداخته‌اند و روایت‌های جذابی از اعتقاد مثلاً دانشجویان

یهودی به خوردن غذای نذری یا شفا

گرفتن دختر مسیحی در حرم امام حسین (ع) در ظهر عاشورا و غیره دارند که به لحاظ بین‌المللی کاربرد قوی داشته و برخلاف سایر مستندهای مذهبی ما این دسته به دلیل داشتن موضوع فرا ایرانی و فراشیعه، قابل ارائه در بازارهای جهانی است و یکی از بهترین شیوه‌های تبلیغ دین به شمار می‌آید.

مستندهای «شبیه خوانی» به کارگردانی بهمن کیارستمی، «آن سوی دیوار» به کارگردانی وحید چاووش، «گل گیران» به کارگردانی محمد غفاری، «اربعین» به کارگردانی «ناصر تقوایی»، «پولکه یک آیین مذهبی» به کارگردانی مجید صباغ بهروز، مستند «آینا» و «صفورا» به کارگردانی داور نجفی، مستند «شام» به کارگردانی محمدرضا اصلانی، مستند «نخل» به کارگردانی بابک بهداد، مستند «من شمر هستم» به کارگردانی داریوش کرم یار، مستند «آیین دیگر» به کارگردانی سید مهدی میر شرف، مستند «به خشکی لب‌های فرات» به کارگردانی حمید تقوی، مستند «شور عشق» به کارگردانی حمید قربان نژاد، مستند «ترکیب بند» به کارگردانی امیر آذین، مستند «کاروان» به کارگردانی محسن امیر یوسفی، مستند «عاشورا در مه ریز» به کارگردانی جمال زارع زاده عزیز، مستند «روز پایان» به کارگردانی نرگس آبیاری، مستند «کربلا جغرافیای یک تاریخ» به کارگردانی داریوش یاری و ... از مهم‌ترین مستندهای عاشورایی است که همه دست‌های عنوان شده در متن را در



برمی‌گیرد و هر کدام به نوعی پیام آور مفهوم اصلی قیام امام حسین (ع) برای مخاطب است.

داریوش یاری کارگردان مستند «کربلا جغرافیای یک تاریخ» که با حمایت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ساخته شد و در ابعاد یک فیلم سینمایی در گروه هنر و تجربه روی پرده رفت می‌گوید: مستندهای مذهبی ما از فقدان ایده رنج می‌برند و چون واقعه اصلی جلوی دوربین رفته و ایده و خلاقیت و شخصیت پردازی کمتری بدون آسیب رساندن به ساخت مستند در آن نبوده، تاثیرگذاری لازم را روی مخاطب ندارد.

وی ادامه داد: مثلاً در شهر فیلمساز مراسم کرب زنی انجام می‌شود و او همان وقایع را فیلم برداری کرده و به عنوان مستند ارائه می‌کند این در حالی است که تفاوت یک فیلم ساز با تماشاگر معمولی آن مراسم باید در نوع روایتش باشد و مثلاً از زوایای دید یکی از اهالی ما را درگیر این مناسک کند.

وی معتقد است: اگر چه برگزاری جشنواره‌های فیلم موضوعی و هفته‌های نمایش فیلم مذهبی، تدبیر خوبی برای تکان دادن به این گونه از سینماست، اما تعداد بالای فیلم‌های این زمینه دلیل موجهی برای عدم تحقیق و پژوهش و ساخت آثار دم دستی نمی‌باشد.

در همین زمینه امیر آذین کارگردان مستند «ترکیب بند» افزود: ما مقتل‌ها و منابع بسیار زیادی درباره عاشورا و واقعه کربلا داریم که مستندساز اگر واقعا وقت بگذارد و با

مطالعه آنها اقدام به ساخت اثرش کند قطعاً موفق‌تر خواهد شد.

وی تشریح کرد: اندیشمندان و عاشوراشناسان به نامی همچون محمدرضا درویشی و یا جهانگیر نصر اشرفی سال‌های زیاد عمر خود را صرف شناخت این واقعه ارزشمند تاریخی کرده‌اند و به جاست که فیلمساز مشخصاً مستندساز از علم آنها در این زمینه بهره بجوید. همچنین کتاب دانشنامه بزرگ امام حسین (ع) منبع قطور و بی‌بدیلی برای مطالعه جویندگان حقیقت است.

محمود رحمانی دیگر مستندساز مطرح کشورمان در باب رهایی مستندهای مذهبی به خصوص عاشورایی از کلیشه‌های مرسوم عنوان می‌کند: برگزاری جشنواره‌های موضوعی از یک سوره حل معقول و استاندارد به نظر می‌رسد و از سویی دیگر زمان و بودجه محدود مستندسازان و اصرار آنها برای حضور در چندین جشنواره به صورت همزمان، باعث خارج شدن مستند از کار خیاطی شخصی و تبدیل آن به دوخت تولیدی می‌شود.

وی تشریح کرد: اگر ما می‌خواهیم مستندسازمان واقعا در کارش و زیر سایه جشنواره مثلا

ما ،

همین جشنواره فیلم مسیر عشق، به آسودگی فیلم با کیفیت بسازد، باید برای او شرایط کارگاهی مناسب فراهم کنیم و در ادامه برنده شدن فیلمش هم شرایط و امکانات ساخت مستند بهتری در آینده فراهم کنیم و گرنه همه چیز به گرفتن یک جایزه و یک شب اختتامیه و شام و خداحافظی تمام خواهد شد و مدام به جای آموزش ماهی گیری، ماهی به دست مستندسازان می‌دهیم.

مرتضی زراعت پیشه کارگردان مستند «روز شمار خون» در پایان این بحث مسئله تکنولوژی‌های جدید سینمایی را عنوان می‌کند و می‌گوید: اضافه کردن افکت‌های خاص سینمایی و حتی استفاده از جلوه‌های ویژه تاجایی که به بن مایه اصلی داستان صدمه نزنند هیچ ممنوعیتی ندارد و این اشتباهی است که بسیاری از مستندسازان مادچار آن می‌شود و ساده انگاری و ساده نمایی را معادل حقیقت گویی در مستند می‌دانند.

وی تصریح کرد: عدم استفاده از تکنولوژی روز سینمای دنیا در گونه مستند، قطعاً باعث بازماندن مستندهای ایرانی از عرصه‌های جهانی خواهد شد و باید در این باب تجدید نظر جدی صورت بگیرد.



که برای حفظ تولید ایرانی واردات خارجی را محدود می‌کنیم، بحث این نیست که باید در تبادل فرهنگی را تخته کرد، چنانکه نویسنده شخصاً برخلاف عقیده عموم همکارانش، در جلسات متعدد با مسئولین امور، در حد خود کوشیده است امکان اکران انیمیشن سینمایی روز جهان را در ایران فراهم آورد، بحث این است که باید حد نکه داشت، تا چنین نشود که روزی ببینیم در عوض تبادل فرهنگی، فرهنگ خود را بالکل باخته‌ایم.

اما آیا اعتماد به انیماتور ایرانی و کمک به تولید محصول داخلی می‌تواند مهمترین دغدغه بخش‌کننده‌ها یعنی امور مالی را هم رفع کند؟ با رصد کردن هزینه تولید انیمیشن در جهان، به قطع می‌توان گفت هزینه تولید انیمیشن در ایران چیزی در حدود یک‌دهم میانگین هزینه جهانی است! توجه کنیم که میانگین هزینه جهانی، نه گران‌ترین انیمیشن‌های سینمایی جهان که می‌شود گفت حداقل صد برابر هزینه تولید انیمیشن سینمایی در ایران صرف ساختن می‌شود. نکته دیگر اینکه همچنان که پیشتر هم بسیار دیده شده است، مخاطب ایرانی اتفاقاً آماده است تا جذب اثری شود که نمادهای فرهنگی ایرانی در آن روشن باشد و بتواند با آن همذات‌پنداری کند. در این میان باید مراقب بود که ما به هیچ‌وجه نباید دچار شوونیسم فرهنگی شویم و هیچ اشکالی ندارد که آثار ما به زبان مشترک جهانی نزدیک شود. اما از طرفی وجود عناصری که نشان‌دهنده یک اثر زاده فرهنگ ایران است، می‌تواند مخاطب ایرانی را ذوق‌زده و توجهش را به آن جلب کند و آن را بدل کند به یک سرمایه‌گذاری سودآور. چنین اثر انیمیشنی توانایی رقابت با آثار روز دنیا را هم خواهد داشت، به این دلیل که برآمده از فرهنگی یگانه است و جهان تشنه شنیدن صدای نو. دیگر می‌ماند نقش بخش‌کننده حرفه‌ای که توانایی ارائه و جذب سود را به بهترین نحو داشته باشد. بد نیست کمتر به کیفیت انیمیشن ایران ایراد بگیریم، که مشکل بیش از آنکه از جانب انیماتور باشد از جانب بخش‌کننده‌هاست که باید بسترهای درآمدزایی را کشف کنند و با ورود حرفه‌ای به آن بسترها، چرخه تولید و سودآوری را رقم زنند.

خوشبختانه دو سال است در ایران رویدادی با عنوان «روایزی» برگزار می‌شود، که امکان مواجهه بی‌واسطه با طرح‌های انیمیشن‌سازان ایرانی را فراهم می‌سازد. شاید این فرصت برای هر سفارش‌دهنده‌ای که قصد تولید انیمیشن دارد، فرصتی یگانه باشد که در یک روز بتواند توان تقریبی انیمیشن ایران را بسنجد و از میزان خطر سرمایه‌گذاریش بکاهد.

در مبحث امکان تولید انیمیشن با کیفیت در ایران، بین سفارش‌دهندگان و عامه مردم، ما با نوعی مقایسه مواجه هستیم که انگار قرار است در ایران انیمیشنی تولید شود که کیفیتی برابر با نمونه سینمایی هالیوودی داشته باشد. این قیاس اساساً مع الفارق است و ناشی از رعایت نکردن قانون حمایت از حقوق مؤلف. در حقیقت به این دلیل که سال‌های سال آن محصولی را که هنرمندان بزرگ انیمیشن جهان به عرق جبین بدست آورده‌اند مفت و مجانی صاحب شده‌ایم، قدر آن زحمت را نمی‌دانیم و توقع داریم هنرمند انیماتور ایرانی بدون داشتن امکانات لازم محصولی در آن سطح تولید کند. از دیگر آسیب‌های این رویه، درک نکردن درست بازار است. در بازار انیمیشن، ما با بسترهای مختلف و با کیفیت‌های متفاوت، متناسب با هر بازار مواجه هستیم. چنین است که هیچ تولیدکننده عاقلی به مثال برای پخش در شبکه‌های تلویزیونی، اثری با کیفیت سینمایی تولید نمی‌کند. گرچه می‌شود انیمیشن سینمایی را در تلویزیون هم پخش کرد و بخشی از آنتن را به آن اختصاص داد و از این راه درآمد هم داشت، اما برای پر کردن کل آنتن یک شبکه با آن ساعت‌های پخش بسیار نباید و نمی‌توان سراغ صرف هزینه و وقت بسیار رفت.

در حال حاضر انیماتورهای ایرانی پیشرفت بسیاری داشته، توانایی خود را بسیار بالا برده و به کیفیت روز جهان نزدیک شده‌اند، بخصوص در سطح کیفی انیمیشن‌های تلویزیونی و حتی در سطح سینما هم حرف‌هایی برای گفتن دارند. مسئله اینجاست که تولیدکننده‌ها و دست‌اندرکاران پخش باید بازار خود را دقیقاً بشناسند و به تعریف دقیقی از نیازهایشان برسند که بتوانند دغدغه‌های ایشان را تأمین کند. یکی از دغدغه‌هایی که انگار شبکه‌های تلویزیونی ایران (در همه بسترها) یادشان رفته و نویسنده این سطور آرزو دارد تا دیر نشده به یاد آورند، این است که هر ملتی که فرهنگ خاص خودش را دارد نیاز فرهنگی منحصر بفردی هم دارد. باید متوجه شویم که رعایت نکردن حق مؤلف و همینطور بی‌حساب و کتاب فرهنگ بیگانه -مخصوصاً غربی- را به خورد مخاطب دادن، حاصلی جز ویرانی فرهنگ کشورمان ندارد. وقت آن رسیده است که به انیماتورهای ایرانی اعتماد شود و همانطور که عموم کشورهای مولد فرهنگ در دنیا، بخش کوچکی از امکان پخش خود را در اختیار کشورهای دیگر قرار می‌دهند، حتی در سینمای ایران هم چنین است، دست‌اندرکاران دیگر بسترهای پخش هم به هر طریق ممکن به رونق گرفتن تولید یاری رسانند و سبب شکل‌گیری چیزی متناسب با فرهنگ ایرانی شوند. باید توجه داشت که عرصه فرهنگ بسیار مهمتر است از عرصه صنعت،

لزوم حمایت پخش‌کنندگان از انیمیشن ایرانی



امیر پوریا افضل‌پور (نویسنده و کارگردان انیمیشن)



شرکت فراسوی ابعاد به همراه مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری تقدیم می‌کند



مهدی کریمی:

«درجه بندی» کمکی به افزایش مخاطب نکرده

درجه بندی؟ می‌بینیم که به طرق مختلف از پاسخگویی به مسأله سرمایه‌های مشکوک و فقدان امنیت شغلی سینماگران و مشکلات اکران سرباز می‌زنند و طرح‌هایی فرعی رو می‌کنند. شخصا امیدوارم که تمرکز بر درجه بندی فیلم‌ها راهی برای عبور از حل مشکلات کلیدی سینما نباشد.

تهیه کننده «رنگ خدا» و «مهر مادری» تأکید کرد: من امیدم را از دست نمی‌دهم و مشتاقم ببینم این درجه بندی سنی به بالا رفتن دامنه مخاطبان منجر می‌شود یا خیر؟ امیدوارم آقایان از نظر آمار و ارقام بتوانند با درجه بندی سنی فیلم‌ها به نتیجه مطلوب خود برسند و حتما عموم سینماگران را هم در جریان دستاوردهای درجه بندی قرار دهند.

مهدی کریمی در خصوص درجه بندی پیش‌تر توسط حوزه هنری اظهار داشت: حوزه هنری به عنوان نهادی سینمادار به خاطر در نظر گرفتن ملاحظات تمام جامعه مخاطبین بالا جبار، برخی فیلم‌ها را نمایش نمی‌داده و بیش‌تر بر بحث سینمای خانواده و ارزشی تمرکز کرده است.

کریمی ادامه داد: الان هم فکر نمی‌کنم با درجه بندی تازه، سیاست‌های حوزه تغییری کند چون در هر صورت آنها خود اختیار سینماهایشان را دارند و در جهت منویات و مأموریت خودشان است که چیدمان اکران فیلم‌ها در سینماهایشان را شکل می‌دهند. مهدی کریمی در پایان بیان داشت: ما باید به دنبال جذب مخاطب خاموش به سینماهایمان باشیم. اینکه دل خوش کنیم به همین یکی دو میلیون مخاطب حداقلی سینما، مشکل سینما را حل نمی‌کند. باید به این بیندیشیم که چرا میلیون‌ها نفر از ایرانیان سال‌هاست به سینما نمی‌روند؟ امیدوارم درجه بندی سنی به جذب مخاطبان خاموشی که سال‌هاست دور سینما را خط کشیده‌اند منجر شود.

درجه بندی سنی فیلم‌ها در جهت رونق گیشه سینماها راه افتاده که هنوز مشخص نیست بتواند به بالا رفتن دامنه مخاطبان کمکی کند یا خیر؟

مهدی کریمی تهیه کننده قدیمی سینما درباره تمرکز ارشاد بر درجه بندی سنی آثار سینمایی بیان داشت: یکی از مشکلات دو دهه اخیر سینمای ایران آن است که سهم مخاطبان سینماها از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران سهمی قابل توجه نیست و همین امر موجب شده هر از گاه طرح‌هایی برای کمک به افزایش مخاطب اجرایی شود. از جمله طرح‌های تازه‌ای که با تبلیغ فراوان مدیران در جهت رونق گیشه سینماها راه افتاده درجه بندی سنی فیلم‌هاست که در این مدتی که اتفاق افتاده فکر نمی‌کنم کمکی کرده باشد به بالا رفتن میزان مخاطبان! شاید هم اصلا هدف درجه بندی بالا بردن دامنه مخاطبان نبوده است.

کریمی ادامه داد: البته باید این را هم در نظر داشت که این تأکیدات سازمان بر درجه بندی فیلم‌های سینمایی تازه راه افتاده و کمی زود است که بگوییم تاثیری بر گسترده‌گی مخاطب خواهد داشته و یا نه.

تهیه کننده آثاری ماندگار همچون «آژانس شیشه‌ای» و «چ» خاطر نشان ساخت: متأسفانه بخشی از قوانین و شرایطی که به آن می‌رسیم، موهون تغییر مدیریتی مداوم در سینماست یعنی وقتی مدیران ثبات ندارند به دنبال حل مشکلات کلیدی نمی‌روند و می‌کوشند با دستورات کم‌اثر و ارائه قوانین کم‌خطر عمر مدیریت خود را به انتها برسانند.

کریمی در توصیف این ماجرا افزود: آیا در سال‌های اخیر دغدغه سینماگران ورود پول‌های آلوده بوده یا درجه بندی فیلم‌ها؟ آیا دغدغه سینماگران فقدان امنیت شغلی بوده یا نداشتن نظام درجه بندی؟ آیا مشکل سینمای ما تشدید تبعیض در اکران بوده یا

جای خالی پژوهش؛

ابهامی که نسل به نسل منتقل می‌کنیم



مریم اکبرلو

و شایسته‌ای ارائه نمی‌شود لذا دوشادوشی تکنیک و محتوا باید رعایت شود که نیاز به پژوهش و تحقیق و کسب دانش بیشتر در این زمینه دارد زیرا وقتی اطلاعات از نظر تکنیکی و محتوا بالاتر رود، قطعاً اثر ماندگارتری تولید خواهد شد.

همچنین اگر بخواهیم تیتروار به یکی دیگر از سطحی نگری و بی‌علمی آثار مذهبی اشاره کنیم باید از مسئله «غم محوری» بگوئیم که صراحتاً به دلیل ضعف اطلاعات فیلمنامه نویسان و صرف تأثیر گیری از واعظان است. این نگاه باید در آثار مذهبی تغییر کند زیرا موضوعات شاد و فرح آور در زندگی بزرگان و شخصیت‌های دینی بسیار یافت می‌شود که عدم اشراف به آن، موجب می‌شود تا فقط آنچه که در عباداری‌ها شنیده‌ایم را به تصویر درآوریم و این مشکل که در فرهنگ عامه وجود دارد نیز فیلمساز سینما و تلویزیون ما را تحت تأثیر قرار داده است.

در پایان با توجه به همه عناوین گفته شده، تنها آثار داوود میرباقری به نسبت سایر آثار جامعیت تاریخی و محتوایی و همسویی با تکنیک‌های لازم جذب مخاطب دارد. او سال‌ها به تحقیق و پژوهش می‌پردازد، با متخصصین این حوزه نشست و برخاست می‌کند. آثار او مملوست از جلوه‌های ویژه و دکور و آکسسوارهای بی‌بدیل و البته پر هزینه تا خرده عشق و جنایت‌های فرعی که به دل ماجرای اصلی تزریق می‌شود و بعضاً هیچ صحت تاریخی و ما به ازای عینی (مانند شخصیت شوبذ خزانه دار) ندارد و فقط بستر را برای تیز کردن گوش مخاطب و ادامه دادن مسیر اصلی فراهم می‌کند.

اینکه میرباقری تقریباً یک تنه بار هنرنمایی کردن اسناد تاریخی را به دوش می‌کشد هم جای بسی افتخار است و هم جای تأسف. تأسف به لحاظ سست مایه بودن و بهتر است بگوئیم وجود نداشتن سایر آثار و همچنین تأسف برای ذهن مخاطب. مخاطبی که حتی اگر تحصیلات دانشگاهی بالایی هم داشته باشد باز هم برای مطالعه فرهنگ عاشورا یا مطالعه شناخت حضرت علی (ع) تربیت نشده و ترجیح می‌دهد آنچه را که در رسانه ملی یا پرده سینما می‌بیند باور کند و اینگونه است که روایت ذهنی میلیون‌ها آدم از بسیاری از وقایع دینی روایت ذهن شخصی داوود میرباقری است. حال اینکه به تعداد آدم‌های روی زمین روایت تاریخی و سلیقه‌ای و هنری و غرض ورزانه و... از هر واقعه تاریخی وجود دارد و ما سال‌هاست فقط حضرت علی را آنگونه که میرباقری می‌شناسد، می‌شناسیم. انتقام خون شهیدان کربلا را فقط در قیام مختار می‌دانیم زیرا میرباقری برایمان اینگونه تعریف کرده است و به دلیل ضعف ساختاری رسانه و فیلمسازان ما هرگز کس دیگری تصمیم به ساخت مجموعه‌ای باروایت دیگر و از زاویه دیگری نمی‌گیرد و در واقع مختار ذهن هر ایرانی تا ابد فقط فریبرز عرب نیا باقی می‌ماند. و این یعنی آفت.

جای خالی پژوهش در هر زمینه‌ای از زندگی مردم بی‌حوصله و سطحی نگر جامعه امروز موج می‌زند اما اینکه این فقدان علمی وارد هنر تأثیرگذار تصویر شود و برای بیان اصولی اخلاقی و شرعی و مذهبی به کار گرفته شود، تأسفی صدچندان دارد و زیرساخت‌هایی را در ذهن افراد (به خصوص قشر جوان) بی‌ریزی می‌کند که تقریباً تغییر ناپذیر است و ابهامی غلط نسل به نسل منتقل خواهد شد.

موضوعات مذهبی نیز باید به منابع یا افراد مطلع رجوع کند و اطلاعات لازم را از آنها بگیرد لذا نیاز است که علما و پژوهشگران و هنرمندان بتوانند با یک تعامل دوسویه به دانش لازم برای خلق یک اثر هنری ماندگار دست پیدا کنند.

قطعاً فیلمنامه نویسی، متخصص همه علوم مختلف نیست. تخصص او تبدیل علوم که به آنها اشراف پیدا می‌کند، به اثر هنری است لذا اگر وی بخواهد در زمینه‌های مختلف دست به خلق اثر بزند، نیاز به مطالعه، پژوهش و گفتگو با صاحبان علم و دانش دارد.

درباره حضور فیزیکی ائمه در آثار مذهبی سال‌های گذشته بیشترین جنجال‌های سینمایی و تلویزیونی را به همراه داشته و تا به امروز هم سکansı از چهره ائمه چه در فیلم سینمایی «رستاخیز» و چه در سریال «مختارنامه» علیرغم موافقت برخی از علما به نمایش عمومی در نیامده است و بهتر است فیلمسازان در آینده برای جلوگیری از اتلاف هزینه و زمان مجدداً دست روی این تابو نگذارند و فراموش نکنند که امامان ما شخصیت‌های ویژه‌ای هستند که علت‌العلل آفرینش جهان هستی‌اند لذا نمی‌توان به دلیل حرمتی که برای ایشان وجود دارد، باز یگر را در قالب این شخصیت ارائه داد اما چند راهکار وجود دارد که ضمن حفظ حرمت ایشان، عدم به نمایش درآوردن، مانع از آشنایی با سیرت آنها نشود.

راهکار اول استفاده از تکنیک‌هایی است که نیاز به حضور فیزیکی معصومین نداشته باشد ولی فیلم یا سریال مملو از حضور معنوی آنها باشد. (مانند همه فیلم و سریال‌هایی که پیش از این ساخته شد و اثر بخشی مطلوبی هم روی مخاطب داشت)

راهکار دوم آن است که در تئاتر، تکنیکی به نام فاصله گذاری وجود دارد که در تمام دنیا نیز مرسوم است و نمونه‌ای از آن را در تعزیه نیز می‌توان دید و به راحتی قابلیت انتقال به هنر نمایش ضبط شده و غیر زنده، اتم از سریال یا فیلم دارد. شبیه خوانی در تعزیه به همین صورت است و قرارداد نانوشته‌ای بین مخاطب و اجرا کننده وجود دارد و تماشاگر آن شبیه پوشان را خود ائمه نمی‌داند و این عمل، طبق استفتائاتی که از علما شده نیز مانعی ندارد ضمن آنکه روشی است برای آنکه حرمت به تصویر در آوردن ائمه معصوم را رعایت کرده باشیم و علیرغم روی زمین زندگی کردن این بزرگواران، آنها را با سایرین قیاس نکنیم.

در حالت کلی از نمایش صرف چهره که بگذریم برای دستیابی به اثری ارزشمند که درخور شأن و شخصیت این بزرگواران باشد، باید محتوا و تکنیک همسان شوند تا بتوانند به یک اندازه یکدیگر را تحت پوشش قرار دهند زیرا اگر با تکنیک بالا از محتوای ضعیف و سطحی استفاده شود یا برعکس برای یک کار با محتوا و عمیق به تکنیک پائینی بسنده کرد، قطعاً کار قوی

جای خالی پژوهش در هر زمینه‌ای از زندگی مردم بی‌حوصله و سطحی نگر جامعه امروز موج می‌زند اما اینکه این فقدان علمی وارد هنر تأثیرگذار تصویر شود و برای بیان اصولی اخلاقی و شرعی و مذهبی به کار گرفته شود، تأسفی صدچندان دارد.

فقر شدید پژوهشی یکی از موانعی است که بر سر راه فیلم‌ها و سریال‌های مذهبی به خصوص آن‌ها که به زندگی بزرگان دینی می‌پردازد، قرار دارد و باعث می‌شود در پرداختن به زندگی این بزرگان نتوانیم از سطح فراتر رویم. حال آنکه اگر بخواهیم تخصصی و مفصل درباره این معضل صحبت کنیم، ساعت‌ها بحث و سمینار و تجزیه و تحلیل می‌طلبید و قصد نگارنده در اینجا فقط تلنگری ساده به جای خالی پژوهش در آثار مذهبی است نه هیچ.

پیش از هر چیز یادمان باشد اگر قرار است موضوعی تبدیل به فیلمنامه شود، باید تحلیل جامع و عمیق از آن موضوع مورد نظر در دست باشد تا نویسنده سینما یا تلویزیون بتواند با اشراف کامل نسبت به همه جوانب موضوع، آن را تبدیل به دیالوگ کند و اثری خلق کند که در بر دارنده همه خصایصی باشد که در حال حاضر به خصوص در زمینه آثار دم دستی مذهبی (چه تئاتر، چه فیلم و سریال‌های کوتاه مناسبتی) شاهد آن نیستیم.

در چگونگی پرداخت به یک موضوع نیز کار پژوهشی وجود ندارد. زیرا آن گونه که علما و فقها به ابعاد مختلف زندگی ائمه تسلط دارند، قطعاً یک سینماگر مسلط نیست و منابعی که برای این تولید نیاز است را نیز در دسترس ندارد لذا طبیعی است آنچه تاکنون در قالب فیلم و سریال از زندگی این بزرگان عرضه شده است، تنها به وجوهاتی از زندگی ایشان بپردازد که در اطلاعات عمومی اکثر مردم وجود دارد.

به عنوان نمونه در مورد حادثه عاشورا و شخصیت امام حسین (ع)، فیلم ساز ما همان اطلاعاتی را در اختیار دارد که در هیئت‌های عزاداری و مجالس وعظ و تعزیه بدست آورده و علیرغم آنکه ممکن است ساختار اثر به لحاظ تکنیکی بسیار ارزشمند باشد، اما قطعاً از نظر موضوع چندان عمیق و تحلیلی‌گرانه نخواهد بود.

بالا رفتن سطح آگاهی کارگردانان و فیلمنامه نویسان و نیز تعامل با پژوهشگران دینی لازمه ارتقاء در این حوزه است. همچنان که فیلمساز برای پرداختن به موضوعات فلسفی، تاریخی و روانشناسی، دانش خود را نسبت به آن موضوع تعمیق و اطلاعات مورد نظر را از اهالی مطلع کسب خواهد کرد تا بر اساس آن فیلمنامه خود را به نگارش درآورد، در زمینه

«فرش‌های واقعا قرمز»



کیا پور نظری

فرش قرمز سینمای ایران وارد دهمین سال خود شده است و امروز بیشتر سازندگان آثار سینمایی به تبعیت از آن رویداد، برنامه ویژه‌ای تحت عنوان «اکران مردمی» در یکی از بهترین سینماهای تهران با حضور عوامل اصلی فیلم به ویژه بازیگران برگزار می‌کنند. هر چند بین مراسم فرش قرمز و اکران مردمی تفاوت‌هایی وجود دارد اما هر دوازده یک نظر شبیه به هستند. فرش قرمز برای مشخص کردن مسیری است که مسئولان سیاسی و مقامات بلند پایه در مراسم رسمی و تشریفاتی طی می‌کنند پهن می‌شود. بتدریج مراسم پهن کردن فرش قرمز در بین سایر مقامات غیر حکومتی از جمله هنرمندان، بازیگران و سلبریتی‌ها مرسوم گردید. البته پیش از سال ۱۹۹۰م بازیگران و سلبریتی‌های حاضر در مراسم فرش قرمز با هر نوع لباس و مدلی که خودشان طراحی می‌کردند حاضر می‌شدند اما پس از دهه ۱۹۹۰ انتخاب لباس برای مراسم فرش قرمز و جشنواره‌ها، عملی حرفه‌ای شده نه کاری که در آن فقط سلیقه دخیل باشد. اکنون مراسم فرش قرمز به یکی از مهم‌ترین محل‌ها برای طراحان لباس و برندهای مشهور برای عرضه محصولات خود تبدیل شده است. امروز نقش سلبریتی‌ها در فروش لباس‌هایی که به هنگام عبور از فرش قرمز به تن می‌کنند بسیار گسترده است و دامنه‌ی اثرگذاری آن خیلی وسیع‌تر از انجام تبلیغات مد و لباس در مجلاتی است که فقط چند نوبت منتشر می‌شوند. کارمن مارک والوو طراح به نام آمریکایی در این رابطه در سال ۲۰۰۰ گفته بود:

بازگشت سرمایه از لباسی که یک سلبریتی در مراسمی، لباس یک طراح را می‌پوشد، بسیار بیشتر از زمانی است که آن طراح، در یک مجله مانند ووگ یا هارپرز بازار پنج صفحه تمام تبلیغات بدهد، چرا که آن نشریات تنها یک بار و به صورت محدود منتشر می‌شوند، اما اگر لباسی بر تن یک سلبریتی، نظر افراد را به خود جلب کند، مطمئناً به صورت مداوم در نشریات، اینترنت و... منتشر خواهد شد که ارزشش صدها هزار دلار خواهد بود.

سینمای ایران نیز اولین فرش قرمز را در ۲۲ آبان سال ۱۳۸۸ برای فیلم «محاکمه در خیابان» به کارگردانی آقای مسعود کیمیایی پهن کرد. قرار بود

این مراسم راس ساعت ۱۷ در سینما ناهید یکی از محلات قدیمی تهران برگزار شود اما حضور جمعیت غیر قابل پیش بینی، اجرای مراسم فرش قرمز را یک ساعت به تاخیر انداخت. انگار سینمای ایران آخرین پازل گم شده‌اش را یافته و با برگزاری مراسم فرش قرمز برای این فیلم، این پازل تکمیل شده است. شور و اشتیاق عجیبی در بین تماشاگران ایجاد شده بود زیرا اولین بار بود که آنها می‌توانستند بازیگران و هنرمندان محبوب خود را از نزدیک ببینند. تحت تاثیر این جو کاذب، حرف‌های پر حاشیه‌ای هم زده شد. آقای کیمیایی در این مراسم عنوان داشت «پنجاه سال تمرین زمان زیادی است یعنی می‌شود با برگ‌های ریخته پاییزی یک سیگار برگ هاوانایی خیلی خوب بسازید با تمبر.» در ادامه آقای اکبر معززی حرف‌های آقای کیمیایی را تکمیل می‌کند؛ «وقتی کیمیایی سی سال پیش فیلم قیصر را ساخت یک جریان جدیدی در سینمای ایران به راه انداخت و فکر می‌کنم با «محاکمه در خیابان» نیز جریان جدیدی در سینمای ایران به راه بیفتد.»

اکنون داستان فرش قرمز در سینمای ایران ده سالگی خود را پشت سر می‌گذارد و فیلمسازان، پیش از نمایش هر فیلم در سینماهای کشور، برنامه ویژه‌ای در یکی از سینماهای درجه‌ی یک تهران تدارک می‌بینند البته با تمام ویژگی‌ها و نشانه‌های مراسم فرش قرمز. بازیگران و هنرمندان با پوشش‌های عجیب و غریب و غیر متعارف شبیه پوشش سلبریتی‌های پیش از سال ۱۹۹۰، با هر نوع لباس و پوششی در این برنامه‌ها حاضر شده و با تماشاگران عکس سلفی می‌گیرند. حالا واژه‌هایی که ده سال پیش مطرح شده بود معنا و مفهوم پیدا کرده‌اند. کلید واژه‌هایی چون «برگ‌های پاییزی» و «جریان سازی» در سینمای ایران نشانه‌های خود را در سینمای ایران آشکارتر ساخته است. در حالی که در مراسم فرش قرمز (اسکار و گلدن گلوب) طراحان، لباسی را برای سلبریتی‌ها انتخاب می‌کنند که در فهرست بدپوش‌ترین فرد مراسم قرار نگیرند اما گویی در مراسم سینمای ایران پوشیدن هر نوع لباسی آزاد و مجاز شمرده می‌شود به نحوی که مراسم اکران مردمی‌ها و فرش قرمزها در سینمای ایران به مراسم «عبور از خط قرمزها» تبدیل شده‌اند. این نوع

پوشش‌های به ظاهر متمدنانه چه سنخیتی با فرهنگ و هنر ایرانی دارد؟ مردم در کجای این واژه‌ی ساختگی (اکران مردمی) قرار دارند؟ سلبریتی‌هایی که به هنگام سخنوری دم از غنای فرهنگ چندین هزار ساله ایران زمین می‌زنند چقدر حاضرند از فرهنگ و نمادهای ایرانی که خود مدعی آنند دفاع کنند؟ عاریه گرفتن از فرهنگ غرب و الگو برداری از ظواهر آن، چه جریان سودمندی را به سینمای ایران اضافه کرده است که یک دهه قبل عده‌ای سنگ آن را به سینه می‌زدند و کدام تحول و نوع آفرینی را در سینما ایجاد کرده است که باید به آن افتخار کرد؟ فاصله گرفتن از مردم به عنوان مخاطبان اصلی سینمای ایران در این شرایط سخت و دشوار دستاوردش برای سینمای ایران چیست جزء فخر فروشی و نمایش مضحک دارامند بودن و فرق داشتن با عامه جامعه؟

حال که به قول آن فیلمساز از برگ‌های پاییزی سینمای ایران «سیگار برگ هاوانایی» ساخته شده است آیا بهتر نیست کمی به درون خود بنگریم و از داشته‌های تاریخی خود، «جریان ایجاد شده در سینمای ایران» را به نفع فرهنگ مان و سرزمین مان تغییر دهیم؟ کمی از خودمان مایه بگذاریم و پیام آور فرهنگ و هنر این مرز و بوم باشیم. می‌شود همین فرش قرمزها و اکران مردمی‌ها را با درون مایه‌های فرهنگ ایرانی که تبلور شخصیت ایرانی است و آداب و سنن ایرانی را در جان خود دارد احیاء کرد. می‌توان با یک برنامه ریزی بهتر با همین سبک و سیاق، پوشش‌های ایرانی را که متناسب با فرهنگ ایرانی است در عبور از فرش قرمزها و بالای سن رفتن‌ها و سلفی گرفتن‌ها توسعه داد. می‌توان فرش قرمزها را که نماد شکوه و جلال است با طراحان لباس‌های ایرانی و اقوام ایرانی جلوه بهتری بخشید. می‌توان از این فرش قرمزها به کمک صنعت پوشاک ایران آمد و آن را از رکود و کساد خارج کرد. فقط باید باور داشت به این بیت از شعر پروین اعتصامی با این مضمون:

چو بگرویم به کرباس خود چه غم داریم
که حله حلب ارزان شده است یا که گران



موسسه بهمن سبز، تداعی گر استانداردسازی تجهیزات در سینما

سینماهای حوزه هنری که از دو سال پیش آغاز شده سالن‌های سینمای تحت نظر حوزه هنری خون تازه‌ای در رگ هایشان جاری شود و بالطبع مخاطب با رضایت و میل بیشتری حاضر به حضور در این سالن‌ها شود. خوشبختانه، با کارنامه غنی و تلاش‌های موثری که موسسه «بهمن سبز»، از خود ارائه داد به یکی از نمادها و شاخص‌های بازسازی سینما در ایران تبدیل شده است.

این موسسه با رشد فعالیت‌هایش و چتر حمایتی که گشوده است، توانسته نسبت به معرفی حوزه هنری به عنوان سازنده و اداره کننده‌ی سینمایی مقبول تماشاگران و موثر در جریان پخش و نمایش فیلم در سپهر ایران اسلامی و در راستای وظایفی چون ایجاد، تکمیل، نوسازی و توسعه سالن‌های سینما با رعایت الگوی استاندارد و شاخص‌های اقتصادی با مشارکت با بخش خصوصی، عمومی و دولتی، تهیه و تنظیم قراردادهای مشارکت در تکمیل، نوسازی و توسعه سالن‌های سینما، تهیه و تنظیم قراردادها و تجهیز سالن‌های سینما، پخش و توزیع فیلم‌های سینمایی، تهیه و تنظیم قراردادها نمونه پخش و توزیع فیلم، بهره برداری و اداره سینماهای تحت پوشش، تدوین و تنظیم مقررات و آیین نامه‌های بهره برداری از سینماها، طراحی و اجرای نظام‌های مشوق خرید بلیط سینما، برگزاری دوره‌های آموزشی نیروی انسانی برای بهره برداری از سینما و تبلیغات و معرفی فیلم، پژوهش و مطالعه در امور سینما (سالن، پخش، نمایش و...) به منظور بهره برداری از اطلاعات حاصله برای بهبود خدمات و محصولات و انجام مجموعه فعالیت‌ها و عملیات بازرگانی لازم تاثیر گذار و چشمگیر عمل کرده است. فراموش نکنیم انتظار جامعه از همه مراکز و دستگاه‌های مربوطه و از جمله حوزه هنری به مراتب بیش از این‌هاست.

توقع از حوزه هنری در راستای مکتب ادبی و هنری انقلاب اسلامی و احترام و اکرام مخاطبان خود و به عنوان بزرگ‌ترین مجموعه سینما در کشور، جز این نبوده و نیست که شرایطی را فراهم آورد تا مخاطبان فیلم‌ها در محیطی بهتر و با کیفیت بالاتر به تماشای فیلم‌های گوناگون بپردازند.

صورت میانگین ماهانه دو سالن سینمایی به ظرفیت سینماهای حوزه هنری در دو ساله اخیر افزوده شده است و این رقم در سال جدید با چشم اندازی بلندی و جهش‌های اساسی به ۱۲۰ سالن می‌رسد.

از سال ۹۲ که موسسه «بهمن سبز» با هدف اداره کردن یکپارچه سینماهای حوزه هنری تشکیل شد حرکات و اقدامات نسبتاً خوبی در زمینه رسیدگی به وضعیت سینماهای در اختیار این نهاد فرهنگی رخ داد و حالاً طبق خبرهایی که محمود کاظمی مدیر موسسه می‌دهد تا پایان امسال در شهرهای مختلف سالن‌های متعددی از مجموعه سالن‌های در اختیار این موسسه بازسازی و مرمت خواهند شد.

«بهمن سبز» در یکی دو ساله اخیر، خیز بلندی برای توسعه سالن‌های سینمایی در شهرهای مختلف برداشته است. در حالی که بسیاری از مراکز ذیربط به دلیل مشکلات اقتصادی و موضوع بودجه فنیله ساخت و ساز سینما را پایین کشیده‌اند موسسه «بهمن سبز» دوم بر خورداری از بودجه مصوب و مشخص دولتی برای بازسازی ده‌ها سالن سینمایی در استان‌ها و شهرهای مختلف برنامه ریزی کرده است.

بعد از اتمام و تکمیل پروژه بازسازی سینماهای آفریقا (مشهد)، قدس (تبریز)، «فلسطین» (همدان)، «فلسطین» (اصفهان)، پردیس سینمایی «خانواده» (اصفهان)، «آزادی» (ارومیه)، «آزادی» (آبادان)، بهمن (تهران)، یاسمن (شاهین شهر)، سینما فرهنگ (فولادشهر)، سینما فرهنگ (میمه) و... در سال ۹۷ هم، سینماهای پرورجد با ظرفیت ۷۵۰ صندلی، سینما فجر سیاهکل با ۳ سالن، سینما بهمن علویجه با ۱ سالن، سینما استقلال تهران با ۲ سالن، سینما بهمن اصفهان با ۱ سالن، سالن شماره ۲ سینما بهمن تهران و سالن شماره یک سینما سپیده تهران و... در برنامه ساخت و بهره برداری دارد.

حالا باید امیدوار بود موسسه «بهمن سبز» که با همکاری دستگاه‌های دلسوز در مناطق مختلف کشور دست به بازسازی‌ها زده و همچنان، این حرکت را در دیگر استان‌هایی که سالن‌های قدیمی دارند مثل آذربایجان غربی، فارس، مازندران و گلستان ادامه دهد تا طبق پیش بینی‌ها و برنامه‌های کلان سازمان سینمایی حوزه هنری و برنامه ۵ ساله توسعه عمرانی

در حالی که بخش عظیمی از سینماهای ما فاقد شاخصه‌ها و استانداردهای لازم و کافی است، با ورود حوزه هنری و پرچمداری موسسه بهمن سبز نهضتی فراگیر برای احیاء، استانداردسازی و نوسازی این سینماها در کشور شکل گرفته است.

سال‌هاست که مخاطبان ایرانی از کیفیت پایین سالن‌های سینما در شهرهای مختلف شاکی‌اند. شکایتی که البته کاملاً به حق و درست است. زمانی که قرار است دو ساعت در یک محیط سر بسته به سر ببرید طبیعتاً اولین خواسته‌تان این است که آن محیط از حداقل امکانات برای فراهم کردن آرامش شما برخوردار باشد. اما سالن‌های سینمای ایران به خصوص آن‌ها که پس از انقلاب باقی مانده‌اند در فراهم کردن شرایط نرمال برای مخاطب نامناسب بوده‌اند. صندلی‌های کهنه و زهوار در رفته، تهویه نامطبوع، چرک و زشت شدن در و دیوار و محیط داخل سینما، نور و صدای نامناسب، مشکلات عدیده در سرویس‌های بهداشتی و نداشتن بوفه‌های مناسب، فقدان معماری و المان‌های فرهنگی و هویتی، سقف، کف پوش، پرده، امکانات صوتی و تصویری، دکوراتیو، نورپردازی و نمای بیرونی سینما و... تنها بخشی از مشکلات سالن‌های قدیمی سینماست که باعث شده بود خانواده‌ها چندان رغبتی برای حضور در سینما نداشته باشند.

اما پس از آغاز موج سینماسازی در سال‌های اخیر توسط موسسه «بهمن سبز» و ساخته شدن یک سری سالن‌های سینمایی با کیفیت در پردیس‌های سینمایی هجوم مردم به سمت سالن‌های سینما بسیار بیشتر شده است.

حوزه هنری با در اختیار داشتن حدود ۱۰۰ سالن سینما سهم عمده‌ای در اداره و نظارت بر سالن‌های سینمایی داشته و دارد. در حالی که بخش عظیمی از این تعداد سینماها فاقد شاخصه‌ها و استانداردهای لازم و کافی یک فضای سینمایی و فرهنگی بوده‌اند و از آن جایی که اغلب آنها در اختیار نهادهای غیر هنری قرار داشته‌اند به حال خود رها شده بودند با ورود حوزه هنری و پرچمداری موسسه «بهمن سبز» نهضتی فراگیر برای احیاء و جوان‌سازی و نوسازی این سینماها در کشور شکل گرفته به طوری که به



سینما بهمن تهران پردیس چهار سالنه می شود

دسترس دانشجویان و سینما دوستان تبدیل کرد، سال گذشته سالن یک آن مورد بازسازی و بهره برداری قرار گرفت و اکنون سالن ۲ این سینما با ظرفیت ۴۵۰ نفر در حال مرمت و بازسازی می باشد. «بهمن سبز» در کنار بازسازی سالن ۲، دو سالن اختصاصی با ظرفیت های ۵۵ و ۵۰ نفر به مجموع سالن های این سینما خواهد افزود. در نهایت در پایان این بازسازی و نوسازی، سینما بهمن تهران با داشتن ۴ سالن سینمایی با کیفیت به جمع پردیس های چهار سالنه خواهد پیوست. گفتنی ست سازمان سینمایی حوزه هنری، موسسه بهمن سبز حوزه هنری و موسسه سینما شهر در این پروژه همکاری دارند.

سینما بهمن تهران بزودی با داشتن چهار سالن سینمایی با کیفیت به جمع پردیس های چهار سالنه خواهد پیوست. موسسه فرهنگی - تبلیغاتی «بهمن سبز» حوزه هنری در ادامه نهضت سینماسازی خود از ابتدای مهرماه ۹۸ کار بازسازی سینما بهمن یکی از معروف ترین و با سابقه ترین سینماهای شهر تهران را آغاز کرد. این سینما که در ۲ سالن و با ظرفیت ۱۱۷۰ صندلی در سال ۱۳۴۴ در میدان انقلاب تهران و در مجاورت دانشگاه تهران تأسیس شد، از ابتدای انقلاب اسلامی تحت مدیریت حوزه هنری به نمایش فیلم های سینمایی می پرداخت. «سینما بهمن» که مرکزیت آن در شهر، طی سال ها آن را به سینمایی در

آن به شش سالن سینمایی مجزا گفت: یکی از سالن های پردیس سینمایی ارومیه با آخرین امکانات موجود به صورت حرفه ای به «سینمای کودک» اختصاص دارد. احد هوشمند قریه باغ افزود: فضا سازی محیط سینما کودک بر اساس معیارهای دنیای کودکان، صندلی های ویژه کودک، در کنار امکانات رفاهی و اکران فیلم های سینمایی کودکان با سیستم های صوتی و تصویری به روز جهان، خاطرات خوش و به یادماندنی را در این محیط برای کودکان و والدینشان بر جا می گذارد.

وی ادامه داد: سینمای کودک در ارومیه با همکاری حوزه هنری آذربایجان غربی، سازمان سینمایی و موسسه بهمن سبز حوزه هنری و همچنین موسسه سینما شهر در نیمه اول سال آینده به بهره برداری می رسد و کودکان می توانند از این امکانات بهره مند شوند.

سینما کودک یکی از مهم ترین، سودآورترین و پرمخاطب ترین بخش های سینما در جهان است که تولید سالانه صدها فیلم در کشورهای مختلف به این حوزه اختصاص دارد و علاوه بر زیبایی ها و معیارهای خاص خود، بسیاری از حکومت ها در کشورهای مختلف جهان در راستای تربیت نسل آینده جامعه بر روی این بخش از تولیدات سینمایی سرمایه گذاری های ویژه ای را انجام می دهند.



احداث «سینمای تخصصی کودک» در ارومیه

رئیس حوزه هنری آذربایجان غربی در نشست خبری بازسازی سینماهای آذربایجان غربی از احداث سینمای تخصصی کودک در پردیس سینمایی ارومیه و بهره برداری از آن در سال آینده خبر داد.

رئیس حوزه هنری آذربایجان غربی در این نشست که روز دوشنبه ۲۱ مهرماه برگزار شد، با تاکید بر احداث پردیس سینمایی ارومیه در محل سینما آزادی این شهرستان و تبدیل



سالن سازی و خروج سینما از رکود

فرهاد بشارتی (بازیگر)

تعداد سینماهای کشور در سالهای اخیر افزایش یافته و سینماهای مدرنی به چرخه سینماها افزوده شده که اتفاقا خیلی هم کمک کرده به افزایش فروش محصولات سینمایی؛ شما در نظر بگیرید که بخش عمده فروش سینماهای پایتخت در پردیسهای مدرن است و این، معنایی دارد جز آن که مخاطب روزگار ما دوست دارد بهش احترام گذاشته شود و سالن هایی مجهز برای فیلم دیدنش فراهم شود.

با همه تلاش هایی که در زمینه سالن سازی صورت گرفته همچنان در شهرستانها سینمای خوب کم داریم و به نسبت کل جمعیت ایران که هشتاد میلیون نفری می شود و از آن سو به نسبت حجم بالای تولیدات سینمای ایران، همچنان سالنها پیمان، کافی نیست و باید به سمتی برویم که تعداد سینماها بالا برود.

باید در کنار ساخت پردیسهای مدرن، سینماهای مترو که تهران و شهرستانها احیا شوند تا در موقع اکران فیلم ها دچار کمبود سالن نشویم و فیلم های تولید شده در نوبت اکران نمانند؛ ارگان هایی مانند بهمن سبز حوزه و سینما شهر که سینما سازی را پیگیری می کنند باید روز بروز پر تلاش تر ظاهر شوند تا این خلاء سینما در کشور به طور کامل حل شود. در نوبت ماندن فیلم ها به دلیل کمبود سالن ممکن است باعث شود که قصه فیلم دچار انقضای تاریخ مصرف شود و سرمایه تهیه کننده را کد بماند و در نهایت در زمان اکران فروش خوبی نداشته باشد و استقبال خوبی از آن نشود.

باید تسهیلات و تمهیداتی که شرکتهای توسعه دهنده سینماها دارند، افزایش داده شود تا سینما داران قدیم هم فکر احیای سالن های خویش و مجهز کردن سالن ها با تجهیزات جدید و بهروز دنیا باشند. در این صورت است که تولیدات سینما به موقع اکران می شوند و تهیه کننده و سرمایه گذار، سرمایه شان از رکود خارج می شود و رغبت برای تولیدات جدید پیدا می کنند و این چرخه ادامه دار خواهد شد.

در سالن سازی بد نیست به سمت احداث سالن های ویژه اقشار مختلف جامعه برویم. کودکان از جمله مخاطبان سینماها هستند که نیاز به سینماهای مخصوص خود دارند؛ البته تلاش هایی در این باره توسط حوزه در پردیس هایی مثل ساحل اصفهان و اخیرا ارومیه انجام شده که باید توسعه یابد و دیگر ارگان های متولی سینمای ایران نیز به سمت احداث سالن های مخصوص کودکان بروند. سالمندان از دیگر اقشاری هستند که سالن مخصوص به خود نیاز دارند چون مشکلات حرکتی آنها و شرایط روحی شان ممکن است طوری باشد که نتوانند از سینماهای معمول استفاده کنند پس چه خوب است که در سالن سازی این قشر جامعه هم لحاظ شود.

آغاز به کار سالن شماره ۲ سینما «سپهر» ساری

سالن فوقانی سینما «سپهر» ساری به همت موسسه «بهمن سبز حوزه هنری» بازسازی و از امروز رسماً، آغاز به کار می کند.

به گزارش روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری، سیدعلی سیدپور گلنشینی، مدیر امور سینمایی حوزه هنری مازندران سینما سپهر ساری با اعلام این خبر افزود: سالن دوم سینما «سپهر» ساری که در طبقه فوقانی این سینما واقع است به طور کامل بازسازی شد. این سالن به ۶۲ صندلی VIP، سیستم دیجیتال و لیزر مجهز شده است.

به گفته وی، سالن اصلی سینما «سپهر» ساری ۱۰۰۰ نفر ظرفیت دارد و دومین سینمای هزار صندلی حوزه هنری است. این سالن در سال ۸۵ بازسازی شد و قرار است بزودی به همت موسسه «بهمن سبز» به دوسال مجزا تبدیل شود.

سیدپور، ضمن اعلام خبر احداث دومین سالن نمایش در طبقه فوقانی سینما سپهر ساری خاطر نشان ساخت: همه ی مادر مقابل فضای فرهنگی پیرامونی خود حساس و مسئول هستیم و سینما بعنوان یکی از مظاهر فرهنگی و از ابزارهای مؤثر هنری است و حمایت آن یک الزام همگانیست، رجوع انبوه مخاطبان علاقمند از شهرهای قائمشهر، کیاسر، زیراب، سوادکوه، نکا، جویبار، شهرستان سیمرغ و... به سینما سپهر و همچنین رغبت اهالی فرهنگ دوست و حامی هنر هفتم شهرستان ساری به سینما را دلیلی برای افزایش و توسعه سالن های نمایش سینما سپهر عنوان کرد.

وی ادامه داد: موسسه «بهمن سبز» تلاش مجدانه ای در امر افزایش سرانه سینما در کشور دارد چرا که سینما در گاهی مهم در اشاعه آیین و فرهنگ یک ملت است. تلاش ما برای تحقق اهدافمان در موسسه بهمن سبز برای بازسازی و ساخت سالن های تازه با وجود مشکلات اقتصادی همچنان ادامه دارد. سینماهای این موسسه با این بازسازی ها و نوسازی ها، کیفیت بهتری از خدمات را به علاقه مندان سینما عرضه می کنند.

مدیریت امور سینمایی استان مازندران، در پایان با تشکر از همراهی مخاطبان خود، از آغاز بهره برداری دومین سالن سینما سپهر ساری از امروز خبر داد.

سینما «سپهر» ساری در استقبال مخاطب و فروش، جزو ۵ سینمای برتر حوزه هنری در سطح کشور است.



نشست مسئولان «بهمن سبز» و حوزه هنری آذربایجان غربی

مدیرعامل موسسه «بهمن سبز» حوزه هنری در نشستی با رئیس حوزه هنری آذربایجان غربی در ارومیه گفت: حوزه هنری از دستگاه‌های فرهنگی پر تلاش و با معیار در کشور است و سینماهای فرسوده در شأن و جایگاه حوزه هنری نیستند و باید بر اساس نیاز روز بازسازی شوند.

سیدمصطفی حسینی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره بر همراهی مسئولان استان آذربایجان غربی در بازسازی سینماهای فرسوده این استان و احداث «پردیس سینمایی» در شهرستان ارومیه اظهار داشت: اصفهان امروز ۵۰ پرده سینما در حال اکران دارد که حاصل همراهی و همکاری مسئولان این استان با موسسه «بهمن سبز» است که این مسئله در آذربایجان غربی نیز دور از انتظار نیست.

رئیس حوزه هنری آذربایجان غربی نیز در این نشست طی سخنانی با اشاره به وضعیت سینماهای موجود در آذربایجان غربی و لزوم بازسازی بافت‌های فرسوده این اماکن فرهنگی در مرکز، جنوب و شمال استان، بر نگاه مثبت استاندار آذربایجان غربی و شخص شهردار و اعضای شورای اسلامی ارومیه و احداث «پردیس سینمایی» در شهرستان ارومیه تأکید کرد. احد هوشمند قره باغ در ادامه سخنان خود با اشاره به مکاتبات و جلسات صورت گرفته در خصوص وضعیت سینماهای استان طی سال‌های گذشته افزود: انتظار می‌رود موسسه «بهمن سبز» حوزه هنری به عنوان یکی از ارکان اصلی بازسازی سینماهای کشور به استان آذربایجان غربی همانند سایر استان‌ها نگاه ویژه‌ای داشته باشد و قدم‌های محکم‌تری را در بازسازی سینماها و احداث پردیس سینمایی در ارومیه که حق مسلم مردم این دیار است بردارد.

شایان ذکر است استان آذربایجان غربی از استان‌های پیش‌تاز در هنر سینمایی کشور به خصوص در حوزه تولید آثار سینمایی و سینماداری است که در دوران نه چندان دور دارای ۱۹ باب سینمای فعال بود که از این تعداد سینما امروز فقط سه سینما فرسوده با بیش از ۶۰ سال قدمت در شهرستان ارومیه فعال می‌باشند که تحت نظارت حوزه هنری به فعالیت خود ادامه می‌دهند.



«سینما ایران» ارومیه دو سالنه می‌شود

کوچک‌تر تبدیل شود. وی شرح داد: این سالن به همراه بالکن آن مجهز به ۵۰۰ صندلی کاملاً استاندارد می‌شود که در حال حاضر مراحل کف‌سازی آن شروع شده و پیش‌بینی می‌شود تا آبان ماه به اتمام برسد. وی ادامه داد: همچنین، تجهیز سیستم پخش و صوت، پرده اکران، میلمان و دکوراسیون لابی، مسیر خروج و... از دیگر اقداماتی است که در این مرحله از بازسازی انجام خواهد شد و در کل تلاش کردیم که کلیت فضا را از یک سینمای کهنه و مستهلک به سینمایی کاملاً مدرن و لوکس تبدیل کنیم.

وی همچنین، عنوان کرد: در کنار این بازسازی و به‌سازی، احداث یک سالن بسیار مجهز و کاملاً استاندارد ۴۵ نفری هم در دستور کار ما قرار دارد که تا کنون ۶۰ درصد مراحل آن پیش‌رفته و انشالله تا یک ماه دیگر آماده بهره‌برداری می‌شود. یکانی درباره گزارش هزینه‌های این پروژه گفت: از آنجایی که مرحله به مرحله کار را پیش بردیم هنوز جمع‌دقیقی از مبالغ ارائه نشده و موسسه بهمن سبز بعد از اتمام کار هزینه‌های برآورد شده و خرج شده آن را ارائه خواهد داد.

وی در پایان تأکید کرد: ولی به هر حال مشکل کمبود سالن در استان آذربایجان غربی یک مشکل جدی است که انشالله با همت و حمایت‌های همیشگی سازمان سینمایی حوزه هنری و به همت موسسه بهمن سبز در راستای بهبود این وضعیت قدم‌های جدی بر می‌داریم.

با همکاری سازمان سینمایی حوزه هنری، موسسه بهمن سبز و سینما شهر، سالن اول سینما ایران تبدیل به یک سالن ۵۰۰ نفره کاملاً مدرن و مجهز می‌شود و همچنین یک سالن ۴۵ نفره استاندارد دو جدید به طبقه اول مجموعه اضافه می‌شود.

مسعود یکانی مدیر امور سینمایی حوزه هنری استان آذربایجان غربی اعلام کرد: ما در سطح استان آذربایجان غربی ۱۲ سالن سینما داریم که مالکیت آنها با حوزه هنری است و از بین اینها فقط سه سالن فعال در مرکز استان یعنی شهر ارومیه داریم که شامل سالن‌های «سینما انقلاب» با ۶۰۰ نفر ظرفیت و سالن‌های «سینما ایران» و «سینما آزادی» با ۷۵۰ نفر ظرفیت است.

وی افزود: ما در شهرهای اشنویه، سلماس، شاهین دژ، نقده، ماکو و خوی هم سالن‌های سینمایی داریم که غیرفعال بوده و فعلاً بلااستفاده هستند و سینما فرهنگ ارومیه در حال حاضر محل اداری حوزه هنری استان آذربایجان غربی می‌باشد و کارکرد سینمایی ندارد.

یکانی درباره بازسازی سینما «ایران» ارومیه توضیح داد: این سینما در سال ۱۳۳۰ ساخته شده و از قدیمی‌ترین و پرمخاطب‌ترین سینماهای ارومیه بوده که تحت مدیریت حوزه هنری است و اکنون با همت و اراده حوزه هنری و موسسه بهمن سبز و مسئولین استانی و سینماشهر قرار است سالن قدیمی آن به دو سالن شامل: یک سالن ۵۰۰ نفره مجهز و مدرن و لوکس و VIP و یک سالن



در هشتمین نشست از سلسله نشست‌های
«فیلمنامه فیلم» عنوان شد

چرا ما در ایران سینمای اقتباسی نداریم؟

سیدرضا اورنگ مدرس و منتقد سینما در این خصوص گفت: فیلم سینمایی «دزد کتاب» فیلمی بسیار جذاب و دلنشین است و شخصیت به یادماندنی را به تصویر کشیده است. مرگ به عنوان راوی قصه را تعریف می‌کند. ما در ادبیات واژه‌ای به نام براثت استدلال داریم که در هنر به معنای تعریفی از قصه است و مخاطب را برای آنچه که قرار است اتفاق افتد آماده می‌کند. برای مثال در شاهنامه فردوسی در داستان رستم و سهراب با یک تراژدی ناراحت کننده روبرو هستیم. در این قصه ما با مرگ آماده اتفاق جدیدی هستیم.

وی افزود: فیلمنامه نویس باید به جزئیات دقت بسیار کند در این فیلم هم جزئیات بسیار مهم بوده و سینما را با جزئیات به اوج می‌رساند. در واقع کلیات جایگاهی در این عرصه ندارد و جذابیت آن به بیان شرح و حال زندگی است. در سینما و فیلمنامه نویسی ایران کمتر به شخصیت پردازی پرداخته می‌شود چرا که اگر اصولی انجام شود فیلم بسیار جذاب می‌شود.

اورنگ خاطرنشان کرد: قصه از رفتار و زبان شخصیت‌ها باورپذیر می‌شود. اگر این شخصیت‌ها نباشند جذابیتی برای فیلم نمی‌ماند. در واقع اتفاقاتی رقم می‌خورد که ما دوست داریم. فردی مهربان که به یک بچه کمک می‌کند. فکر می‌کنند برای به دست آوردن یک شخصیت جذاب باید خیلی تلاش کرد اما اصلاً اینگونه نیست. شما اگر بر خورد اول فرانس را با این دختر دیده باشید که با مهربانی او را اعلی حضرت صدا می‌کند ما ناخودآگاه از فرانس خوشمان می‌آید فرانس برای ما یک شخصیت جذاب می‌شود باز را را یک شخصیت بی‌رحم می‌بینم که در طول داستان تغییر می‌کند.

هشتمین برنامه از سلسله نشست‌های «فیلمنامه فیلم» حوزه هنری، با موضوع نقد و بررسی فیلم سینمایی «دزد کتاب» به کارگردانی برایان پرسپوال در سالن اوستا حوزه هنری برگزار شد. هشتمین قسمت از سلسله نشست‌های «فیلمنامه فیلم» حوزه هنری، با نقد و بررسی فیلم سینمایی «دزد کتاب» به کارگردانی برایان پرسپوال و نویسندگی مایکل پترونی در سالن اوستا حوزه هنری برگزار و همزمان با اکران فیلم، سیدرضا اورنگ مدرس و منتقد سینما، به نقد و بررسی این فیلمنامه پرداخت. فیلم «دزد کتاب» که بر اساس رمانی پر فروش و موفق به همین نام اثر مارکوس زوساک نویسنده اترالیایی ساخته شده است دومین اثر هالیوودی است.

وی عنوان کرد: هانس وقتی که برای جنگ می‌رود شما محبت رزا را نسبت به او می‌بینید. بنابراین ما باید با تصویر همه چیز را نشان دهیم، اینجا دو صحنه به شما نشان می‌دهد که عمق محبت رزا به هانس را درک می‌کنید، آیا این اتفاق از دیالوگ قابل اقتباس است؟ وظیفه فیلمنامه نویس این است چیزی که به تصویر کشیده می‌شود را بنویسد، مگر می‌شود بدون تصویر عمق محبت رزا را به هانس نشان داد در حالی که اینها در تصویر درآمده است.

این منتقد سینما اظهار داشت: در فیلمنامه شخصیت و شخصیت پردازی خیلی مهم است و اگر شخصیت نداشته باشید نمی‌توانید قصه را تعریف کنید. شخصیت‌ها مثل خود ما سه بعد ظاهری، درونی یا عاطفی و اجتماعی دارند و شما هر سه بعد فرانس را به راحتی در فیلم دیدید، اول قصه وقتی دختر کتابی را بر می‌دارد نشان می‌دهد که او به کتاب علاقه دارد در حالی که بی‌سواد است و حتی نمی‌داند کتاب دستورالعمل دفن مردگان است. در ایران خودمان هم خیلی‌ها را دیدیم که کتاب‌ها را در خانه‌شان نگه می‌دارند و گاهی سواد هم ندارند.

وی ادامه داد: در برخی از فیلمنامه‌های ایرانی دیده‌ام که نوشته شده سعید در را باز می‌کند و وارد می‌شود، این سعید کیست؟ چه شکلی است؟ چطور راه می‌رود؟ نمی‌توان همه چیز را به عهده کارگردان گذاشت، دنیای کارگردان با فیلمنامه نویس متفاوت است. تعدادی از کارگردانان که فیلمنامه می‌نویسند چون قصه نویس نیستند پلان‌ها را پراکنده است که حتی در ایران هم داریم، خیلی جاها اشتباه می‌کنند که هر کارگردانی می‌تواند فیلمنامه نویس خوبی هم باشد، تخیلی که فیلمنامه نویس دارد هیچ وقت یک کارگردان ندارد. تمام شخصیت‌ها در این فیلم درست است که بر اساس یک کتاب است اما فیلمنامه نویس تمام آنها را به تصویر کشیده و صحنه‌هایی را خلق کرده که ما از دیدن آن لذت می‌بریم.

اورنگ در خصوص اقتباس گفت: اقتباس مبحث مهمی در فیلمنامه است، چرا ما در سینمای ایران سینمای اقتباسی نداریم، دو دلیل عمده دارد، اول اینکه کتاب‌ها و رمان‌هایی که ما داریم تصویری نیستند و حتی دیالوگی وجود ندارد، دوم اینکه اقتباس کردن برگرداندن نعل به نعل نیست، باید شخصیت‌های فردی و قصه‌های اضافه را کم کنید ولی حق ندارید به محتوای قصه دست بزنید، در این صورت کل قصه از بین می‌رود.

وی شخصیت پردازی در فیلمنامه را بسیار مهم دانست و افزود: شخصیت پردازی دارای سه بعد عاطفی و احساسی و درونی است. موضوع فیلم «دزد کتاب» در واقع عشق شخصیت دختر داستان به کتاب است. براین اساس برای جذاب کردن شخصیت‌های فیلم باید به دنبال اقدامی موثر بود که با فیلمنامه ممکن می‌شود. این در حالی است که کارگردان فیلم، تفسیر کننده فیلمنامه است و

دنیای او با فیلمنامه نویس کاملاً متفاوت است. در واقع کارگردان فاقد تخیلات فیلمنامه نویس بوده و قادر به احیای صحنه‌های جذاب فارغ از فیلمنامه نیست چرا که در قصه آدم‌ها طراحی می‌شوند ولی در فیلمنامه خلق می‌شوند.

این منتقد سینما اقتباس کردن را به معنای برگرداندن نعل به نعل نمی‌داند و عنوان کرد: در اقتباس اختیار کم کردن شخصیت‌ها و کاراکترها وجود دارد ولی حق نداریم به محتوا دست بزنیم. در شخصیت‌های فیلم هم نسبت به پایداری محتوا اقدام شده و آشنایی‌ها توسط کتاب صورت می‌گیرد در اصل جنگ در فیلم بهانه‌ای برای بیان قصه آدم‌ها است تا نهایتاً به داستان پردازی کتاب‌ها بپردازد.

وی ادامه داد: این فیلم در بیان علاقه مردم به کتابخوانی موفق بوده و منجر به کاهش ترس‌ها در شخصیت‌ها می‌شود. اگر فیلمنامه نویس به بیان سه بعد شخصیت نمی‌پرداخت داستان و مفهوم قصه نابود می‌شد. در این میان بازیگر و پرداخت به شخصیت بسیار مهم است تصور برخی افراد سینمایی در خصوص عدم توصیف شخصیت‌ها در فیلمنامه بسیار تاسف‌آور است. من معتقدم شخصیت پردازی در فیلمنامه مهمترین بخش فیلمنامه بوده و اگر شخصیت‌ها نباشند فیلمنامه بی‌اهمیت می‌شود.

اورنگ یادآور شد: کارگردان نمی‌تواند فارغ از فیلمنامه به بیان شخصیت‌ها بپردازد بلکه با توصیفات افراد و چک کردن بازیگران قادر است داستان موفق‌تری را خلق کند. بنابراین امکان نادیده گرفتن شخصیت‌های یک فیلمنامه وجود ندارد. نویسنده به دنبال نشان دادن تفکرات آدم‌ها فارغ از رنگ پوست است.

وی اذعان داشت: دوربین براساس ساختار انسان‌ها ساخته شده است پس قادر به درک حالات از این طریق هستیم این در حالی است که از تمام خاصیت‌های انسان در سینما استفاده شده است. زمان درونی و بیرونی فیلم با هم متفاوت بوده و در فیلمنامه هر شخصیت داستان خاص خود را دارد در حالی که برخی فیلم‌ها شخصیت را به راحتی حذف می‌کند. در فیلم «دزد کتاب» مرگ تعاریف مختلف و جذابی دارد. و به دلیل جذابیت پیچیده انسان مرگ موضوع مناسبی برای مخاطب محسوب می‌شود.

این منتقد سینما دیالوگ را هنر دانست و ادامه داد: حرف زدن هنر نیست. دیالوگ، دادن اطلاعات، افشای درونی شخصیت‌ها و بیان حالات است. صحنه‌های حضور نازیم به راحتی درک می‌شود و قصه به دنبال پرداختن به دنیای جنگ نیست چرا که به دنبال داستان سرائی است.

وی یادآور شد: ما عادت داریم برای اذیت آدم‌ها به بیان ماجراهای تلخ بپردازیم، اما با طراحی درست در این فیلم به دنبال راحتی مخاطب بوده‌ایم. اختیار مرگ دست خداست. شخصیت مکس نقطه عطفی

برای شکل‌گیری دیالوگ است. وقتی فیلمنامه نوشته می‌شود باید در طول فیلمنامه همه چیز رعایت شود. ساختار جز اصلی فیلمنامه است که با رعایت آن در فیلم همه شخصیت‌ها منتهی به مرگ نشوند.

وی افزود: جانبداری فیلمنامه از یک عقیده ارزش آن را کاهش نمی‌دهد. بحث کمونیسم است و نه عقیده چرا که سیاهپوستان را نیز درگیر کرده است. این‌ها نمونه‌ای از عقاید است و طرز فکر و اندیشه خاصی را نشان نمی‌دهد.

اورنگ عنوان کرد: داستان‌های اقتباسی وجود دارد اما محدود است. کشورهای دیگر یاد گرفته‌اند مردم به دنبال تصویر هستند که ۸۰ درصد فیلم‌های هالیوودی اقتباس است و شخصیت‌ها توصیف می‌شود. در قصه باید توصیفات برای خواننده تداعی شود ولی در فیلمنامه باید عکس‌العمل‌ها به تصویر کشیده شود.

در بیشتر فیلم‌ها هالیوودی چند نویسنده به بیان جزئیات می‌پردازند اما در ایران این اتفاق نمی‌افتد. ما در سینما به دنبال اتفاق هستیم که متأسفانه کمتر رخ می‌دهد. وقتی قصه و شخصیت‌ها جذاب باشد به مابقی جزئیات فکر نمی‌شود.

شایان ذکر است برنامه سینماپاتوق حوزه هنری به منظور توسعه تعامل سینماگران، حمایت از فیلمسازان جوان و گسترش مراودات بین‌اهالی رسانه و هنرمندان و بسترسازی برای معرفی بهتر محصولات سینمای ایران زیر نظر روابط عمومی و امور محافل سازمان سینمایی حوزه هنری ایجاد شده است.

در برخی از فیلمنامه‌های

ایرانی دیده‌ام

که نوشته شده

سعید در را باز می‌کند و وارد

می‌شود،

این سعید کیست؟

چه شکلی است؟

چطور راه می‌رود؟

نمی‌توان همه چیز را به عهده

کارگردان گذاشت،

دنیای کارگردان

با فیلمنامه نویس

متفاوت

است

حضور در

بیش از ۱۰۰ جشنواره بین‌المللی

نگاهی به عملکرد واحد بین‌الملل و بازرگانی سازمان سینمایی حوزه هنری

حضور و نمایش فیلم‌ها در بیش از ۱۰۰ جشنواره بین‌المللی، حضور چشمگیر داخلی و انجام قراردادهای پخش و بازرگانی در رابطه با بسیاری از فیلم‌ها از مهم‌ترین سرفصل‌های عملکرد واحد بین‌الملل و بازرگانی موسسه سینمای مهر در شش ماه نخست سال ۱۳۹۸ بوده است. فعالیت‌های واحد بین‌الملل بر روی تولیدات جدید از جمله فیلم‌های سینمایی «ایده اصلی» (به کارگردانی آریتا مگوگی) و «زمانی یک زن» (اثر جلیل اکبری صحت)، فیلم‌های مستند «خانه‌ای برای تو» (به کارگردانی مهدی بخشی مقدم)، «دیلگ» (اثر مشترک عباس رفیعی و صفی اله حسینی)، فیلم کوتاه «کاپیتان ۲۲» (ساخته آرمان قلی پور دشتکی)، انیمیشن کوتاه «آخرین ماهی» (اثر محمود صائمین) و همچنین معرفی انیمیشن بلند «لوپتو» (اثر عباس عسکری) به همراه تولیدات سال گذشته و چند سال اخیر می‌باشد. فعالیت‌های این واحد عموماً بر روی معرفی تولیدات به جشنواره‌های خارجی و داخلی و بازاریابی جهت فروش این تولیدات به سرتاسر جهان و همچنین داخل ایران است. در عملکرد این بخش می‌توان به حضور در جشنواره‌های خارجی اشاره کرد که در ۶ ماه اول سال ۱۳۹۸ ثبت‌نام فیلم‌ها در بیش از ۱۰۰ جشنواره بین‌المللی انجام پذیرفته و فهرست آثار پذیرفته شده و جوایز دریافتی به شرح زیر است:



- ۱- انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره انیمیشن ریورساید - آمریکا (۵ الی ۶ آپریل ۲۰۱۹)
- ۲- فیلم سینمایی «اسکی باز» در جشنواره ایرانیان زوریخ - سوئیس (۲۸ مارچ الی ۳ آپریل ۲۰۱۸)
- ۳- انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره گلاس - آمریکا (۲۱ الی ۲۴ مارس ۲۰۱۹)
- ۴- انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره درسدن - آلمان (۹ الی ۱۴ آپریل ۲۰۱۹)
- ۵- انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره انیمیشن اسکپتو - ایتالیا (۳ الی ۶ آپریل ۲۰۱۹) / جایزه بهترین فیلم
- ۶- انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره انیمیشن انی موج - لهستان (۷ الی ۱۳ مارچ ۲۰۱۹)
- ۷- انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره انیمیشن انیماکوم - اسپانیا (۲ الی ۸ آپریل ۲۰۱۹)
- ۸- انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره مدیابوو - آمریکا (۳۰ آپریل الی ۴ می ۲۰۱۹)
- ۹- مستند «خانه‌ای برای تو» در بخش رقابتی جشنواره کراکف - لهستان (۲۶ می الی ۲ جون)
- ۱۰- انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره شورت شورت - ژاپن (۲۹ می الی ۱۶ جون ۲۰۱۹)
- ۱۱- انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره ان آرپور - آمریکا (۲۶ الی ۳۱ مارچ ۲۰۱۹)
- ۱۲- انیمیشن کوتاه «تحریف یک پیام» در جشنواره اکوزین - اسپانیا (۹ الی ۱۸ می ۲۰۱۹)
- ۱۳- فیلم سینمایی «سرو زیر آب» در جشنواره دوربان - آفریقای جنوبی (۱۸ الی ۲۸ جولای ۲۰۱۹)
- ۱۴- حضور انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» و «تحریف یک پیام» در جشنواره رچینا - کانادا (۱۳ الی ۱۷ آگوست ۲۰۱۹)
- ۱۵- فیلم سینمایی «اسکی باز» در جشنواره زنگبار - تانزانیا (۶ الی ۱۴ جولای ۲۰۱۹) / جایزه نقره‌ای دهبو
- ۱۶- انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره کارتون سنول - کره جنوبی (۱۷ الی ۲۱ جولای ۲۰۱۹)
- ۱۷- انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره انیمیشن انیماریو - اسپانیا (۲۶ الی ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۹)
- ۱۸- نمایش دو فیلم سینمایی «سرو زیر آب» و «دایان» در بیست و هفتمین دوره جشنواره Love is Folly - بلغارستان (۲۳ آگوست الی ۱ سپتامبر ۲۰۱۹)
- ۱۹- حضور انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره برداسکرین - آمریکا (۴ الی ۹ سپتامبر ۲۰۱۹)
- ۲۰- حضور فیلم سینمایی «دایان» در بخش رقابتی هفتمین دوره جشنواره دهوک - کردستان عراق (۹ الی ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۹)
- ۲۱- مستند «دیلگ» و انیمیشن کوتاه «آخرین ماهی» در جشنواره میزوبوتامیا - هلند (۱۳ الی ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹)
- ۲۲- انیمیشن کوتاه «آخرین ماهی» در جشنواره موون دنس - آمریکا (۱۵ سپتامبر ۲۰۱۹)
- ۲۳- انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره انیمیشن ایندی انی فست ایژیا رود - کره جنوبی (۱۹ الی ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۹)

نقدی قرارداد فروش حق پخش تلویزیونی انیمیشن «آقای گوزن» به شبکه آرته -فرانسه، فروش ۴ عنوان از سریال‌های انیمیشن «فان فارم»، «بابی لو»، «بیگی» و «روزو» به تاتارستان روسیه -از طریق نماینده فروش (کمپانی اچ کالچر)، فروش حق پخش فیلم سینمایی «۲۱ روز بعد» به تاتارستان روسیه، مذاکره جهت فروش فیلم‌های کوتاه و مستند به دو کمپانی در ایتالیا، جمع آوری و به روزرسانی اطلاعات شرکت‌های تولید، پخش و خریداران کشور چین +ارسال ایمیل معرفی موسسه و تولیدات، جمع آوری و به روزرسانی اطلاعات شرکت‌های تولید و پخش و خریداران اندونزیایی +ارسال ایمیل معرفی موسسه و تولیدات و ... اشاره کرد.

از دیگر سرفصل‌های این بخش در نیمه نخست سال، شرکت در جشنواره و بازار فیلم بوده است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به شرکت در بازار فیلم جشنواره جهانی فیلم فجر -۲۹ فروردین الی ۳ اردیبهشت و بیست و دومین دوره بازار بین‌المللی فیلم و برنامه‌های تلویزیونی ایران، به عنوان یکی از بخش‌های مهم سی و هفتمین جشنواره جهانی فیلم فجر، از تاریخ ۱۳۹۸/۱/۲۹ لغایت ۱۳۹۸/۲/۳ در پردیس سینمایی چارسو، شرکت در بازار فیلم جشنواره بین‌المللی فیلم کن -۲۴ اردیبهشت الی ۴ خرداد، هفتاد و دومین جشنواره فیلم کن از چهاردهم می (۲۴ اردیبهشت) الی بیست و پنجم می (۴ خرداد) در شهر کن فرانسه برگزار شد، اشاره کرد.

این واحد نیز در این دوره از بازار بین‌المللی فیلم همچون سال‌های گذشته در طبقه Riviera شماره D10، با ۹ اثر جدید بلند، کوتاه و انیمیشن حضور داشت. در طی برگزاری این بازار، ملاقات و مذاکرات مختلفی با خریداران فیلم، مدیران و مسئولان مؤسسات توزیع و پخش بین‌المللی، شرکت‌ها و استودیوهای تولیدکننده آثار سینمایی و برگزارکنندگان جشنواره‌های معتبر بین‌المللی از کشورهایی مانند چین، ژاپن، کره جنوبی، فرانسه، سنگاپور، هند، انگلیس، رومانی، آلبانی، آمریکا، اسپانیا، مقدونیه اتریش، آلمان، قزاقستان و ... در محل غرفه موسسه سوره سینمای مهر به‌منظور گسترش روابط فرهنگی، برگزار شد.

حضور در جشنواره بین‌المللی کودک اصفهان از دیگر فعالیت‌های جشنواره این واحد بود که به مدت دو روز (طی روزهای ۲۹ و ۳۰ مرداد ماه) در جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان اصفهان شرکت نمود و براساس تنظیم قرارهای ملاقات از قبل، ملاقات‌هایی جهت فروش و معرفی تولیدات با مدعوین خارجی جشنواره در هتل کوثر (اقامتگاه میهمانان و دفتر جشنواره) انجام پذیرفت.

واحد تبلیغات نیز با اقداماتی از جمله راه اندازی صفحه توییتر بخش بین‌الملل و فعالسازی صفحه فیس بوک این بخش، بارگزاری اخبار جدید رویدادها، اکران آثار در جشنواره‌های مختلف و حضور در بازارهای بین‌المللی در سایت بخش بین‌الملل، تلگرام، لینکدین، اینستاگرام، بله، ایتا، سروش، توییتر و فیسبوک، طراحی و آماده سازی لاین آپ ۲۰۱۹، طراحی و آماده سازی کارت‌های دسترسی به فیلمها در سایت ویمپو برای آثار جدید، آماده سازی و به روزرسانی کاتالوگ آثار و تولیدات سوره سینمایی برای ارائه در بازارهای بین‌المللی، تحقیق در خصوص بازارهای معتبر بین‌المللی تخصصی انیمیشن، طراحی و آماده سازی بروشور آثار جدید، به روزرسانی سایت بخش بین‌الملل www.sourehcinema.org، برنامه ریزی اولیه برای گردآوری و بازاریابی انیمیشن‌های تولید شده خارج از مرکز انیمیشن، جمع آوری و تکمیل لیست اطلاعات جشنواره‌های انیمیشن بین‌المللی، مرتب سازی و به روزرسانی جدول اطلاعات جشنواره‌ای آثار، تدوین جدول کامل اطلاعات آثار بخش بین‌الملل، نیمه نخست سال را رپار آغاز کرده است.



حضور در جشنواره‌های داخلی از جمله: انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» در جشنواره‌های نماز و نیایش به روایت دوربین -قم (۹-۱۲ اردیبهشت ۹۸)، جشنواره بین‌المللی فیلم شهر-تهران (۲۶-۳۱ تیر ۹۸)، جشنواره بین‌المللی هنر برای صلح (شهریور ۹۸) را می‌توان از عملکردهای مفید این بخش در نیمه اول سال دانست. همچنین بخش بازرگانی و فروش داخلی موسسه سوره سینمای مهر فعالیت‌های مهمی از جمله: قرارداد واگذاری حق پخش VOD تولیدات سوره به موسسه نوا کامکار ماندگار (نواک)، انجام تمدید قرارداد ۸ عنوان از فیلم‌های سینمایی با صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران «چشم شیشه‌ای»، «مرزی برای زندگی»، «دل خون»، «سیب و سلما»، «آخرین شناسایی»، «زنگ‌ها»، «بدوک»، «شکار شکارچی» و «آدم برفی» انجام مذاکره جهت فروش فیلم سینمایی «سرو زیر آب» و مستند «متولد آذر» به صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، پیگیری قرارهای تولید مشترک با کارگردان پروژه انیمیشن سینمایی یوز و طراحی و آماده سازی پوستر این انیمیشن و ... را در کارنامه نیمه نخست سال ۱۳۹۸ دارد.

فروش خارجی این بخش نیز با موفقیت چشم‌گیری همراه بوده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به فروش حق پخش VOD فیلم سینمایی «۲۱ روز بعد» به کمپانی یونایتد مدیا - کره جنوبی، فروش حق پخش سینمایی انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» به کشور فرانسه، فروش حق پخش فیلم سینمایی «اسکی باز» به کشور یونان، هماهنگی جهت دریافت جایزه نقدی و تندیس جشنواره کیندر کینوی آلمان برای فیلم سینمایی «۲۱ روز بعد» و تحویل به کارگردان فیلم (دریافت جایزه مربوط به سال گذشته)، هماهنگی جهت دریافت حق پخش نمایش جشنواره‌ای فیلم سینمایی «اسکی باز» از جشنواره IFI ایرلند (مربوط به نمایش در سال گذشته)، هماهنگی جهت دریافت جایزه جشنواره اسکیتوی ایتالیا برای انیمیشن کوتاه «آقای گوزن» و تحویل به کارگردان فیلم، هماهنگی جهت دریافت وجه



کتاب «پیاده آمده‌ام» مجموعه عکس‌های سید احسان باقری از پیاده روی میلیونی زوار امام حسین (ع) در اربعین حسینی است که از سوی انتشارات سوره مهر چاپ و منتشر شده است.

«پیاده آمده‌ام» روایت مصور چند قطعه صدف از دریای اربعین است؛ هر چند توصیف زیارت اربعین محال است! نه با زبان، نه با عکس، نه با فیلم و نه با هیچ چیز دیگر. حضور در این رود متلاطم تا رسیدن به دریای کربلا، سفری است که تا تجربه نکنی، دریافتی از آن نخواهی داشت و البته هر سفر با سفر قبل متفاوت است.

این کتاب با هدف نمایش عظمت پیاده روی خیل مشتاقان زیارت اربعین منتشر شده است. کلیه گردآوردندگان و تولیدکنندگان این اثر به تمنای ثبت شدن در فهرست خادمان آستان ابا عبدالله الحسین علیه السلام، به صورت افتخاری آن را به سرانجام رسانده‌اند. این عکس‌ها در فاصله زمانی ۶ سال و از اربعین ۸۷ تا اربعین ۹۳ گرفته شده است.

در مقدمه کتاب نیز آمده است: «آرزوی زیارت امام حسین علیه السلام در کربلا یکی از آرزوهای کودکی ما بود. راه کربلا در طول تاریخ، از حضرت آدم تا به امروز همیشه باز بوده است ممان زائر. اما در معنای قراردادی انسان از زمان، گاهی بسته بوده است و آرزوی زیارت کربلا به جای آن نشسته است. در سال‌های نوجوانی با یک دنیا آرزوی زیارت امام حسین علیه السلام، پای منبر یکی از علما، سخنی از ایشان مرا مجذوب زیارت اربعین کرد! ایشان از قول پدرشان که از علمای بزرگ تبریز بودند نقل می‌کردند: برای زیارت اربعین پاداشی است که برای هیچ عملی وعده داده نشده است، زائر اربعین عاقبت به خیر

می‌شود! و من که عاقبت به خیری را بالاترین هدیه الهی به انسان می‌دانستم حالا دو آرزو داشتم: زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین و این دو آرزو مصادف شد با باز شدن مجدد مسیر کربلا بعد از سقوط صدام که مدت‌ها در خفا انجام می‌شد.

۲۵ فروردین ۱۳۸۳ همزمان با اربعین حسینی پس از ساعت‌ها معطلی پشت مرز مهران با یک کاروان حج و زیارت، راهی سفر اربعین شدم. موکب‌ها با فواصل چند کیلومتری و امکانات بسیار محدود اما با همان شوق‌پذیری از زائر ابا عبدا... برپا بودند. کربلا نیز در روز اربعین آنقدر خلوت بود که صبح تا ظهر اربعین ضریح نورانی اربابمان را در آغوش گرفته بودم. یادم است که بیشترین دعایم توفیق زیارت مجدد امام حسین خصوصا در روز اربعین بود. تا امسال ۷ بار توفیق زیارت امام حسین علیه السلام نصیب این آرزومند عاقبت به خیری شده که ۵ بار آن در روز اربعین بوده است. و این سفر هر سال با سال‌های قبل چه فرق‌ها که نمی‌کند! از تعداد و تنوع زائران گرفته تا رشد فزاینده موکب‌ها تا حدی که دیگر کمتر فضای خالی در جاده‌های منتهی به کربلا خصوصا جاده نجف-کربلا به چشم می‌خورد. و چه معجزات و کرامات و قصه‌ها

که در این سفرها ندیده و نشنیده‌ام. و چه رنج‌ها و خوشی‌ها که مرا به وجد نیاورده است.

توصیف زیارت اربعین محال است! نه با زبان، نه با عکس، نه با فیلم و نه با هیچ چیز دیگر. حضور در این رود متلاطم تا رسیدن به دریای کربلا، سفری است که تا تجربه نکنی، دریافتی از آن نخواهی داشت و البته هر سفر با سفر قبل متفاوت است.

دوربین، در این سفر مبهوت است و به درستی وظیفه‌اش را انجام نمی‌دهد. با علم به این حقیقت، حداقل زکات توفیق این سفر را برای خود، آوردن سوغات چند قطعه عکس و روایتگری سفر نورانی زیارت اربعین می‌دانستم. این عکس‌ها چند قطعه صدف است که از کنار دریایی پر از رمز و راز و اعجاب و شگفتی، سوغات آورده شده است. دیدن آن دریا را توصیه می‌کنم.

لازم به ذکر است کتاب «پیاده آمده‌ام» با کاغذ گلاسه رنگی و در قطع خشتی و حجم ۱۸۰ صفحه منتشر شده است. در پشت جلد کتاب نیز تک بیتی از حامد حجتی به چشم می‌خورد: «پیاده آمده‌ام چله در کمان بکشم / غم غریبی‌ات ای دوست را به جان بکشم»



درباره فعالیت بانک جامع سینمای ایران از آغاز تا امروز

به دنبال جایگاه تاریخی



محدثه واعظی پور

پژوهش و تحقیق در سینمای ایران، مانند اغلب حوزه‌ها قدر و قیمت ندارد. روحیه ایرانی، بی‌علاقه‌گی به کار تیمی، بی‌توجهی به تاریخ و مسیری که پیش از ما دیگرانی آن را پیموده‌اند تعدادی از عواملی هستند که در این موضوع سهم دارند و احتمالاً صدها دلیل دیگر که باید زعمای قوم درباره آن سخن بگویند. راه اندازی بانک جامع سینمای ایران در دهه هشتاد یک اتفاق مهم بود، بلندپروازی و یک جاه‌طلبی مثبت برای ثبت تاریخ سینمای ایران، نه در کتاب‌ها و منابع مکتوب که در فضای مجازی. در روزگاری که هنوز تب رسانه‌های مجازی بالا نرفته بود، مجله‌ها خواننده داشت و هنوز می‌شد سراغ روزنامه‌نگاری را گرفت. بانک جامع با تحقیق و استفاده از آمارها و اسناد موجود در آن مقطع متولد شد و برای بسیاری از سینمادوستان، روزنامه‌نگاران و منتقدان سینمایی منبع و مرجعی قابل استناد و تقریباً موثق بود. البته مثل هر پدیده محصول دانش و تجربه بشری، بانک جامع در همان مقطع مشکل‌ها و ایرادهایی داشت، هنوز هم دارد اما بدون تعارف وجود چنین پایگاه داده‌ای آنقدر غنیمت است که کمتر باید به کاستی‌هایش خرده گرفت و بیشتر به دنبال رفع آنها در زمانی کوتاه و با هزینه‌ای مناسب بود. از آنجا که انسان کمال‌طلب است و فضای رسانه‌ای در یک دهه اخیر تغییرهای گسترده و گاه شگفت‌انگیزی داشته برای ما دوستداران بانک جامع سینمای ایران، ضرورت اصلاحات امری بدیهی است که باید به کمک متولیان بانک و سینماگران به بهترین شکل انجام شود. به دلیل گسترده‌ی فعالیت سینمای ایران، به روز کردن بانک و صفحه عوامل سینما روندی ساده ندارد. به نظر می‌رسد با وجود قدمت بانک و اعتبار آن در فضای حرفه‌ای، هنوز سیستم پشتیبانی آن، به شکلی که ضروری و لازم است پا نگرفته. برای به روز کردن یک پایگاه داده‌ای در وسعت و اندازه بانک نیروهای تمام وقت، با انگیزه و پیگیر باید دائم در حال رصد کردن اتفاق‌های سینمای ایران باشند. پوشش رویدادها، تولیدات، جوایز و ... آنقدر وسیع و دشوار است که یک تیم می‌تواند همسو با این رخدادها صفحات را به روز کنند. بعضی صفحه‌ها درباره تعدادی از بازیگران (گیریم جوانترها یا کم کارها) مدتهاست به روز نشده، تصاویر قدیمی از بازیگران یا عوامل باید تغییر کنند، اشتباههایی که بر اثر تشابه اسمی به وجود آمده و از آغاز تا امروز تصحیح نشده قطعاً باید رفع شوند. بانک جامع سینمای ایران، به عنوان یک مرجع رسمی اطلاعات و آمار که به نهادی بزرگ و نام‌دار (حوزه هنری) وابسته است، باید معتبر و بدون ایراد باشد. بیش از یک دهه از فعالیت این پایگاه گذشته و هیچ نهاد و ارگانی، در این حوزه ورود نکرده و وسوسه نشده که دست کم برای کم اعتبار کردن بانک جامع هم شده، نوآوری و ابداعی در این زمینه داشته باشد. با وجود پیشرفت در فناوری و گسترش رسانه‌هایی که در فضای مجازی تنفس می‌کنند، بانک جامع هنوز یگانه و بی‌رقیب است. نمونه‌های مشابه اندک، بیشتر کپی‌برداری از بانک هستند و نمی‌توان آنها را رقیبی جدی، موثر و کاربردی دانست. این موقعیت منحصر به فرد برای سازمان سینمایی حوزه هنری موقعیتی فراهم می‌کند تا مرکز توجه و محل مراجعه باشد. آنهم در بین اقشار دانشجو، پژوهشگران، روزنامه‌نگاران، منتقدان و در یک کلام بخش نخبه سینما و فرهنگ ایران. امتیازی که برای هر نهاد هنری و فرهنگی، برگ برنده محسوب می‌شود. هزینه ارتقای بانک جامع بسیار محدودتر از هزینه کلانی است که ساخت یک فیلم سینمایی، تولید برنامه تلویزیونی یا تأسیس و بازسازی یک سینما برای سازمان سینمایی حوزه هنری دارد، و نتیجه آن زودبازده و سریع است. دستاورد و ثمره تبدیل شدن بانک جامع به کامل‌ترین منبع اطلاعاتی سینمای ایران، اگر از ساخت فیلم سینمایی بیشتر نباشد، کمتر نیست. پژوهش و جمع‌آوری اسناد و اطلاعات در سینمای ایران، همیشه مغفول است اما بانک جامع به عنوان پایگاهی دیرپا و معتبر می‌تواند بخشی از این کمبود را جبران کند. همان‌طور که تا کنون تنها مرجع سینماپژوهان و روزنامه‌نگاران بوده است. هدف اصلی متولیان بانک در دوران تازه فعالیت این پایگاه می‌تواند رفع نواقص و افزایش بخش‌هایی باشد که در روزگار حکمرانی رسانه‌های مجازی، کار کرد تازه پیدا کرده است.

روشنایی تاریخ!



محمدعلی حیدری

سازمان سینمایی حوزه هنری که از پیشگامان و فعالان عرصه سینماست، در راستای بسط و گسترش فرهنگ سینمایی کشور در سال ۱۳۸۲ اقدام به سازمان دهی و احداث بانک جامع اطلاعات سینمای ایران «سوره سینما» نموده که خوشبختانه علاوه بر ایجاد محیطی سالم و مفید گامی بلند در این عرصه حساس و مهم فرهنگی برداشته است. سینمای ایران با بیش از ۱۰۰ سال سابقه فیلمسازی از وجود قریب به هزاران متخصص فنی و هنری در زمینه‌های گوناگون بهره گرفته و کیفیت سینمای ایران را باید محصول تلاش‌های فنی، استعدادها و مایه‌های هنری این افراد دانست و بی‌شک گردآوری نام، مشخصات و تنظیم فهرستی از آثار و فعالیت هنرمندان و سینماگران و فعالان این عرصه یکی از ضروریات عمده در پژوهش‌های تاریخی سینمای ایران است.

این سایت تنها بانک جامع اطلاعاتی جامعه سینمایی ایران است و اطلاعات مربوط به تمام فیلم‌های سینمایی ساخته شده قبل و بعد از انقلاب در این بانک گردآوری شده است.

پژوهش حلقه مفقوده بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و سینمایی کشور است و قطعاً، تقویت و توسعه بانک اطلاعاتی سازمان سینمایی حوزه هنری که بزرگ‌ترین مرجع اطلاعاتی سینمای کشور است، می‌تواند پاسخگو و تامین‌کننده بسیاری از نیازها و ضرورت‌ها در این عرصه باشد.

محتوای این بانک شامل:

۱. تاریخچه سینمای ایران، معرفی فیلم‌های ساخته شده ایرانی به همراه کلیه اطلاعات مربوط به آنها (عوامل فیلم، مشخصات فنی، خلاصه فیلم، بیوگرافی و سوابق هنری سینماگران ایرانی) از قبل پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون است.
۲. شبکه خبری سینمای ایران و پیوند مرتبط با فیلم و افراد
۳. بزرگترین گالری عکس سینمایی (شامل عکس‌های صحنه، پشت صحنه و پوستر) برای فیلم‌ها، افراد و جشنواره‌ها.
۴. گزارش کامل از نتایج جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی و رویدادهای روز آن.
۵. امکان دسترسی به اطلاعات روز سینماهای تهران به طور کامل.
۶. بخش آرشیو عکس شامل عکس فیلم پشت صحنه فیلم و هنرمندان.

این ویژگی‌ها، ظاهر و پوسته بانک جامع سینمای ایران را نشان می‌دهند اما روح این بانک و انرژی آن، محصول فکر و تلاش دهها نفری است که در این سالها کوشیده‌اند تا چراغ این پایگاه روشن بماند. در شرایطی که بسیاری از سامانه‌ها و سایت‌ها، به مرور زمان مخاطب از دست می‌دهند و به بایگانی سپرده می‌شوند این بانک زنده و پویا باقی مانده است.

در سال‌های پیش رو، در شرایطی که فضای مجازی بر منابع مکتوب پیشی گرفته به روزرسانی بانک جامع و پویا نگه داشتن آن فراتر از یک وظیفه سازمانی است. فراتر از اتفاقی روزمره و اداری. بانک جامع امروز منبع اطلاعاتی بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران است و توجه به ارتقای کیفیت آن، می‌تواند به اعتبار حوزه هنری در تاریخ سینما بیفزاید.

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران از نگاه منتقدین و نویسندگان سینمایی

سایت بانک جامع اطلاعات سینمای ایران قدیمی ترین مرجع و موثق ترین بانک اطلاعاتی پیرامون جامعه سینمایی کشور است.

به اذعان بسیاری از سینماگران و فعالان سینمایی این گنجینه اطلاعاتی تاکنون نقش و جایگاه تأثیرگذاری در معرفی استعدادها، ارتقاء آگاهی جامعه نسبت به سینماگران، معرفی توانایی‌ها و نیازمندی‌های متقابل، اطلاعات مرتبط با مراکز فرهنگی، هنری و تشکلهای صنفی و صنوف سینمایی، شناسایی جشنواره‌های معتبر سینمایی و تأمین نیازهای اطلاعاتی پژوهشگران، محققین و نمایندگان رسانه‌های گروهی ایفا کرده است و از ظرفیت‌های بی‌بدیل در کشور است که سازمان سینمایی حوزه هنری متولی آن است.

سازمان سینمایی حوزه هنری که از پیشگامان و فعالان عرصه سینماست، در راستای بسط و گسترش فرهنگ سینمایی کشور در سال ۱۳۸۲ اقدام به سازمان دهی و احداث بانک جامع اطلاعات سینمای ایران نموده که خوشبختانه علاوه بر ایجاد محیطی سالم و مفید گامی بلند در این عرصه حساس و مهم فرهنگی برداشته است. پژوهش حلقه مفقوده بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و سینمایی کشور است و قطعاً، تقویت و توسعه بانک اطلاعاتی سازمان سینمایی حوزه هنری که بزرگ‌ترین مرجع اطلاعاتی سینمای کشور است می‌تواند پاسخگو و تأمین کننده بسیاری از نیازها و ضرورت‌ها در این عرصه باشد. سعید قطبی‌زاده از منتقدان سینمایی معتقد است بانک اطلاعات جامع سینمای ایران بهترین منبع مطمئن است.

وی می‌گوید: در فقر اطلاعاتی موجود از طرفی، و همچنین وفور اطلاعات ناقص و گاه پراشکال و آشفتگی، سایت سوره از معدود منابعی است که با اطمینان می‌توان به آن مراجعه کرد.

وی ادامه می‌دهد: این امید و انتظار وجود دارد که در شرایط آتی به دور از جناح بندی‌های سیاسی و... هم این روند ادامه داشته باشد و اطلاعات روز به روز تکمیل شده تر در اختیار مخاطبان قرار گیرد.

در همین رابطه کیوان کثیریان عضو شورای مرکزی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی می‌گوید: بانک جامع اطلاعات سینمای ایران سایت خوبی هست اما به طور طبیعی حاوی ایرادات و ضعف‌هایی نیز است که باید اصلاح شود.

به اعتقاد وی، یکی از نکات بسیار خوب سایت عدم حذف اطلاعات سینمای ایران در قبل از انقلاب است که یکی از امتیازات مهم این سایت بشمار می‌آید. این منتقد سینمایی با اشاره به اهمیت توسعه

اطلاعات این مرجع سینمای ایران یادآور می‌شود: در برخی از بیوگرافی‌ها و پرونده فیلم‌ها عکس و متن وجود ندارد که با توجه به اینکه این تصاویر در دسترس هستند می‌توان آپدیت کرد. برخی بیوگرافی‌ها بسیار کوتاه نوشته شده که باید با استفاده از کتب مرجع و سایر منابع آن را تکمیل کرد. در پرونده فیلم‌ها چون آرم سوره روی تصاویر درج شده به نظرم برای محققین و جامعه مطبوعاتی باید تدابیری گذاشته شود که عکس با کیفیت آن مورد بهره‌برداری قرار گیرد. انتظاری که از این سایت مرجع می‌رود این است که کامل تر و به روز تر شود.

جبار آذین از دیگر منتقدان سینمایی یکی از اقدام‌های زیرساختی، مرجع و تأثیرگذار و تعیین کننده در عرصه فرهنگ و هنر و سینمای کشور را ایجاد بانک اطلاعاتی در خصوص سینمای ایران می‌داند و از این منظر حرکت سوره سینما، مهم، ارزشمند و شایسته توصیف می‌کند.

وی معتقد است با توجه به نیاز سینما و سینماگران؛ و همچنین، مخاطبان به چنین مرجع، آن هم در شرایط آشفته‌گی مناسبات سینمایی، پراکندگی اخبار و اطلاعات و حتی نواقص بیشمار شبه بانکهای کنونی، اقدام دوستان سوره را راجمند و محترم بوده و می‌تواند در تبیین تاریخ کتبی و تصویری سینمای ایران بویژه سینمای جمهوری اسلامی ایران توسط اهل پژوهش و مورخان و سینماگران کارآمد و تأثیرگذار باشد.

فرامرز روشنایی در این زمینه می‌گوید: از حق نگذریم، بانک اطلاعات سینمای ایران سوره مطمئن ترین مرجع فعلی در ارتباط با فعالین حوزه‌ی سینمای ایران است.

به گفته وی لازم است منبع اطلاعاتی بانک اطلاعات، تیتراژ فیلم‌های سینمایی باشد که در چرخه‌ی اکران قرار می‌گیرند و در بعضی موارد فیلم‌هایی که هرگز در چرخه‌ی اکران قرار نگرفته‌اند در رزومه افراد قرار نگیرد.

روشنایی خاطرنشان ساخت: باید توجه کنیم که در نشریات، بسیاری از تله فیلم‌ها به عنوان فیلم سینمایی معرفی شده‌اند. حتی بعضی از فیلم‌ها با وجودی که در جشنواره فیلم فجر بوده‌اند ولی امکان اکران برایشان فراهم نشده و وارد شبکه نمایش خانگی شده‌اند.

وی همچنین خواستار تقویت آرشیو عکس‌ها و پوسترها این بانک اطلاعاتی سینما شد.

فرانک آرتا از نویسندگان و منتقدان سینمایی معتقد است داشتن اطلاعات اولیه و پایه‌ای در هر امری ضروری است؛ به ویژه در حوزه سینما که به دو بخش هنرمندان و فیلم‌ها قابل تقسیم‌اند و البته هر کدام زیرشاخه‌هایی هم دارند. گردآوری چنین

اطلاعاتی اگر درست، دقیق و دست‌اول باشد، قطعاً در پژوهش‌ها، نقدها و غیره مدد رسان خواهد بود. وی با بیان اینکه گردآوری چنین اطلاعاتی در بدو امر سهل الوصول به نظر می‌رسد یادآور می‌شود: اما وقتی نیک بنگریم، می‌بینیم درباره‌ی همین مسائل ابتدایی چندان اتفاق نظری وجود ندارد! شاهد بودیم که در چندین کتاب درباره سالروز تولد بازیگری که در قید حیات است، اعداد متفاوتی درج شده با این نگاه تکلیف هنرمندانی که در قید حیات نیستند کاملاً مشخص است.

آرتا اضافه می‌کند: با این مقدمه در رابطه با بانک جامع اطلاعات سینمای ایران (سایت سوره سینما) واقعیت این است اگر دست‌اندرکاران این سایت چنین هدفی را دنبال می‌کنند که تمامی اطلاعات درباره سینمای ایران را جمع‌آوری کنند، کار بزرگی خواهند کرد. چون این کار یک روز و یک شب نیست. به نظر می‌رسد هر سائیتی هم از عهده‌ی آن بر نمی‌آید، چون نه بودجه‌اش را دارد و نه نیروی انسانی که دلش برای سینما بسوزد و تمام وقت در خدمت آن باشد. حالا که حوزه هنری بودجه‌ای دارد و نیروی انسانی با انگیزه چه خوب که طرح نوئی بیفکند.

وی تأکید می‌کند: برای توسعه و ارتقای این بانک صحت اطلاعات و استفاده از منابع دست‌اول ضروری است. ضمناً اگر سینمای قبل از انقلاب را هم اضافه کند خوب است. با این رویکرد، نگاهی به سر و شکل سایت انداختم، به نظرم بد نبود ولی کامل شدن اطلاعات آن زمان بر است.

این منتقد سینما معتقد است فقط لطفاً به سایت همچون خبرگزاری‌ها نگاه نکنید، بلکه مهم ارائه اطلاعات آرشیوی و پایه‌ای است که آن را از دیگر فضاها متمایز می‌کند.

حمید یادروج از مستندسازان و منتقدین سینمایی هم سایت بانک جامع اطلاعات سینمایی برای خبرنگاران و اهالی رسانه سائیتی نام آشنا و مرجع می‌داند و می‌گوید: از دیرباز تاکنون این سایت به عنوان منبعی قابل اعتماد مورد استفاده قرار می‌گرفته و می‌گیرد. این سایت با اطلاعات کاملی که در زمینه فیلم‌ها دارد به نویسندگان و خبرنگاران کمک می‌کند تا در تحلیل‌ها و نقدها از اطلاعات دقیقی استفاده کنند.

در یک جمع بندی می‌توان عنوان کرد با توجه به اینکه مرکز داده پردازی و یکی پدیا فاقد اعتبار علمی است؛ مقالات علمی در سایت و یکی پدیا در بسیاری از موارد کذب و فاقد اعتبار علمی است سایت بانک جامعه سینمای ایران از مجموعه‌های روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری مهم‌ترین مرجع و منبع اطلاعاتی حال حاضر جامعه سینمایی کشور است.

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران، شناسنامه‌ای برای سینمای ایران

مهدی سجاده‌چی، حسن برزیده، ابوالفضل جلیلی و شاهد احمدلو دیدگاه‌های خود را در خصوص اهمیت بانک جامع اطلاعات سینمای ایران بیان کردند.

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران سینمای ایران از محدود ظرفیت‌هایی است که به اذعان سینماگران و اهالی رسانه به مثابه مهم‌ترین مرجع و منبع سینمایی کشور در حال فعالیت است. این منبع اطلاعاتی ریزترین و گاهی نایب‌ترین اطلاعات در زمینه فیلم‌های سینمایی و سینماگران را ارائه می‌دهد. ساختار این مرجع اطلاعاتی و پژوهشی به لحاظ گرافیکی و برنامه‌ای در سال جدید تغییر خواهد کرد. به همین بهانه دیدگاه‌های چند سینماگر (حسن برزیده، مهدی سجاده‌چی، ابوالفضل جلیلی و شاهد احمدلو) را در خصوص اهمیت این منبع اطلاعاتی می‌خوانیم:

بانک جامع اطلاعات سینمایی؛ منبعی مهم برای پژوهشگران سینما

مهدی سجاده‌چی از فیلمنامه‌نویسان سینمای ایران، وجود منبعی مانند بانک جامع اطلاعات سینمایی را به ویژه در زمینه تحقیقات سینمایی، حائز اهمیت دانست و بیان داشت: «چنین بانک اطلاعاتی به ویژه برای محققان و پژوهشگران این حوزه منبع بسیار مهمی به شمار می‌رود و فقدان آن مشکل ایجاد خواهد کرد. از سویی دیگر ممکن است برای عواملی در سینما مانند تهیه‌کنندگان، فیلمسازان و سینماگرانی که در زمینه سینمای ایران مطلب می‌نویسند نیز مفید واقع شود. در حال حاضر گاهی شاهد هستیم که در سینمای ما فعالیت‌ها بر مبنای روابط انجام می‌شوند و افراد از پیش می‌دانند که باید با چه کسانی کار کنند اما اگر سینمایی از این فضای قبیله‌گرایی خارج نشود در این صورت تمام عواملی که برای ساخت یک اثر می‌خواهند به عوامل سینما در حوزه‌های گوناگون دسترسی داشته باشند، برای آگاهی از جزئیات حرفه‌ای این عوامل نیاز به چنین منبع اطلاعاتی خواهند داشت.»

مهم‌ترین نکته، «به روز بودن» این مرجع است

حسن برزیده؛ نویسنده و کارگردان سینما، خلاء بانک‌های اطلاعاتی معتبر و قابل اعتماد را زمینه‌ای برای سوءاستفاده دانست و گفت: «ز آنجا که خلاء اطلاعات در نبود یک منبع اطلاعاتی جامع و موثق

همواره زمینه را برای سوءاستفاده و پخش اطلاعات نادرست ایجاد می‌کند، طبیعتاً وجود چنین بانک جامع اطلاعاتی حائز اهمیت است. در واقع اگر رسانه و منبعی معتبر وجود نداشته باشد امکان دسترسی به اطلاعات نادرست ایجاد می‌شود. در این مورد به خصوص، این بانک اطلاعاتی برای ما سینماگران نیز منبع قابل اعتمادی به شمار می‌رود و به سراغش می‌رویم. اتفاقاً چند سال پیش در جریان شکل‌گیری این بانک اطلاعاتی بودم و اعتقاد داشتم که اتفاق خوبی برای سینمای ایران است. البته اهمیت استفاده



از این منبع صرفاً برای تازه کارهای سینما نیست، چرا که هر چقدر هم که حافظه خوبی داشته باشیم ممکن است برخی از اسامی را به خاطر نیاوریم؛ من شخصا زمانی که تصمیم به ساخت فیلمی دارم، برای یک بار هم که شده سعی می‌کنم تمام اسامی را مرور کنم. در این میان اگر به دلیل تعداد زیاد همکاران، نام کسانی در ذهن مان از قلم بیفتد رجوع به چنین بانک، کمک بسیار خوبی خواهد بود. اما مهم‌ترین نکته در ارتباط با چنین مرجعی، به روز بودن آن است، به ویژه در بخش بازیگران که ممکن است در بازه‌های زمانی کوتاهی کارهایی به کارنامه هنری آنها اضافه شده و این بانک اطلاعاتی نیاز به روز رسانی باشد.»

بانک اطلاعات سینمایی فرمالیته نیست

ابوالفضل جلیلی؛ فیلمنامه‌نویس و کارگردان سینما معتقد است وجود اینگونه بانک‌های اطلاعاتی نباید صرفاً فرمالیته باشد: «اگر فعالیت‌های سینمایی به صورت سیستماتیک و بر اساس روندی صحیح پیش بروند، طبیعتاً وجود چنین بانک اطلاعاتی مفید واقع خواهد بود اما متأسفانه در سینمای خیلی چیزها سر جای خود نیست و وجود بانک اطلاعاتی ممکن است سرگرمی به نظر برسد. به اعتقاد من وجود چنین منبعی نباید صرفاً فرمالیته باشد و باید از آن استفاده شود؛ به این معنا مدام به آن رجوع شود و اگر به عنوان مثال بازیگر، فیلمبردار یا هر یک از دست‌اندرکارانی که به هر دلیل چند سالی است که کار نکرده‌اند مورد توجه قرار گیرند و از آنها استفاده شود. در واقع مقصود اصلی باید همین باشد. البته در خصوص هر مرجع اطلاعاتی به روز بودن و به روز رسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و شاید هر روز نیاز به آپدیت داشته باشد.»

بانک جامع اطلاعات سینمایی سوره به مثابه شناسنامه سینمای ایران

شاهد احمدلو؛ بازیگر و کارگردان سینما، بانک جامع اطلاعات سینمایی را به مثابه شناسنامه‌ای برای سینما می‌داند که وجودش به ویژه برای مخاطبان ضروری است: «همانگونه هر فردی نیاز به شناسنامه دارد، سینمای ما هم شناسنامه می‌خواهد. در زمانه‌ای که همه می‌توانند با یک کلیک به تمام اطلاعات آرشیوی و سوابق افراد دسترسی پیدا کنند وجود چنین منبعی واجب و ضروری است. شاید در دایره سینما افراد اطلاعات ناقصی در باره همکاران سینمایی خود داشته باشند اما به مخاطب عام نیز باید فکر شود. در واقع با توجه به گستردگی دنیای مجازی و اینترنت، این مخاطب نیاز دارد هنرمندان خود را با دقت و جزئیات بیشتری بشناسد تا شناخت دقیق‌تر و صحیح‌تری نسبت به آنها داشته باشد. به روز رسانی نکات بسیار قابل توجه در این زمینه است که می‌بایست همواره با دقت فراوان انجام شود. اطلاعات چنین بانک اطلاعاتی به عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع شناسنامه‌ای سینمای ایران باید به مراتب بیشتر چیزی که امروز هست، باشد. این دقیق بودن اطلاعات هم در بُعد ملی سینمای ایران از هم در رابطه با بُعد بین‌المللی سینمای ایران. من به شخصه در موارد بسیاری به این بانک اطلاعاتی رجوع کرده‌ام و مفید هم بوده است فقط در مواردی نیاز به آپدیت و به روز رسانی با دقت و ظرافت بیشتر دارد.»

ضرورت تبدیل «بانک جامع اطلاعات سینمای ایران» به مهم‌ترین مرجع اطلاعات سینمایی

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران نه به عنوان ویکی پدیایی فاقد اطلاعات دقیق و صحیح، که به مثابه مهم‌ترین مرجع و منبع اطلاعاتی در این زمینه می‌تواند زنده‌کننده خاطراتی باشد که قریب به چهل سال از آن می‌گذرد و مرور آنها نه تنها خالی از لطف نیست بلکه امری ضروری برای بقا و پویایی هر چه بیشتر این رویداد هنری - سینمایی خواهد بود. به این بهانه برای تحلیل و بررسی و ارزیابی سایت «بانک جامع اطلاعات سینمای ایران» به سراغ سعید الهی، رضا حسینی، علیرضا بهرامی، روح‌الله شهمقدری، حمیدرضا مدقق، محمد سلیمانی و مهدی خرم‌دل رفتیم.

نیاز به فعالیت دوزبانه

سعید الهی کارشناس سینما؛ در خصوص سایت بانک اطلاعات سینمای ایران و ظرفیت‌های آن گفت: اساساً در دنیای امروز که ارتباطات و تکنولوژی با شتاب بالایی رو به رشد است، استفاده از فناوری‌های نوین و چنین ابزارهایی، امری بسیار پسندیده و قابل تحسین است. در عرصه سینما نیز به واسطه اینکه مخاطبان، سطوح متفاوتی از جامعه را شامل می‌شوند، طبیعتاً اطلاعات به سرعت منتشر می‌شود، اگر مرجعی برای ساماندهی و به روز کردن این اطلاعات وجود نداشته باشد تا صحت این اطلاعات را بررسی کند، مخاطب با حجمی از اطلاعات نادرست رو به رو خواهد بود و خود نیز به صورت ناخواسته مروج این گونه اطلاعات اشتباه می‌شود؛ اطلاعاتی که می‌تواند سینه به سینه و دهان به دهان به سطح وسیعی از جامعه منتقل شود. بنابراین به اعتقاد من تأسیس سایتی چون بانک جامع اطلاعات سینمای ایران که از سال‌های پیش در سازمان سینمایی حوزه هنری اتفاق افتاده اقدامی شایان تقدیر است و باید در به روز رسانی آن تلاش کرد. اگر بتوانیم بانک جامع اطلاعات سینمای ایران را در ابعاد مختلف دیگری چون حوزه رویدادهای سینمایی، مراکز و شرکت‌های مرتبط با سینما، دفاتر سینمایی و هر گونه اطلاعات مرتبط با حوزه سینما نیز گسترش دهیم بسیار خوب است. حتی می‌توان این بانک را به صورت دوطبانه و به زبان‌های فارسی و انگلیسی فعال کرد تا مخاطبان غیر ایرانی نیز امکان رجوع به این سایت را داشته باشند. از سوی دیگر از آن جهت که یک سازمان و نهاد دولتی به نوعی متولی این سایت است، مخاطبان اعتماد و اطمینان بیشتری نسبت به اطلاعات این بانک اطلاعاتی دارند چرا که آن را قابل استناد و موثق تلقی می‌کنند.

دریافت اطلاعات موثق

رضا حسینی؛ منتقد سینما در خصوص بانک اطلاعات سینمای ایران و ظرفیت‌های آن گفت: همواره جای خالی چنین مرجعی احساس می‌شده و

هنوز هم جا برای بهتر شدن و رشد این مرجع وجود دارد. به شخصه در حوزه سینمای ایران از مدت‌ها پیش به طرق مختلف اگر به دنبال اطلاعاتی بودم این مرجع به من کمک کرده است. در حال حاضر نیز در کنار این مرجع ویکی پدیا وجود دارد که پژوهشگر همواره نسبت به اطلاعات مندرج در آن تردید دارد. اما خوشبختانه سایت بانک جامع اطلاعات سینمای ایران این ویژگی را دارد که مخاطب از اطلاعات درج شده در آن اطمینان بیشتری دارد. بنابراین اگر توسعه بیشتری پیدا کند می‌تواند نیازهای بیشتری را در جست و جوی اینترنتی برطرف کند.

ضرورت تبدیل بانک

به مهم‌ترین مرجع اطلاعات سینمایی ایران

علیرضا بهرامی، مدیرکل فرهنگی خبرگزاری ایسنا؛ در خصوص بانک اطلاعات سینمای ایران و ظرفیت‌های آن گفت: من از سایت بانک جامع اطلاعات سینمای ایران خاطره خوبی دارم چرا که سال‌هایی بود که ما در هفته یک پرونده درباره یکی از فیلم‌های روی پرده در مجله کار می‌کردیم و از آنجا که می‌خواستیم در مقدمه آن معرفی از سازندگان فیلم داشته باشیم، در مواردی که تردید داشتیم نیاز به یک منبع موثق داشتیم، اسم هر سینماگری را که در گوگل جستجو می‌کنیم دو صفحه نخست که پیدا می‌شود، ویکی‌پدیا و سایت بانک جامع اطلاعات سینمای ایران است. ویکی پدیا که شخصاً همواره به اطلاعات آن بی‌اعتماد بوده‌ام و در این مورد به خصوص به من ثابت شده که بعضاً اطلاعات آن دقیق نیست. نمی‌توان گفت سایت بانک جامع اطلاعات سینمای ایران کاملاً دقیق و بی‌عیب و نقص است اما دست کم کامل‌تر و قابل اطمینان‌تر از هر منبعی است. امیدوارم اگر روزی این مرجع تکامل پیدا کند، به مهم‌ترین مرجع اطلاعات سینمایی ایران تبدیل شود؛ چرا که پژوهشگران در هر لحظه و در موارد بسیاری به وجود چنین مرجعی نیاز دارند.

لزوم شکل‌گیری ساختار تعاملی میان سامانه و سینماگران

روح‌الله شهمقدری؛ نویسنده و کارگردان سینما در خصوص سایت بانک اطلاعات سینمای ایران و ظرفیت‌های آن گفت: در مجموع چنین بانک اطلاعاتی برای سینمای ایران لازم و ضروری است، و به تعبیری می‌توان گفت مدت‌ها یکی از مرجع‌های اصلی، تنها همین بانک جامع اطلاعات سینمای ایران بود. هر چند در حال حاضر دست کم به لحاظ جست و جوی اینترنتی جایگاه آن به اندازه قبل نیست که البته به نظر من چرایی این نکته می‌بایست آسیب شناسی شود؛ چرا که بعضاً منابع غیر رسمی به عنوان مرجع‌های بالاتری در جست و جوی اینترنتی قرار می‌گیرند که طبیعتاً گاهی اطلاعات غیر واقعی و

نادرست نیز در آنها درج می‌شود. در این میان آنچه که باید رخ دهد ساز و کارهای تعاملی برای ارتباط با سینماگران است. به طور فرض به شخصه مواردی را سراغ دارم که اطلاعاتشان در این سامانه به صورت ناقص درج شده و اگر سینماگران اطلاع داشته باشند که از چه طریقی می‌توانند اطلاعات خود را برای تکمیل در اختیار سامانه قرار دهند، چنین تعاملی برقرار خواهد شد. اگر این نکته به عنوان مورد نظر قرار بگیرد از یک سو اطلاعات سامانه دقیق‌تر خواهد شد و از سوی دیگر این سامانه به عنوان مرجع جدی‌تری میان سینماگران شناخته خواهد شد.

بانک، مدلی از IMDB ایرانی

حمیدرضا مدقق؛ سردبیر علمی، فرهنگی و هنری شبکه خبر در خصوص بانک اطلاعات سینمای ایران و ظرفیت‌های آن گفت: به خاطر دارم زمانی که این سایت شکل گرفت ما نیز گزارشی از آن تهیه کردیم. ایده بسیار خوبی بود و مدلی از IMDB ایرانی است و تا آنجا که می‌دانم در میان رسانه‌ها محل رجوع بسیاری از اهالی مطبوعات است و در دسترس‌ترین اطلاعات موجود را به صورت آن لاین در اختیار محقق قرار می‌دهد و من نیز به شخصه در موارد بسیاری از آن استفاده می‌کنم. اما در کنار این ویژگی‌های مثبت این سایت در ابتدای راه بسیار خوب کار کرد که البته با یک سری ایرادات فنی همراه بود که البته در یکی دو سال اخیر دوباره احیا شده و در حال تکمیل اطلاعات است. بزرگ‌ترین ایراد این سایت وجود اطلاعات ناقص و نادرستی است که بعضاً در آن وجود دارد. به نظر من بسیار ضروری است که اطلاعات این سایت بروزرسانی شود و در زمینه سینمای قبل از انقلاب نیز می‌بایست اطلاعات تکمیل شود. در بخش‌هایی مشخصاً از منابع دیگری هم بهره‌برداری شده که برخی از آنها نیز کامل نیستند. در بخش جشنواره‌های داخلی و خارجی نیز نیاز به بازنگری است و نیاز به طراحی جامع‌تری دارد. اما به رغم تمامی این نقایص ضعفی که به آنها اشاره کردم وجود چنین مرجعی بسیار لازم، مفید و ضروری است و به شخصه ترجیح می‌دهم با وجود این

بانک جامع

اطلاعات سینمای ایران

این ویژگی را دارد

که مخاطب

از اطلاعات درج شده

در آن

اطمینان بیشتری دارد.



علیرضا تابش:

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران مانع از فراموشی نام اهالی سینماست

مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی معتقد است: سینمای ایران به عنوان یک صنعت بزرگ همواره با این تهدید روبرو بود که نام زحمت کشانش در هیچ منبعی ثبت نشود، اما سایت بانک اطلاعات جامع سینمای ایران «سوره سینما» مانع از این مسئله شد.

علیرضا تابش ضمن بیان این مطلب عنوان کرد: بانک اطلاعات اهالی سینمای ایران «سوره سینما» تلاش قابل تقدیری است؛ در قالب یک سایت که در آن اطلاعات تمام فیلم‌ها از سال ۱۳۰۹ تا الان با تیتراژ کامل بارگذاری شده و تاریخچه جشنواره‌هایی مثل فجر، کودک، روستا، رشد، دفاع مقدس در آن موجود است و همچنین تصاویر فیلم‌های سینمایی قابل دسترسی است. هرچند این سایت برای رسیدن به جایگاه پژوهشی در حوزه سینما فاصله دارد اما بستر ارزشمندی برای پژوهشگران و جستجوگران حوزه اطلاعات سینمایی است.

وی ادامه داد: سینمای ایران به عنوان یک صنعت بزرگ همواره با این تهدید روبرو بود که نام زحمت کشان و کسانی که پشت دوربین فعالیت می‌کنند و یا کسانی که زندگی‌شان در تاریکی اماکنی چون لابراتوارها سپری شده، نامشان در هیچ منبعی ثبت نشود اما سایت «سوره سینما» با درج تیتراژ کامل فیلم‌ها این امکان را فراهم کرد تا نام این بزرگان و تلاشگران در تاریخ سینمای معاصر ثبت شود و از طرفی باعث شود که کسانی که در حوزه پژوهش نیازمند اطلاعات هستند، این خلا تا حدود زیادی مرتفع شود و نیاز پژوهشگران را تامین نماید.

تابش همچنین گفت: باید توجه داشت که این بانک اطلاعاتی و یا هر بانک اطلاعاتی دیگری باید مستند باشد و مورد رجوع اهالی و نهادهای سینمایی و فرهنگی قرار گیرد و در جنبه دیگر، یک بانک اطلاعاتی باید کاربردی باشد و اطلاعات آن در گردش باشد، چرا که میزان اعتبار یک بانک اطلاعاتی به ضریب در گردش بودن اطلاعات و میزان مراجعه و تنوع گروه‌های بهره‌بردار آن بستگی دارد.

مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی در پایان گفت: فکر می‌کنم با توجه به ورود نسل جوان و جدیدی از سینماگران (فیلم اولی‌ها)، رصد کردن این آثار و درج اطلاعات مربوط به آنها یکی از اولویتها برای به روز رسانی «سوره سینما» محسوب می‌شود.

ضعف‌ها باز هم وجود داشته باشد چرا که بسیار زیاد منبع رجوع است.

نکته مهم در خصوص این بانک اطلاعاتی؛ مسئله اعتماد است

محمد سلیمانی؛ سردبیر مجله جهان سینما در خصوص بانک اطلاعات سینمای ایران و ظرفیت‌های آن گفت: به شخصه بسیار خوشحال هستم که این سایت که با تلاش بسیار زیاد آغاز به کار کرد، تا به امروز توانسته با تکیه بر بازخوردهای مثبتی که دریافت کرده است به حیات خود ادامه دهد. من به عنوان کسی که فعالیت‌های تحقیقی بسیاری در حوزه سینما انجام داده‌ام شاید بیش از هر کس دیگری اهمیت چنین مرجعی را برای فضای تحقیق و پژوهش در عرصه سینما درک کنیم. نکته مهم دیگر در این مورد مسئله اعتماد است؛ اینکه محقق بتواند به اطلاعات موجود در یک مرجع اعتماد کند. به اعتقاد من، بانک جامع اطلاعات سینمای ایران به نوبه خود توانسته اعتماد مخاطبان را جلب کند این اعتماد زمانی به دست می‌آید که اطلاعات مندرج در سایت با دقت گردآوری شده باشد و کم‌ترین میزان خطا و اشتباه در آن دیده شود. با توجه به جدیت و پشتکار دست اندرکاران این سایت، به نظر می‌رسد این مهم تا به امروز محقق شده و در آینده نیز اتفاق خواهد افتاد. من پیشنهاد می‌کنم تیم فعال در این زمینه برای جلب اعتماد بیشتر، می‌توان به تیم گسترده‌تری تبدیل شود و فعالیت گسترده‌تری داشته باشد تا پروسه گردآوری اطلاعات با سرعت بیشتری انجام شود.

دورنمای بسیار خوب

مهدی خرم‌دل؛ دبیر بخش فرهنگی سایت تابناک در خصوص بانک اطلاعات سینمای ایران و ظرفیت‌های آن گفت: تا کنون تلاش‌های بسیاری انجام شده تا مدلی شبیه به IMDB در ایران داشته باشیم اما تمامی آنها با شکست رو به رو شدند به جز همین بانک جامع اطلاعات سینمای ایران که متولی آن حوزه هنری و سایت بانک جامع اطلاعات سینمای ایران است. مشخصاً شاید بتوان گفت که در طول یک ماه میزان رجوع من به این سایت برای یافتن جزئیات فیلم‌ها سه رقمی است. به نظر من در بلند مدت و در بیست آینده تبدیل به سرمایه بسیار مهم و بزرگی برای سینمای ایران خواهد شد. در آینده بخش قابل توجهی از SEO سایت‌ها و مخاطبان بر اساس همین اطلاعات پایه شکل خواهد گرفت. اطلاعاتی که مخاطبان می‌خواهند با یک جست و جوی ساده اینترنتی به دست بیاورند و دیگر حوصله‌ای برای خواندن کتب مرجع در این زمینه نیست. به اعتقاد من اگر سازمان سینمایی حوزه هنری یک روز از سرمایه‌گذاری و تمرکز بر این حوزه بکاهد خسارت عمده‌ای خواهد دید. امیدوارم در آینده سرمایه‌گذاری گسترده‌تری در این زمینه صورت بگیرد تا اطلاعات با کیفیت‌تری نیز به آن اضافه شود. به عنوان مثال همانند IMDB هر فیلم یک مجموعه عکس داشته باشد، مجموعه‌ای از مترجمان را به تیم اضافه کنید تا مطالب به دو زبان ارائه شوند و مطالب از حالت بومی به حالت بین‌المللی تبدیل شود. در حقیقت به جایی برسد که تمام سینماگران ایرانی درخواست مکرر برای ارائه اطلاعات خود در این سایت داشته باشند. اگر این جزئیات با کیفیت بالا به این بانک اطلاعاتی اضافه شود و گرافیک قدیمی سایت که در واقع میراث سال‌های دور است به روز رسانی شود، به شخصه دورنمای بسیار خوبی برای این بانک اطلاعاتی می‌بینم.



بانک جامع اطلاعات سینمای ایران



sourehcinema سوره سینما



ایجاد «پرونده صنف بدلکاران» در بانک جامع اطلاعات سینمایی

ساخته شده ایرانی به همراه کلیه اطلاعات مربوط به آنها (عوامل فیلم، مشخصات فنی، خلاصه فیلم، بیوگرافی و سوابق هنری سینماگران ایرانی) از سال پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون می‌باشد، بزرگترین گالری عکس سینمایی (شامل عکس‌های صحنه، پشت صحنه و پوستر) برای فیلم‌ها، افراد و جشنواره‌ها، گزارش کامل از نتایج جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی و رویدادهای روز آن، امکان دسترسی به اطلاعات روز سینماهای تهران به طور کامل، بخش آرشیو عکس شامل عکس فیلم، پشت صحنه فیلم و هنرمندان می‌شود. همچنین پرونده کامل (شامل قوانین و مقررات، فیلم‌ها، جوایز، تصاویر و...) از اطلاعات مربوط به جشنواره‌های مهم سینمایی کشور مانند: جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان، جشن خانه سینما، جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، جشنواره بین‌المللی فیلم رشد در این بانک گردآوری شده و پرونده فیلم‌های سینمایی به تفکیک سال تولید از ۱۳۰۹ تاکنون در آن ارائه شده است.

افتتاحیه، اختتامیه، قوانین و مقررات، پیام دبیر- معرفی داوران و اعضای هیئت انتخاب و همچنین نامزدها و برگزیدگان، آلبوم تصاویر به تفکیک روزها شامل ۹۰۳ تصویر از حواشی افتتاحیه، اختتامیه و نشست‌های خبری»، «ساخت پرونده جهانی جشنواره فجر دوره سی و چهارم شامل: قوانین و مقررات، معرفی نامزدها و برگزیدگان، گزارش تصویری به شکل روزشمار، معرفی فیلم‌ها و معرفی اعضای هیئت انتخاب و داوری» اشاره داشت.

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران از مراکز زیرمجموعه روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری است که شامل: پرونده ۳۲ هزار و ۴۳۹ سینماگر از سال ۱۳۰۹، سه هزار و ۵۰۷ پرونده فیلم شامل: آلبوم عکس‌ها، خلاصه داستان و تیتراژ؛ همچنین، اطلاعات مربوط به ۷۶۵ شرکت و فیلم‌های تولید شده است.

شایان ذکر است: محتوای بانک جامع اطلاعات سینمای ایران «سوره سینما» که اولین و تنها بانک اطلاعاتی (دیتابیس) سینمای ایران است شامل: تاریخچه سینمای ایران، معرفی فیلم‌های

شش هزار و ۱۷۵ پرونده شامل: پرونده افراد، فیلم‌ها، شرکت‌های سینمایی و جشنواره‌های طی سال ۹۷، توسط بانک جامع اطلاعات سینمای ایران «سوره سینما» از مراکز سازمان سینمایی حوزه هنری به روزرسانی شد.

این بانک علاوه بر بروزرسانی پرونده ۶۱۷۵ فعالیت سینمایی، پرونده ۹۵ فیلم ساخته شده در سال ۹۷ را به همراه تصاویر این آثار در بانک ثبت و آماده بهره‌برداری کرد.

همچنین، برای اولین بار پرونده صنف بدلکاران سینما با مشارکت این صنف در خانه سینما در بانک جامع اطلاعات سینمای ایران ایجاد و اطلاعات بدلکاران سینمایی در آن به عنوان «سایر بازیگران» ثبت و همچنان، در حال بروزرسانی و جمع‌آوری اطلاعات این بخش از بدنه سینمای کشور است.

از دیگر فعالیت‌های این بانک در سال ۹۷ می‌توان به: «ثبت فروش اکران فیلم‌ها در این سال و برنامه نمایش فیلم در سراسر کشور ویژه سینماهای حوزه هنری»، «ساخت پرونده جشنواره فجر دوره سی و پنجم شامل: گزارش

مؤسسه پویانمایی آینده‌نگار تقدیم می‌کند



تهیه‌کننده مصطفی حسن آبادی

کارگردان محسن عنایتی



بخش از موسسه «بهمن سبز» حوزه هنری